



باب اول

تجارت و معاملات تجارتي

ماده 1- تاجر کسي است که شغل معمولي خود را معاملات تجارتي قرار بدهد.

ماده 2 - معاملات تجارتي از قرار ذيل است :

1- **خرید یا تحصيل** هر نوع مال منقول به قصد **فروش** یا **اجاره** اعم از اين که تصرفاتي در آن شده یا نشده باشد.

2 - تصدي به حمل و نقل از راه خشکي یا آب یا هوا به هرنحوي که باشد.

3 - هر قسم عمليات دلکلي یا حق العمل کاري (کميسيون) و یا عاملي و همچنين تصدي به هر نوع تاسيساتي که براي انجام بعضي امور ايجاد ميشود از قبيل تسهيل معاملات ملکي یا پيدا کردن خدمه یا تهيه و رسانیدن ملزومات و غيره .

4 - تاسيس و بکار انداختن هر قسم کارخانه مشروط بر اين که براي رفع حوائج شخصي نباشد.

5 - تصدي به عمليات حراجي.

6 - تصدي به هر قسم نمايشگاه هاي عمومي .

7 - هر قسم عمليات صرافي و بانکي.

8 - معاملات برواتي اعم از اين که بين تاجر یا غير تاجر باشد.

9 - عمليات بيمه بحري و غير بحري .

10 - کشتي سازي و خريد و فروش کشتي و کشتي راني داخلي یا خارجي و معاملات راجعه به آنها.

ماده 3 - معاملات ذيل به اعتبار تاجر بودن متعاملين یا يکي از آنها تجارتي محسوب مي شود -

1 - کليه معاملات بين تاجر و کسبه و صرافان و بانکها.



2 - کلیه معاملاتی که تاجر یا غیر تاجر برای حوائج تجارتي خود مي نماید.

3 - کلیه معاملاتی که اجزاء یا خدمه یا شاگرد تاجر برای امور تجارتي ارباب خود مي نماید.

4 - کلیه معاملات شرکتهای تجارتي .

ماده 4 - معاملات غیرمنقول به هیچ وجه تجارتي محسوب نمی شود.

ماده 5 - کلیه معاملات تجار تجارتي محسوب است مگر اینکه ثابت شود معامله مربوط به امور تجارتي نیست .

باب دوم

دفاتر تجارتي و دفتر ثبت تجارتي

فصل اول دفاتر تجارتي

ماده 6 - هرتاجري به استثنای **کسبه جزء** مکلف است دفتر ذیل یا دفاتر دیگری را که وزارت عدلیه به موجب نظامنامه قائم مقام این دفاتر قرار میدهد داشته باشد :

1- دفتر روزنامه .

2 - دفتر کل .

3 - دفتر دارائی .

4 - دفتر کپی .

ماده 7 - دفتر روزنامه دفتری است که تاجر باید **همه روزه** مطالبات و دیون و داد و ستد تجارتي و معاملات راجع به اوراق تجارتي (از قبیل خرید و فروش و ظهرنویسی) و بطور کلی جمیع واردات و صادرات تجارتي خود را به هر اسم و رسمی که باشد و جوهی را که برای مخارج شخصی خود برداشت می کند در آن دفتر ثبت نماید.

ماده 8 - دفتر کل دفتری است که تاجر باید کلیه معاملات را **لااقل هفته یک مرتبه** از دفتر روزنامه استخراج و



انواع مختلفه آن را تشخیص و جدا کرده هر نوعی را در صفحه مخصوصی در آن دفتر بطور خلاصه ثبت کند.

ماده 9 - دفتر دارائی دفتری است که تاجر باید **هر سال** صورت جامعی از کلیه دارائی منقول و غیر منقول و دیون و مطالبات سال گذشته خود را به ریز ترتیب داده در آن دفتر ثبت و امضاء نماید و این کار باید تا پانزدهم فروردین سال بعدانجام پذیرد.

ماده 10 - دفتر کپیہ دفتری است که تاجر باید کلیه مراسلات و مخابرات و صورت حسابهای صادره خود را در آن به ترتیب تاریخ ثبت نماید.

تبصره - تاجر باید کلیه مراسلات و مخابرات و صورت حسابهای وارده را نیز به ترتیب تاریخ ورود مرتب نموده و در لفاف مخصوصی ضبط کند.

ماده 11 - دفاتر مذکور در ماده 6 به استثناء دفترکپیہ قبل ازآنکه در آن چیزی نوشته شودبه توسط نماینده اداره ثبت (که مطابق نظامنامه وزارت عدلیه معین می شود)امضاءخواهدشد. برای دفترکپیہ امضاء مزبورلازم نیست . ولی باید اوراق آن دارای نمره ترتیبی باشد. در موقع تجدید سالیانه هر دفتر مقررات این ماده رعایت خواهدشد. حق امضاء از قرار هر صد صفحه یا کسور آن دو ریال و بعلاوه مشمول ماده 135 قانون ثبت اسناداست .

ماده 12 - دفتری که برای امضاء به متصدی امضاء تسلیم می شود باید دارای نمره ترتیبی و قیطان کشیده باشد و متصدی امضاء مکلف است صفحات دفتر را شمرده در صفحه اول و آخر هر دفترمجموع عدد صفحات آن را با تصریح به اسم و رسم صاحب دفتر نوشته با قید تاریخ امضاء و دو طرف قیطان را با مهر سربی که وزات عدلیه برای این مقصود تهیه می نماید منگنه کند ، لازم است کلیه اعداد حتی تاریخ با تمام حروف نوشته شود.

ماده 13 - کلیه معاملات و صادرات و واردات در دفاتر مذکوره فوق باید به ترتیب تاریخ در صفحات مخصوصه نوشته شود - تراشیدن و حک کردن و همچنین جای سفید گذاشتن بیش از آنچه که در دفترنویسی معمول است و در حاشیه و یا بین سطور نوشتن ممنوع است و تاجر باید تمام آن دفاتر را از ختم هر سالی لافل تا 10 سال نگه دارد.

ماده 14 - دفاتر مذکور در ماده 6 و سایر دفاتری که تاجر برای امور تجاری خود بکار می برند در صورتی که مطابق مقررات این قانون مرتب شده باشد بین تاجر ، در امورتجاری سندیت خواهد داشت و در غیر این صورت فقط بر علیه صاحب آن معتبرخواهدبود.

ماده 15 - تخلف از ماده 6 و ماده 11 مستلزم دویست تاده هزارریال جزای نقدی است ، این مجازات را محکمه



حقوق راسا و بدون تقاضاي مدعي العموم مي تواند حكم بدهد و اجراي آن مانع اجراي مقررات راجع به تاجر ورشكسته كه دفتر مرتب ندارد نخواهد بود.

فصل دوم

دفتر ثبت تجارتي

ماده 16 - در نقاطي كه وزارت عدليه مقتضي دانسته و دفتر ثبت تجارتي تاسيس كندكليه اشخاصي كه در آن نقاط به شغل تجارت اشتغال دارند اعم از ايراني و خارجي به **استثناءكسبه جزء** بايد در مدت مقرر اسم خود را در دفتر ثبت تجارتي به ثبت برسانند والا به جزاي نقدي از دويست تا دو هزار ريال محكوم خواهند شد.

ماده 17 - مقررات مربوطه به دفتر ثبت تجارتي را وزارت عدليه با تصريح به موضوعاتي كه بايد به ثبت برسد به موجب نظامنامه معين خواهد كرد.

ماده 18 - شش ماه پس از الزامي شدن ثبت تجارتي هرتاجري كه مكلف به ثبت است بايد در كليه اسناد و صورت حساب ها و نشریات خطي يا چاپي خود در ايران تصريح نمايد كه در تحت چه نمره به ثبت رسیده و الا علاوه بر مجازات مقرر در فوق به جزاي نقدي از دويست تا دو هزار ريال محكوم مي شود.

ماده 19 - **كسبه جزء** مذکور در اين فصل و فصل اول مطابق مقررات نظامنامه وزارت عدليه تشخيص مي شوند.

باب سوم

شرکتهای تجارتي

فصل اول

در اقسام مختلف شرکتهای و قواعد راجعه به آنها

ماده 20- شرکتهای تجارتي بر هفت قسم است :

1 - شرکت سهامی .

2 - شرکت با مسئولیت محدود.



3 - شرکت تضامني

4 - شرکت مختلط غيرسهامي .

5 - شرکت مختلط سهامي .

6 - شرکت نسبي .

7 - شرکت تعاوني توليد و مصرف .

مبحث اول

شرکتهای سهامی

بخش 1

تعریف و تشکیل شرکت سهامی

ماده 1 - شرکت سهامی شرکتی است که سرمایه آن به سهام تقسیم شده و مسئولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی سهام آنها است .

ماده 2 - شرکت سهامی شرکت بازرگانی محسوب می شود ولو اینکه موضوع عملیات آن امور بازرگانی نباشد.

ماده 3 - در شرکت سهامی تعداد شرکاء نباید از سه نفر کمتر باشد.

ماده 4 - شرکت سهامی به دو نوع تقسیم می شود -

نوع اول - شرکتهایی که موسسین آنها قسمتی از سرمایه شرکت را از طریق فروش سهام به مردم تامین می کنند. اینگونه شرکتها ، شرکت سهامی عام نامیده می شوند.

نوع دوم - شرکتهایی که تمام سرمایه آنها در موقع تاسیس منحصرأ توسط موسسین تامین گردیده است . اینگونه شرکتها ، شرکت سهامی خاص نامیده می شوند.



تبصره - در شرکتهای سهامی عام عبارت " شرکت سهامی عام " و در شرکتهای سهامی خاص عبارت " شرکت سهامی خاص " باید قبل از نام شرکت یا بعد از آن بدون فاصله با نام شرکت در کلیه اوراق و اطلاعیه ها و آگهی های شرکت بطور روشن و خوانا قید شود.

ماده 5 - در موقع تاسیس سرمایه شرکتهای سهامی عام از پنج میلیون ریال و سرمایه شرکتهای سهامی خاص از يك میلیون ریال نباید کمتر باشد. در صورتی که سرمایه شرکت بعد از تاسیس به هر علت از حداقل مذکور در این ماده کمتر شود باید طرف یکسال نسبت به افزایش سرمایه تا میزان حداقل مقرر اقدام بعمل آید یا شرکت به نوع دیگری از انواع شرکتهای مذکور در قانون تجارت تغییر شکل یابد و گرنه هر ذینفع می تواند انحلال آن را از دادگاه صلاحیتدار درخواست کند.

هرگاه قبل از صدور رای قطعی موجب درخواست انحلال منتفی گردد ، دادگاه رسیدگی را موقوف خواهد نمود.

ماده 6 - برای تاسیس شرکتهای سهامی عام موسسین باید اقلاً بیست درصد سرمایه شرکت را خود تعهد کرده و لااقل سی و پنج درصد مبلغ تعهد شده را در حسابی بنام شرکت در شرف تاسیس نزد یکی از بانکها سپرده س پس اظهارنامه ای به ضمیمه طرح اساسنامه شرکت و طرح اعلامیه پذیره نویسی سهام که به امضاء کلیه موسسین رسیده باشد در تهران به اداره ثبت شرکتها و در شهرستانها به دایره ثبت شرکتها و در نقاطی که دایره ثبت شرکتها وجود ندارد به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و رسید دریافت کنند.

تبصره - هرگاه قسمتی از تعهد موسسین بصورت غیر نقد باشد باید عین آن یا مدارک مالکیت آنرا در همان بانکی که برای پرداخت مبلغ نقدی حساب باز شده است تودیع و گواهی بانک را به ضمیمه اظهارنامه و ضمائم آن به مرجع ثبت شرکتها تسلیم نمایند.

ماده 7 - اظهارنامه مذکور در ماده 6 باید با قید تاریخ به امضاء کلیه موسسین رسیده و موضوعات زیر مخصوصاً در آن ذکر شده باشد.

1 - نام شرکت .

2 - هویت کامل و اقامتگاه موسسین .

3 - موضوع شرکت .

4 - مبلغ سرمایه شرکت و تعیین مقدار نقد و غیر نقد آن به تفکیک .



5 - تعداد سهام با نام و بی نام و مبلغ اسمی آنها و در صورتی که سهام ممتاز نیز مورد نظر باشد تعیین تعداد و خصوصیات و امتیازات اینگونه سهام .

6 - میزان تعهد هر یک از موسسین و مبلغی که پرداخت کرده اند با تعیین شماره حساب و نام بانکی که وجوه پرداختی در آن واریز شده است. در مورد **آورده غیر نقد** تعیین اوصاف و مشخصات و ارزش آن بنحوی که بتوان از کم و کیف آورده غیر نقد اطلاع حاصل نمود.

7 - مرکز اصلی شرکت .

8 - مدت شرکت .

ماده 8 - طرح **اساسنامه** باید با قید تاریخ به امضاء موسسین رسیده و مشتمل بر مطالب زیر باشد :

1 - نام شرکت .

2 - موضوع شرکت بطور صریح و منجز.

3 - مدت شرکت .

4 - مرکز اصلی شرکت و محل شعب آن اگر تاسیس شعبه مورد نظر باشد.

5 - مبلغ سرمایه شرکت و تعیین مقدار نقد و غیر نقد آن به تفکیک .

6 - عداد سهام بی نام و با نام و مبلغ اسمی آنها و در صورتی که ایجاد سهام ممتاز مورد نظر باشد. تعیین تعداد و خصوصیات و امتیازات اینگونه سهام .

7 - تعیین مبلغ پرداخت شده هر سهم و نحوه مطالبه بقیه مبلغ اسمی هر سهم و مدتی که ظرف آن باید مطالبه شود که به هر حال از پنج سال متجاوز نخواهد بود.

8 - نحوه انتقال سهام بانام .

9 - طریقه تبدیل سهام بانام به سهام بی نام و بالعکس .

10 - در صورت پیش بینی امکان صدور اوراق قرضه ، ذکر شرایط و ترتیب آن .



- 11 - شرایط و ترتیب افزایش و کاهش سرمایه شرکت .
- 12 - مواقع و ترتیب دعوت مجامع عمومی .
- 13 - مقررات راجع به حد نصاب لازم جهت تشکیل مجامع عمومی و ترتیب اداره آنها.
- 14 - طریقه شور و اخذ رای اکثریت لازم برای معتبر بودن تصمیمات مجامع عمومی .
- 15 - تعداد مدیران و طرز انتخاب و مدت ماموریت آنها و نحوه تعیین جانشین برای مدیرانی که فوت یا استعفاء می کنند یا محجور یا معزول یا به جهات قانونی ممنوع می گردند.
- 16 - تعیین وظایف و حدود اختیارات مدیران .
- 17 - تعداد سهام تضمینی که مدیران باید به صندوق شرکت بسپارند.
- 18 - قید اینکه شرکت يك بازرس خواهد داشت یا بیشتر و نحوه انتخاب و مدت ماموریت بازرس .
- 19 - تعیین آغاز و پایان سال مالی شرکت و موعد تنظیم ترازنامه و حساب سود و زیان و تسلیم آن به بازرسان و به مجمع عمومی سالانه .
- 20 - نحوه انحلال اختیاری شرکت و ترتیب تصفیه امور آن .
- 21 - نحوه تغییر اساسنامه .

ماده 9 - طرح اعلامیه پذیره نویسی مذکوره در ماده 6 باید مشتمل بر نکات زیر باشد -

- 1 - نام شرکت .
- 2 - موضوع شرکت و نوع فعالیت‌هایی که شرکت به منظور آن تشکیل می شود.
- 3 - مرکز اصلی شرکت و شعب آن در صورتی که تاسیس شعبه مورد نظر باشد.
- 4 - مدت شرکت .
- 5 - هویت کامل و اقامتگاه و شغل موسسین ، در صورتی که تمام یا بعضی از موسسین در امور مربوط به موضوع



شرکت یا امور مشابه با آن سوابق یا اطلاعات یا تجاربی داشته باشند ذکر آن به اختصار.

6 - مبلغ سرمایه شرکت و تعیین مقدار نقد و غیر نقد آن به تفکیک و تعداد و نوع سهام در مورد سرمایه غیر نقد شرکت تعیین مقدار و مشخصات و اوصاف و ارزش آن بنحوی که بتوان از کم و کیف سرمایه غیر نقد اطلاع حاصل نمود.

7 - در صورتی که موسسین مزایایی برای خود در نظر گرفته اند تعیین چگونگی و موجبات آن مزایا به تفصیل .

8 - تعیین مقداری از سرمایه که موسسین تعهد کرده و مبلغی که پرداخت کرده اند.

9 - ذکر هزینه هایی که موسسین تا آن موقع جهت تدارک مقدمات تشکیل شرکت و مطالعاتی که انجام گرفته است پرداخت کرده اند و برآورد هزینه های لازم تا شروع فعالیتهای شرکت .

10 - در صورتی که انجام موضوع شرکت قانونا مستلزم موافقت مراجع خاصی باشد ذکر مشخصات اجازه نامه یا موافقت اصولی آن مراجع .

11 - ذکر حداقل تعداد سهامی که هنگام پذیره نویسی باید توسط پذیره نویس تعهد شود و تعیین مبلغی از آن که باید مقارن پذیره نویسی نقدا پرداخت گردد.

12 - ذکر شماره و مشخصات حساب بانکی که مبلغ نقدی سهام مورد تعهد باید به آن حساب پرداخت شود و تعیین مهلتی که طی آن اشخاص ذی علاقه می توانند برای پذیره نویسی و پرداخت مبلغی نقدی به بانک مراجعه کنند.

13 - تصریح به اینکه اظهارنامه موسسین به انضمام طرح اساسنامه برای مراجعه علاقمندان به مرجع ثبت شرکتها تسلیم شده است .

14 - ذکر نام روزنامه کثیرالانتشار که هرگونه دعوت و اطلاعیه بعدی تا تشکیل مجمع عمومی موسس منحصر در آن منتشر خواهد شد.

15 - چگونگی تخصیص سهام به پذیره نویسان .

ماده 10 - مرجع ثبت شرکتها پس از مطالعه اظهارنامه و ضمائ آن و تطبیق مندرجات آنها با قانون اجازه انتشار اعلامیه پذیره نویسی را صادر خواهد نمود.

ماده 11 - اعلامیه پذیره نویسی باید توسط موسسین در جراید آگهی گردیده و نیز در بانکی که تعهد سهام نزد آن



صورت می گیرد در معرض دید علاقمندان قرار داده شود.

ماده 12 - طرف مهلتی که در اعلامیه پذیره نویسی معین شده است علاقمندان به بانک مراجعه و ورقه تعهد سهام را امضاء و مبلغی را که نقداً باید پرداخت شود، تادیه و رسید دریافت خواهند کرد.

ماده 13 - **ورقه تعهد سهم** باید مشتمل بر نکات زیر باشد.

1 - نام و موضوع و مرکز اصلی و مدت شرکت .

2 - سرمایه شرکت .

3 - شماره و تاریخ اجازه انتشار اعلامیه پذیره نویسی و مرجع صدور آن .

4 - تعداد سهامی که مورد تعهد واقع می شود و مبلغی اسمی آن و همچنین مبلغی که از آن بابت نقداً در موقع پذیره نویسی باید پرداخت شود.

5 - نام بانک و شماره حسابی که مبلغ لازم توسط پذیره نویسان باید به آن حساب پرداخت شود.

6 - هویت و نشانی کامل پذیره نویس .

7 - قید اینکه پذیره نویس متعهد است مبلغ پرداخت نشده سهام مورد تعهد را طبق مقررات اساسنامه شرکت پرداخت نماید.

ماده 14 - ورقه تعهد سهم در دو نسخه تنظیم و با قید تاریخ به امضاء پذیره نویس یا قائم مقام قانونی او رسیده نسخه اول نزد بانک نگهداری و نسخه دوم با قید رسید وجه و مهر و امضاء بانک به پذیره نویس تسلیم می شود :

تبصره - در صورتی که ورقه تعهد سهم را شخصی برای دیگری امضاء کند هویت و نشانی کامل و سمت امضاء کننده قید و مدرک سمت از اخذ و ضمیمه خواهد شد.

ماده 15 - امضاء ورقه تعهد سهم بخودی خود مستلزم قبول اساسنامه شرکت و تصمیمات مجامع عمومی صاحبان سهام می باشد.

ماده 16 - پس از گذشتن مهلتی که برای پذیره نویسی معین شده است و یا در صورتی که مدت تمدید شده باشد



بعد از انقضای مدت تمدید شده **موسسین** حداکثر تا یکماه به تعهدات پذیره نویسان رسیدگی و پس از احراز اینکه تمام سرمایه شرکت صحیحاً تعهد گردیده و **اقلا سی و پنج درصد** آن پرداخت شده است تعداد سهام هریک از تعهد کنندگان را تعیین و اعلام و مجمع عمومی موسس را دعوت خواهند نمود.

ماده 17 - مجمع عمومی موسس با رعایت مقررات این قانون تشکیل می شود و پس از رسیدگی، احراز پذیره نویسی کلیه سهام شرکت و تادیه مبالغ لازم و شور درباره اساسنامه شرکت و تصویب آن، اولین مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت را انتخاب می کند. مدیران و بازرسان شرکت باید کتباً قبول سمت نمایند. **قبول سمت به خودی خود دلیل بر این است که مدیر و بازرس با علم به تکلیف و مسئولیت های سمت خود عهده دار آن گردیده اند.** از این تاریخ شرکت تشکیل شده محسوب می شود.

تبصره - هرگونه دعوت و اطلاعیه برای صاحبان سهام تا تشکیل مجمع عمومی سالانه باید در **دو** روزنامه کثیرالانتشار منتشر شود یکی از این دو روزنامه به وسیله مجمع عمومی موسس و روزنامه دیگر از طرف وزارت اطلاعات و جهانگردی تعیین می شود.

ماده 18 - اساسنامه ای که به تصویب مجمع عمومی موسس رسیده و ضمیمه صورت جلسه مجمع و اعلامیه قبولی مدیران و بازرسان جهت ثبت شرکت به مرجع ثبت شرکتها تسلیم خواهد شد.

ماده 19 - در صورتی که شرکت تا **شش ماه** از تاریخ تسلیم اظهارنامه مذکور در ماده 6 این قانون به **ثبت نرسیده باشد** به درخواست هریک از موسسین یا پذیره نویسان مرجع ثبت شرکتها که اظهارنامه به آن تسلیم شده است گواهینامه ای حاکی از عدم ثبت شرکت صادر و به بانکی که تعهد سهام و تادیه وجوه در آن بعمل آمده است ارسال می دارد تا موسسین و پذیره نویسان به بانک مراجعه و تعهدنامه و وجوه پرداختی خود را مسترد دارند. در این صورت **هرگونه هزینه ای که برای تاسیس شرکت پرداخت یا تعهد شده باشد بعهده موسسین خواهد بود.**

ماده 20 - برای تاسیس و ثبت شرکتهای **سهامی خاص** فقط تسلیم اظهارنامه به ضمیمه مدارک زیر به مرجع ثبت شرکتها کافی خواهد بود.

1 - اساسنامه شرکت که باید به امضاء کلیه سهامداران رسیده باشد.

2- اظهارنامه مشعر بر **تعهد کلیه سهام** و گواهینامه بانکی حاکی از تادیه **قسمت نقدی** آن که **نباید کمتر از سی و پنج درصد** کل سهام باشد. اظهارنامه مذکور باید به امضای کلیه سهامداران رسیده باشد. هرگاه تمام یا



قسمتی از سرمایه بصورت غیر نقد باشد باید تمام آن تادیه گردیده و صورت تقویم آن به تفکیک در اظهارنامه منعکس شده باشد و در صورتی که سهام ممتازه وجود داشته باشد باید شرح امتیازات و موجبات آن در اظهارنامه منعکس شده باشد.

3 - انتخاب اولین مدیران و بازررس یا بازرسان شرکت باید در صورت جلسه ای قید و به امضای کلیه سهامداران رسیده باشد.

4- قبول سمت مدیریت و بازررسی با رعایت قسمت اخیر ماده 17.

5 - ذکر نام روزنامه کثیرالانتشار که هرگونه آگهی راجع به شرکت تا تشکیل اولین مجمع عمومی عادی در آن منتشرخواهد شد.

تبصره - سایر قیود و شرایطی که در این قانون برای تشکیل و ثبت شرکتهای سهامی عام مقرر است در مورد شرکتهای سهامی خاص لازم الرعایه نخواهد بود.

ماده 21 - شرکتهای سهامی **خاص نمی توانند** سهام خود را برای **پذیره نویسی** یا فروش در **بورس** اوراق بهادار یا توسط بانکها عرضه نمایند و یا به انتشار آگهی و اطلاعیه و با هر نوع اقدام تبلیغاتی برای فروش سهام خود مبادرت کنند **مگر** اینکه از مقررات مربوط به شرکتهای سهامی عام بنحوی که در این قانون مذکور است تبعیت نمایند.

ماده 22 - استفاده از وجوه تادیه شده بنام شرکت های سهامی در شرف تاسیس ممکن نیست مگر پس از ثبت رسیدن شرکت و یا در مورد مذکور در ماده 19.

ماده 23 - **موسسین** شرکت نسبت به کلیه اعمال و اقداماتی که بمنظور تاسیس و به ثبت رسانیدن شرکت انجام می دهند **مسئولیت تضامنی** دارند.

بخش 2

سهام

حمزه ماده 24 - **سهام** قسمتی است از سرمایه شرکت سهامی که مشخص میزان مشارکت و تعهدات و منافع صاحب آن در شرکت سهامی می باشد **ورقه سهم** سند قابل معامله ای است که نماینده تعداد سهامی است که



صاحب آن در شرکت سهامی دارد.

تبصره 1 - سهم ممکن است بانام یا بی نام باشد.

تبصره 2 - در صورتی که برای بعضی از سهام شرکت با رعایت مقررات این قانون مزایائی قائل شوند اینگونه سهام ، **سهام ممتاز** نامیده می شود.

ماده 25 - اوراق سهام باید متحدالشکل و چاپی و دارای شماره ترتیب بوده و به امضای لااقل دو نفر که بموجب مقررات اساسنامه تعیین می شوند برسد.

ماده 26 - در **ورقه سهم** نکات زیر باید قید شود -

1 - نام شرکت و شماره ثبت آن در دفتر ثبت شرکتها.

2 - مبلغ سرمایه ثبت شده و مقدار پرداخت شده آن .

3 - تعیین نوع سهم .

4 - مبلغ اسمی سهم و مقدار پرداخت شده آن به حروف و با اعداد.

5 - تعداد سهامی که هر ورقه نماینده آنست .

ماده 27 - تا زمانی که اوراق سهام صادر نشده است شرکت باید به صاحبان سهام گواهینامه موقت سهم بدهد که معرف تعداد و نوع سهام و مبلغ پرداخت شده آن باشد. این گواهینامه در حکم سهم است ولی در هر حال ظرف مدت **یکسال** پس از پرداخت تمامی مبلغ اسمی سهم باید ورقه سهم صادر و به صاحب سهم تسلیم و گواهینامه موقت سهم مسترد و ابطال گردد.

ماده 28 - تا وقتی که شرکت به ثبت نرسیده صدور ورقه سهم یا گواهینامه موقت سهم ممنوع است . در صورت تخلف امضاء کنندگان مسئول جبران خسارات اشخاص ثالث خواهند بود.

ماده 29 - در شرکتهای سهامی عام مبلغ اسمی هرسهم نباید از ده هزار ریال بیشتر باشد.

ماده 30 - مادام که تمامی مبلغ اسمی هرسهم پرداخت نشده صدور ورقه سهم بی نام یا گواهینامه موقت بی نام



ممنوع است . به تعهدکننده اینگونه سهام گواهینامه موقت بانام داده خواهد شدکه نقل و انتقال آن تابع مقررات مربوط به نقل و انتقال سهام بانام است .

ماده 31 - در مورد صدور گواهینامه موقت سهم مواد 25 و 26 باید رعایت شود.

ماده 32 - مبلغ اسمی سهام و همچنین قطعات سهام در صورت تجزیه باید متساوی باشد.

ماده 33 - مبلغ پرداخت نشده سهام هر شرکت سهامی باید **طرف مدت مقرر** در اساسنامه مطالبه شود. در غیر اینصورت هیات مدیره شرکت باید به مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام را به منظور **تقلیل سرمایه شرکت** تا میزان مبلغ پرداخت شده سرمایه دعوت کند و تشکیل دهد و گرنه هر ذینفع حق خواهد داشت که برای تقلیل سرمایه ثبت شده شرکت تا میزان مبلغ پرداخت شده به دادگاه رجوع کند.

حمزه تبصره - مطالبه مبلغ پرداخت نشده سهام یا هر مقدار از آن باید از کلیه صاحبان سهام و بدون تبعیض بعمل آید.

ماده 34 - کسی که **تعهد ابتیاع** سهمی را نموده ، مسئول پرداخت تمام مبلغ اسمی آن می باشد و در صورتی که قبل از تادیه تمام مبلغ اسمی سهم آن را به دیگری انتقال دهد بعد از انتقال سهم ، دارنده سهم مسئول پرداخت بقیه مبلغ اسمی آن خواهد بود.

ماده 35 - در هر موقع که شرکت بخواهد تمام یا قسمتی از مبلغ پرداخت نشده سهام را مطالبه کند باید مراتب را از طریق نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت در آن منتشر می شود به صاحبان فعلی سهام اطلاع دهد و مهلت معقول و متناسبی برای پرداخت مبلغ مورد مطالبه مقرر دارد. پس از انقضای چنین مهلتی هر مبلغ که تادیه نشده باشد نسبت به آن **خسارت دیرکرد** از قرار نرخ رسمی بهره علاوه چهار درصد در سال به مبلغ تادیه نشده علاوه خواهد شد و پس از اخطار از طرف شرکت به صاحب سهم و گذشتن یکماه اگر مبلغ مورد مطالبه و خسارت تاخیر آن تماماً پرداخت نشود شرکت اینگونه سهام را در صورتی که در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشد از طریق بورس و گرنه از طریق مزایده به فروش خواهد رسانید. از حاصل فروش سهم بدوا کلیه هزینه های مترتبه برداشت گردیده و در صورتی که خالص حاصل فروش از بدهی صاحب سهم (بابت اصل و هزینه ها و خسارت دیرکرد) بیشتر باشد مازاد به وی پرداخت می شود.

ماده 36 - درمورد ماده 35 آگهی فروش سهم با قید مشخصات سهام مورد مزایده فقط یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت در آن نشر می گردد منتشر و یک نسخه از آگهی وسیله پست



سفارشی برای صاحب سهم ارسال می شود . هرگاه قبل از تاریخی که برای فروش معین شده است کلیه بدهی های مربوط به سهام اعم از اصل ، خسارات ، هزینه ها به شرکت پرداخت شود شرکت از فروش سهام خودداری خواهد کرد. در صورت فروش سهام نام صاحب سهم سابق از دفاتر شرکت حذف و اوراق سهام یا گواهینامه موقت سهام قبلی ابطال می شود و مراتب برای اطلاع عموم آگهی می گردد.

ماده 37 - دارندگان سهام مذکور در ماده 35 حق حضور و رای در مجامع عمومی صاحبان سهام شرکت را نخواهند داشت و در احتساب حد نصاب تشکیل مجامع تعداد اینگونه سهام از کل تعداد سهام شرکت کسر خواهد شد. علاوه حق دریافت سود قابل تقسیم و حق رجحان در خرید سهام جدید شرکت و همچنین حق دریافت اندوخته قابل تقسیم نسبت به این گونه سهام معلق خواهد ماند.

ماده 38 - در مورد ماده 37 هرگاه دارندگان سهام قبل از فروش سهام بدهی خود را بابت اصل و خسارات و هزینه ها به شرکت پرداخت کنند مجدداً حق حضور و رای در مجامع عمومی را خواهند داشت و می توانند حقوق مالی وابسته به سهام خود را که مشمول مرور زمان نشده

باشد مطالبه کنند.

ماده 39 - سهم بی نام بصورت سند در وجه حامل تنظیم و ملك دارنده آن شناخته می شود مگر خلاف آن ثابت گردد. نقل و انتقال اینگونه سهام به قبض و اقباض بعمل می آید.

گواهی نامه موقت سهام بی نام در حکم سهام بی نام است و از لحاظ مالیات بر درآمد مشمول مقررات سهام بی نام می باشد.

ماده 40 - انتقال سهام بانام باید در دفتر ثبت سهام شرکت به ثبت برسد و انتقال دهنده یا وکیل یا نماینده قانونی او باید انتقال را در دفتر مزبور امضاء کند.

در موردی که تمامی مبلغ اسمی سهم پرداخت نشده است نشانی کامل انتقال گیرنده نیز در دفتر ثبت سهام شرکت قید و به امضای انتقال گیرنده یا وکیل یا نماینده قانونی او رسیده و از نظر اجرای تعهدات ناشی از نقل و انتقال سهم معتبر خواهد بود. هر گونه تغییر اقامتگاه نیز باید به همان ترتیب رسیده و امضاء شود. هر انتقالی که بدون رعایت شرایط فوق بعمل آید از نظر شرکت و اشخاص ثالث فاقد اعتبار است .

ماده 41 - در شرکتهای سهامی عام نقل و انتقال سهام نمی تواند مشروط به موافقت مدیران شرکت یا مجامع عمومی صاحبان سهام بشود.



ماده 42 - هر شرکت سهامی می تواند بموجب اساسنامه و همچنین تا موقعی که شرکت منحل نشده است طبق تصویب مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام ، سهام ممتاز ترتیب دهد.

امتیازات اینگونه سهام و نحوه استفاده از آن باید بطور وضوح تعیین گردد. هرگونه تغییر در امتیازات وابسته به سهام ممتاز باید به تصویب مجمع عمومی فوق العاده شرکت با جلب موافقت دارندگان نصف بعلاوه يك این گونه سهام انجام گیرد.

بخش 3

تبدیل سهام

ماده 43 - هرگاه شرکت بخواهد بموجب مقررات اساسنامه یا بنا به تصمیم مجمع عمومی فوق العاده سهامداران خود ، سهام بی نام شرکت را به سهام بانام و یا آنکه سهام بانام را به سهام بی نام تبدیل نماید باید برطبق مواد زیر عمل کند.

ماده 44 - در مورد تبدیل سهام بی نام به سهام بانام باید مراتب در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوطه به شرکت در آن نشر می گردد **سه نوبت** هر يك به فاصله **پنج روز** منتشر و مهلتی که کمتر از **شش ماه** از تاریخ اولین آگهی نباشد به صاحبان سهام داده شود تا تبدیل سهام خود به مرکز شرکت مراجعه کنند. درآگهی تصریح خواهد شد که پس از انقضای مهلت مزبور کلیه سهام بی نام شرکت باطل شده تلقی می گردد.

ماده 45 - سهام بی نامی که ظرف مهلت مذکور در ماده 44 برای تبدیل به سهام بانام به مرکز شرکت تسلیم نشده باشد باطل شده محسوب و برابر تعداد آن سهام بانام صادر و توسط شرکت در صورتی که سهام شرکت در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشد از طریق بورس و گرنه از طریق حراج فروخته خواهد شد. آگهی حراج حداکثر تا یکماه پس از انقضای مهلت شش ماه مذکور فقط يك نوبت در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت در آن نشر می گردد منتشر خواهد شد. فاصله بین آگهی و تاریخ حراج حداقل **ده روز** و حداکثر **يك ماه** خواهد بود. در صورتی که در تاریخ تعیین شده تمام یا قسمتی از سهام به فروش نرسد حراج تا دو نوبت طبق شرایط مندرج در این ماده تجدید خواهد شد.

ماده 46 - از حاصل فروش سهامی که برطبق ماده 45 فروخته می شود بدوا هزینه های مترتبه از قبیل هزینه آگهی حراج یا حق الزحمه کارگزار بورس کسر و مازاد آن توسط شرکت در حساب بانکی بهره دار سپرده می شود ،



در صورتی که طرف **ده سال** از تاریخ فروش، سهام باطل شده به شرکت مسترد شود مبلغ سپرده و بهره مربوطه به دستور شرکت از طرف بانک به مالک سهم پرداخت می شود. پس از انقضای **ده سال** باقی مانده وجوه در حکم مال بلاصاحب بوده و باید از طرف بانک و با اطلاع دادستان شهرستان بخزانة دولت منتقل گردد.

تبصره - در مورد مواد 45 و 46 هرگاه پس از تجدید حراج مقداری از سهام به فروش نرسد صاحبان سهام بی نام که به شرکت مراجعه می کنند به ترتیب مراجعه به شرکت اختیار خواهند داشت از خالص حاصل فروش سهامی که فروخته شده به نسبت سهام بی نام که در دست دارند وجه نقد دریافت کنند و یا آنکه برابر تعداد سهام بی نام خود سهام بانام تحصیل نمایند و این ترتیب تا وقتی که وجه نقد و سهم فروخته نشده هر دو در اختیار شرکت قرار دارد رعایت خواهد شد.

ماده 47 - برای تبدیل سهام بانام به سهام بی نام مراتب فقط یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت در آن نشر می گردد منتشر و مهلتی که نباید کمتر از دو ماه باشد به صاحبان سهام داده می شود تا برای تبدیل سهام خود به مرکز شرکت مراجعه کنند. پس از انقضای مهلت مذکور برابر تعداد سهام که تبدیل نشده است سهام بی نام صادر و در مرکز شرکت نگهداری خواهد شد تا هر موقع که دارندگان سهام بانام شرکت مراجعه کنند سهام بانام به شرکت مراجعه کنند سهام بانام آنان اخذ و ابطال و سهام بی نام به آنها داده شود.

ماده 48 - پس از تبدیل کلیه سهام بی نام به سهام بانام و یا تبدیل سهام با نام به سهام بی نام و یا حسب مورد پس از گذشتن هر یک از مهلت های مذکور در مواد 44 و 47 شرکت باید مرجع ثبت شرکت ها را از تبدیل سهام خود کتبا مطلع سازد تا مراتب طبق مقررات به ثبت رسیده و برای اطلاع عموم آگهی شود.

ماده 49 - دارندگان سهامی که بر طبق مواد فوق سهام خود را تعویض ننموده باشند نسبت به آن سهام حق حضور و رای در مجامع عمومی صاحبان سهام را نخواهند داشت .

ماده 50 - در مورد تعویض گواهی نامه موقت سهام با اوراق سهام بانام یا بی نام برطبق مفاد مواد 47 و 49 عمل خواهد شد.

بخش 4

اوراق قرضه

ماده 51 - شرکت سهامی عام می تواند تحت شرایط مندرج در این قانون اوراق قرضه منتشر کند.



ماده 52 - ورقه قرضه ورقه قابل معامله ایست که معرف مبلغی وام است با بهره معین که تمامی آن یا اجزاء آن در موعد یام واعد معینی باید مسترد گردد برای ورقه قرضه ممکن است علاوه بر بهره حقوق دیگری نیز شناخته شود.

ماده 53 - دارندگان اوراق قرضه در اداره امور شرکت هیچگونه دخالتی نداشته و فقط بستانکار شرکت محسوب می شوند.

ماده 54 - پذیره نویسی و خرید اوراق قرضه عمل تجاری نمی باشد.

ماده 55 - انتشار اوراق قرضه ممکن نیست مگر وقتی که کلیه سرمایه ثبت شده شرکت تادیه شده و دو سال تمام از تاریخ ثبت شرکت گذشته و دو ترازنامه آن به تصویب مجمع عمومی رسیده باشد.

ماده 56 - هرگاه انتشار اوراق قرضه در اساسنامه شرکت پیش بینی نشده باشد مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام می تواند بنا به پیشنهاد هیئت مدیره انتشار اوراق قرضه را تصویب و شرایط آن را تعیین کند. اساسنامه و یا مجمع عمومی می تواند به هیئت مدیره شرکت اجازه دهد که طی مدتی که از دو سال تجاوز نکند یک چند بار به انتشار اوراق قرضه مبادرت نماید.

تبصره - در هر بار انتشار مبلغ اسمی اوراق قرضه و نیز قطعات اوراق قرضه (در صورت تجزیه) باید متساوی باشد.

ماده 57 - تصمیم راجع به فروش اوراق قرضه و شرایط صدور و انتشار آن باید همراه با طرح اطلاعیه انتشار اوراق قرضه کتبا به مرجع ثبت شرکت ها اعلام شود. مرجع مذکور مفاد تصمیم را ثبت و خلاصه آن را همراه با طرح اطلاعیه انتشار اوراق قرضه به هزینه شرکت در روزنامه رسمی آگهی خواهد نمود.

تبصره - قبل از انجام تشریفات مذکور در ماده فوق هر گونه آگهی برای فروش اوراق قرضه ممنوع است .

ماده 58 - **اطلاعیه انتشار اوراق قرضه** باید مشتمل بر نکات زیر بوده و توسط دارندگان امضاء مجاز شرکت امضاء شده باشد.

1 - نام شرکت .



- 2 - موضوع شرکت .
- 3 - شماره و تاریخ ثبت شرکت .
- 4 - مرکز اصلی شرکت .
- 5 - مدت شرکت .
- 6 - مبلغ سرمایه شرکت و تصریح به اینکه کلیه آن پرداخت شده است .
- 7 - در صورتی که شرکت سابقا اوراق قرضه صادر کرده است مبلغ و تعداد و تاریخ صدور آن و تضمیناتی که احتمال ابرای باز پرداخت آن در نظر گرفته شده است و همچنین مبالغ بازپرداخت شده آن و در صورتی که اوراق قرضه سابق قابل تبدیل به سهام شرکت بوده باشد مقداری از آن گونه اوراق قرضه که هنوز تبدیل به سهم نشده است .
- 8 - در صورتی که شرکت سابقا اوراق قرضه موسسه دیگری را تضمین کرده باشد مبلغ و مدت و سایر شرایط تضمین مذکور.
- 9 - مبلغ قرضه و مدت آن و همچنین مبلغ اسمی هر ورقه و نرخ بهره ای که به قرضه تعلق می گیرد و ترتیب محاسبه آن و ذکر سایر حقوقی که احتمالا برای اوراق قرضه در نظر گرفته شده است و همچنین موعد یا مواعد و شرایط بازپرداخت اصل و پرداخت بهره و غیره و در صورتی که اوراق قرضه قابل خرید باشد شرایط و ترتیب بهره و غیره و در صورتی که اوراق قرضه قابل بازخرید باشد شرایط و ترتیب بازخرید.
- 10 - تضمیناتی که احتمال ابرای اوراق قرضه در نظر گرفته شده است .
- 11 - اگر اوراق قرضه قابل تعویض با سهام شرکت یا قابل تبدیل به سهام شرکت باشد مهلت و سایر شرایط تعویض یا تبدیل .
- 12 - خلاصه گزارش وضع مالی شرکت و خلاصه ترازنامه آخرین سال مالی آن که تصویب مجمع عمومی صاحبان سهام رسیده است .
- ماده 59 - پس از انتشار آگهی مذکور در ماده 57 شرکت باید تصمیم مجمع عمومی و اطلاعیه انتشار اوراق قرضه را با قید شماره و تاریخ آگهی منتشر شده در روزنامه رسمی و همچنین شماره و تاریخ روزنامه رسمی که آگهی در آن منتشر شده است در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت در آن نشر می گردد آگهی کند.



ماده 60 - **ورقه قرضه** باید شامل نکات زیر بوده و به همان ترتیبی که برای امضای اوراق سهام مقرر شده است امضاء بشود.

- 1 - نام شرکت .
- 2 - شماره و تاریخ ثبت شرکت .
- 3 - مرکز اصلی شرکت .
- 4 - مبلغ سرمایه شرکت .
- 5 - مدت شرکت .
- 6 - مبلغ اسمی و شماره ترتیب و تاریخ صدور ورقه قرضه .
- 7 - تاریخ و شرایط بازپرداخت قرضه و نیز شرایط بازخرید ورقه قرضه (اگر قابل بازخرید باشد).
- 8 - تضمیناتی که احتمالاً برای قرضه در نظر گرفته شده است .
- 9 - در صورت قابلیت تعویض اوراق قرضه با سهام شرایط و ترتیباتی که باید برای تعویض رعایت شود با ذکر نام اشخاص یا موسساتی که تعهد تعویض اوراق قرضه را کرده کند.
- 10 - در صورت قابلیت تبدیل ورقه قرضه به سهام شرکت مهلت و شرایط این تبدیل .

ماده 61 - اوراق قرضه ممکن است قابل تعویض با سهام شرکت باشد در اینصورت مجمع عمومی فوق العاده باید بنا به پیشنهاد هیئت مدیره و گزارش خاص بازرسان شرکت مقارن اجازه انتشار اوراق قرضه ، افزایش سرمایه شرکت را اقلاً برابر با مبلغ قرضه تصویب کند.

ماده 62 - افزایش سرمایه مذکور در ماده 61 قبل از صدور اوراق قرضه باید بوسیله يك یا چند بانك و یا موسسه مالی معتبر پذیره نویسی شده باشد و قراردادی که در موضوع اینگونه پذیره نویسی و شرایط آن و تعهد پذیره نویس مبنی بر دادن اینگونه سهام به دارندگان اوراق قرضه و سایر شرایط مربوط به آن ، بین شرکت و اینگونه پذیره نویسان منعقد شده است نیز باید به تصویب مجمع عمومی مذکور در ماده 61 برسد و گرنه معتبر نخواهد بود.



تبصره - **شورای پول و اعتبار** شرایط بانکها و موسسات مالی را که می تواند افزایش سرمایه شرکتها را پذیره نویسی کنند تعیین خواهد نمود.

ماده 63 - در مورد مواد 61 و 62 حق رجحان سهامداران شرکت در خرید سهام قابل تعویض با اوراق قرضه خود بخود منتفی خواهد بود.

ماده 64 - شرایط و ترتیب تعویض ورقه قرضه با سهم باید در ورقه قرضه قید شود. تعویض ورقه قرضه با سهم تابع میل و رضایت دارنده ورقه قرضه است. دارنده ورقه قرضه در هر موقع قبل از سررسید ورقه می تواند تحت شرایط و به ترتیبی که در ورقه قید شده است آن را با سهم شرکت تعویض کند.

ماده 65 - از تاریخ تصمیم مجمع عمومی مذکور در ماده 61 تا انقضای موعد یا مواعد اوراق قرضه شرکت نمی تواند اوراق قرضه جدید قابل تعویض یا قابل تبدیل به سهام منتشر کند یا سرمایه خود را مستهلك سازد یا آنرا از طریق بازخرید سهام کاهش دهد یا اقدام به تقسیم اندوخته کند یا در نحوه تقسیم منافع تغییراتی بدهد. کاهش سرمایه شرکت در نتیجه زیانهای وارده که منتهی به تقلیل مبلغ اسمی سهام و یا تقلیل عده سهام بشود شامل سهامی نیز که دارندگان اوراق قرضه در نتیجه تبدیل اوراق خود دریافت میدارند می گردد و چنین تلقی می شود که اینگونه دارندگان اوراق قرضه از همان موقع انتشار اوراق مزبور سهامدار شرکت بوده اند.

ماده 66 - از تاریخ تصمیم مجمع مذکور در ماده 61 تا انقضای موعد یا مواعد اوراق قرضه صدور سهام جدید در نتیجه انتقال اندوخته به سرمایه و بطور کلی دادن سهام و یا تخصیص یا پرداخت وجه به سهامداران تحت عناوینی از قبیل جایزه یا منافع انتشار سهام ممنوع خواهد بود مگر آنکه حقوق دارندگان اوراق قرضه که متعاقبا اوراق خود را با سهام شرکت تعویض می کنند به نسبت سهامی که در نتیجه معاوضه مالک می شوند حفظ شود. به منظور فوق شرکت باید تدابیر لازم را اتخاذ کند تا دارندگان اوراق قرضه که متعاقبا اوراق خود را با سهام شرکت تعویض می کنند بتوانند به نسبت و تحت همان شرایط حقوق مالی مذکور را استیفا نمایند.

ماده 67 - سهامی که جهت تعویض با اوراق قرضه صادر می شود با نام بوده و تا انقضای موعد یا مواعد اوراق قرضه وثیقه تعهد پذیره نویسان در برابر دارندگان اوراق قرضه دایر به تعویض سهام با اوراق مذکور می باشد و نزد شرکت نگهداری خواهد شد اینگونه سهام تا انقضاء موعد یا مواعد اوراق قرضه فقط قابل انتقال به دارندگان اوراق قرضه مزبور بوده و نقل و انتقال اینگونه سهام در دفاتر شرکت ثبت نخواهد شد مگر وقتی که تعویض ورقه مواعد قرضه با سهم احراز گردد.

ماده 68 - سهامی که جهت تعویض با اوراق قرضه صادر می شود مادام که این تعویض بعمل نیامده است تا انقضاء



موعد یا مواعد اوراق قرضه قابل تامین و توقیف نخواهد بود.

ماده 69 - اوراق قرضه ممکن است قابل تبدیل به سهام شرکت باشد در این صورت مجمع عمومی فوق العاده ای که اجازه انتشار اوراق قرضه را می دهد شرایط و مهلتی که طی آن دارندگان این گونه اوراق خواهند توانست اوراق خود را به سهام شرکت تبدیل کنند تعیین و اجازه افزایش سرمایه را به هیئت مدیره خواهد داد.

ماده 70 - در مورد ماده 69 هیئت مدیره شرکت بر اساس تصمیم مجمع عمومی مذکوره در همان ماده در پایان مهلت مقرر معادل مبلغ باز پرداخت نشده اوراق قرضه ای که جهت تبدیل به سهام شرکت عرضه شده است سرمایه شرکت را افزایش داده و پس از ثبت این افزایش در مرجع ثبت شرکتها سهام جدید صادر و به دارندگان اوراق مذکور معادل باز پرداخت نشده اوراقی که به شرکت تسلیم کرده اند سهم خواهد داد.

ماده 71 - در مورد اوراق قرضه قابل تبدیل به سهم مجمع عمومی باید بنا به پیشنهاد هیئت مدیره و گزارش خاص بازرسان شرکت اتخاذ تصمیم نماید و همچنین مواد 63 و 64 در مورد اوراق قرضه قابل تبدیل به سهم نیز باید رعایت شود.

بخش 5

مجامع عمومی

ماده 72 - مجمع عمومی شرکت سهامی از اجتماع صاحبان سهام تشکیل میشود. مقررات مربوط به حضور عده لازم برای تشکیل مجمع عمومی و آراء لازم جهت اتخاذ تصمیمات در **اساسنامه** معین خواهد شد **مگر** در مواردی که بموجب **قانون** تکلیف خاص برای آن مقرر شده باشد.

ماده 73 - مجامع عمومی به ترتیب عبارتند از -

1 - مجمع عمومی موسس .

2 - مجمع عمومی عادی .

3 - مجمع عمومی فوق العاده .

ماده 74 - وظایف مجمع عمومی موسس به قرار زیر است -



- 1 - رسیدگی به گزارش موسسین و تصویب آن و همچنین احراز پذیره نویسی کلیه سهام شرکت و تادیه مبالغ لازم .
- 2 - تصویب طرح اساسنامه شرکت و در صورت لزوم اصلاح آن .
- 3 - انتخاب اولین مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت .

4 - تعیین روزنامه کثیرالانتشاری که هر گونه دعوت و اطلاعیه بعدی برای سهامداران تا تشکیل اولین مجمع عمومی عادی در آن منتشر خواهد شد.

تبصره - گزارش موسسین باید **حداقل پنج روز** قبل از تشکیل مجمع عمومی موسس در محلی که در آگهی دعوت مجمع تعیین شده است برای مراجعه پذیره - نویسان سهام آماده باشد.

ماده 75 - در مجمع عمومی موسس حضور عده ای از پذیره نویسان که حداقل **نصف سرمایه** شرکت را تعهد نموده باشند ضروری است. اگر در اولین دعوت اکثریت مذکور حاصل نشد مجامع عمومی جدید **فقط تا دو نوبت** توسط موسسین دعوت می شوند مشروط بر اینکه لااقل بیست روز قبل از انعقاد آن مجمع آگهی دعوت آن با قید دستور جلسه قبل و نتیجه آن در روزنامه کثیرالانتشاری که در اعلامیه پذیره نویسی معین شده است منتشر گردد. مجمع عمومی جدید وقتی قانونی است که صاحبان لااقل **یک سوم سرمایه** شرکت در آن حاضر باشند. در هر یک از دو مجمع فوق کلیه تصمیمات باید به اکثریت **دو ثلث آراء حاضرین** اتخاذ شود. در صورتی که در مجمع عمومی **سوم اکثریت لازم حاضر نشد موسسین عدم تشکیل شرکت را اعلام می دارند.**

تبصره - در مجمع عمومی موسس کلیه موسسین و پذیره نویسان حق حضور دارند و هر سهم دارای یک رای خواهد بود.

ماده 76 - هرگاه یک یا چند نفر از موسسین آورده غیر نقد داشته باشند موسسین باید قبل از اقدام به دعوت مجمع عمومی موسس نظرکتابی کارشناس رسمی وزارت دادگستری را در مورد ارزیابی آورده های غیر نقد جلب و آن را جزء گزارش اقدامات خود در اختیار **مجمع عمومی موسس** بگذارند. در صورتی که موسسین برای خود مزایائی مطالبه کرده باشند باید توجیه آن به ضمیمه گزارش مزبور به مجمع موسس تقدیم شود.

ماده 77 - گزارش مربوط به ارزیابی آورده های غیر نقد و علل و موجبات مزایای مطالبه شده باید در مجمع عمومی موسس مطرح گردد. دارندگان آورده غیر نقد و کسانی که مزایای خاصی برای خود مطالبه کرده اند در موقعی که تقویم آورده غیرنقدی که تعهد کرده اند یا مزایای آنها موضوع رای است حق رای ندارند و آن قسمت از سرمایه غیرنقد که موضوع مذاکره و رای است از حیث حد نصاب جزء سرمایه شرکت منظور نخواهد شد.



ماده 78 - مجمع عمومی نمی تواند آورده های غیرنقد را بیش از آنچه که از طرف کارشناس رسمی دادگستری ارزیابی شده است قبول کند.

ماده 79 - هرگاه آورده غیرنقد یا مزایائی که مطالبه شده است تصویب نگردد دومین جلسه مجمع به فاصله مدتی که از یکماه تجاوز نخواهد کرد تشکیل خواهد شد و در فاصله دو جلسه اشخاصی که آورده غیرنقد آنها قبول نشده است در صورت تمایل می توانند تعهد غیر نقد خود را به تعهد نقد تبدیل و مبالغ لازم را تادیه نمایند و اشخاصی که مزایای مورد مطالبه آنها تصویب نشده می توانند با انصراف از آن مزایا در شرکت باقی بمانند. در صورتی که صاحبان آورده غیر نقد و مطالبه کنندگان مزایا بنظر مجمع تسلیم نشوند تعهد آنها نسبت به سهام خود باطل شده محسوب می گردد و سایر پذیره نویسان می توانند بجای آنها سهام شرکت را تعهد مبالغ لازم را تادیه کنند.

ماده 80 - در جلسه دوم مجمع عمومی موسس که بر طبق ماده قبل بمنظور رسیدگی به وضع آورده های غیر نقد و مزایای مطالبه شده تشکیل می گردد باید بیش از نصف پذیره نویسان هر مقدار از سهام شرکت که تعهد شده است حاضر باشند. در آگهی دعوت این جلسه باید نتیجه جلسه قبل و دستور جلسه دوم قیدگردد.

ماده 81 - در صورتی که در جلسه دوم معلوم گردد که در اثر خروج دارندگان آورده غیر نقد و یا مطالبه کنندگان مزایا و عدم تعهد و تادیه سهام آنها از طرف سایرپذیره نویسان قسمتی از سرمایه شرکت تعهد نشده است و به این ترتیب شرکت قابل تشکیل نباشد موسسین باید ظرف ده روز از تاریخ تشکیل آن مجمع مراتب را به مرجع ثبت شرکت ها اطلاع دهند تا در مرجع مزبور گواهینامه مذکور در ماده 19 این قانون را صادرکنند.

ماده 82 - در شرکتهای سهامی خاص تشکیل مجمع عمومی موسس الزامی نیست لیکن جلب نظر کارشناس مذکور در ماده 76 این قانون ضروری است و نمی توان آورده های غیر نقد را به مبلغی بیش از ارزیابی کارشناس قبول نمود.

ماده 83 - هرگونه تغییر در مواد اساسنامه یا در سرمایه شرکت یا انحلال شرکت قبل از موعد منحصر در صلاحیت مجمع عمومی فوق العاده می باشد.

ماده 84 - در مجمع عمومی فوق العاده دارندگان بیش از نصف سهامی که حق رای دارند باید حاضر باشند. اگر در اولین دعوت حد نصاب مذکور حاصل نشد مجمع برای بار دوم دعوت و با حضور دارندگان بیش از يك سوم سهامی که حق رای دارند رسمیت یافته و اتخاذ تصمیم خواهد نمود بشرط آنکه در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شده باشد.



ماده 85 - تصمیمات مجمع عمومی فوق العاده همواره به اکثریت دو سوم آراء حاضر در جلسه رسمی معتبر خواهد بود.

ماده 86 - مجمع عمومی عادی می تواند نسبت به کلیه امور شرکت بجز آنچه که در صلاحیت مجمع عمومی موسس و فوق العاده است تصمیم بگیرد.

ماده 87 - در مجمع عمومی عادی حضور دارندگان اقلاً بیش از نصف سهامی که حق رای دارند ضروری است. اگر در اولین دعوت حد نصاب مذکور حاصل نشد مجمع برای بار دوم دعوت خواهد شد و با حضور هر عده از صاحبان سهامی که حق رای دارد رسمیت یافته و اخذ تصمیم خواهد نمود. بشرط آنکه در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شده باشد.

ماده 88 - در مجمع عمومی عادی تصمیمات همواره به اکثریت نصف بعلاوه يك آراء حاضر در جلسه رسمی معتبر خواهد بود. مگر در مورد انتخاب مدیران و بازرسان که اکثریت نسبی کافی خواهد بود. در مورد انتخاب مدیران تعداد آراء هر رای دهنده در عدد مدیرانی که باید انتخاب شوند ضرب می شود و حق رای هر رای دهنده برابر حاصل ضرب مذکور خواهد بود رای دهنده می تواند آراء خود را به يك نفر بدهد یا آنرا بین چند نفری که مایل باشد تقسیم کند ، اساسنامه شرکت نمی تواند خلاف این ترتیب را مقرر دارد.

ماده 89 - مجمع عمومی عادی باید سالی یکبار در موقعی که در اساسنامه پیش بینی شده است برای رسیدگی به ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی قبل و صورت دارایی و مطالبات و دیون شرکت و صورتحساب دوره و عملکرد سالیانه شرکت و رسیدگی به گزارش مدیران و بازرسان یا بازرسان و سایر امور مربوط به حسابهای سال مالی تشکیل شود.

تبصره - بدون قرائت گزارش بازرسان یا بازرسان شرکت در مجمع عمومی اخذ تصمیم نسبت به ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی معتبر نخواهد بود.

ماده 90 - تقسیم سود و اندوخته بین صاحبان سهام فقط پس از تصویب مجمع عمومی جائز خواهد بود و در صورت وجود منافع تقسیم ده درصد از سود ویژه سالانه بین صاحبان سهام الزامی است .

ماده 91 - چنانچه هیئت مدیره مجمع عمومی عادی سالانه را در موعد مقرر دعوت نکند بازرسان یا بازرسان شرکت مکلفند راساً اقدام به دعوت مجمع مزبور بنمایند.

ماده 92 - هیئت مدیره و همچنین بازرسان یا بازرسان شرکت می توانند در مواقع مقتضی مجمع عمومی عادی را



بطور فوق العاده دعوت نمایند. در این صورت دستور جلسه مجمع باید در آگهی دعوت قید شود.

ماده 93 - در هر موقع که مجمع عمومی صاحبان سهام بخواهد در حقوق نوع مخصوصی از سهام شرکت تغییر بدهد تصمیم مجمع عمومی قطعی نخواهد بود مگر بعد از آنکه دارندگان این گونه سهام در جلسه خاصی آن تصمیم را تصویب کنند و برای آنکه تصمیم جلسه خاص مذکور معتبر باشد باید دارندگان لااقل نصف اینگونه سهام در جلسه حاضر باشند و اگر در این دعوت این حد نصاب حاصل نشود در دعوت دوم حضور دارندگان اقلاً يك سوم اینگونه سهام کافی خواهد بود.

تصمیمات همواره به اکثریت دوسوم آراء معتبر خواهد بود.

ماده 94 - هیچ مجمع عمومی نمی تواند تابعیت شرکت را تغییر بدهد و با هیچ اکثریتی نمی تواند بر تعهدات صاحبان سهام بیفزاید.

ماده 95 - **سهامدارانی که اقلاً يك پنجم سهام شرکت را مالك باشند** حق دارند که دعوت صاحبان سهام را برای تشکیل مجمع عمومی از هیئت مدیره خواستار شوند و هیئت مدیره باید حداکثر تا **بیست روز** مجمع مورد درخواست را با رعایت تشریفات مقرر دعوت کند در غیر این صورت درخواست کنندگان می توانند دعوت مجمع را از بازرس یا بازرسان شرکت خواستار شوند و بازرس یا بازرسان مکلف خواهند بود که با رعایت تشریفات مقرر مجمع مورد تقاضا را حداکثر تا **ده روز** دعوت نمایند و گرنه آن گونه صاحبان سهام حق خواهند داشت **مستقیماً بدعوت مجمع اقدام کنند** بشرط آنکه کلیه تشریفات راجع به دعوت مجمع را رعایت نموده و در آگهی دعوت بعدم اجابت درخواست خود توسط هیئت مدیره و بازرسان تصریح نمایند.

ماده 96 - در مورد ماده 95 دستور مجمع منحصرأ موضوعی خواهد بود که در تقاضانامه ذکر شده است و هیئت رئیسه مجمع از بین صاحبان سهام انتخاب خواهد شد.

ماده 97 - در کلیه موارد دعوت صاحبان سهام برای تشکیل مجامع عمومی باید از طریق نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوطه به شرکت در آن نشر می گردد بعمل آید. هر يك از مجامع عمومی سالیانه باید روزنامه کثیرالانتشاری را که هرگونه دعوت و اطلاعیه بعدی برای سهامداران تا تشکیل مجمع عمومی سالانه بعد در آن منتشر خواهد شد تعیین نماید. این تصمیم باید در روزنامه کثیرالانتشاری که تا تاریخ چنین تصمیمی جهت نشر دعوتنامه و اطلاعیه های مربوط به شرکت قبلاً تعیین شده منتشر گردد.

تبصره - در مواقعی که کلیه صاحبان سهام در مجمع حاضر باشند نشر آگهی و تشریفات دعوت



الزامی نیست.

ماده 98 - فاصله بین نشر دعوتنامه مجمع عمومی و تاریخ تشکیل آن حداقل ده روز و حداکثر چهل روز خواهد بود.

ماده 99 - قبل از تشکیل مجمع عمومی هر صاحب سهمی که مایل به حضور در مجمع عمومی باشد باید با ارائه ورقه سهم یا تصدیق موقت سهم متعلق به خود به شرکت مراجعه و ورقه ورود به جلسه را دریافت کند. فقط سهامدارانی حق ورود به مجمع را دارند که ورقه ورودی دریافت کرده باشند. از حاضرین در مجمع صورتی ترتیب داده خواهد شد که در آن هویت و اقامتگاه و تعداد سهام و تعداد آراء هر يك از حاضرین قید و به امضاء آنان خواهد رسید.

ماده 100 - در آگهی دعوت صاحبان سهام برای تشکیل مجمع عمومی دستور جلسه و تاریخ و محل تشکیل مجمع با قید ساعت و نشانی کامل باید قید شود.

ماده 101 - مجامع عمومی توسط هیئت رئیسه ای مرکب از يك رئیس و يك منشی و دو ناظر اداره می شود. در صورتی که ترتیب دیگری در اساسنامه پیش بینی نشده باشد ریاست مجمع با رئیس هیئت مدیره خواهد بود مگر در مواقعی که انتخاب یا عزل بعضی از مدیران یا کلیه آنها جزو دستور جلسه مجمع باشد که در این صورت رئیس مجمع از بین سهامداران حاضر در جلسه به اکثریت نسبی انتخاب خواهد شد. ناظران از بین صاحبان سهام انتخاب خواهند شد ولی منشی جلسه ممکن است صاحب سهم نباشد.

ماده 102 - در کلیه مجامع عمومی حضور وکیل یا قائم مقام قانونی صاحب سهم و همچنین حضور نماینده یا نمایندگان شخصیت حقوقی بشرط ارائه مدارك وکالت یا نمایندگی به منزله حضور خود صاحب سهم است .

ماده 103 - در کلیه مواردی که در این قانون اکثریت آراء در مجامع عمومی ذکر شده است مراد اکثریت آراء حاضرین در جلسه است .

ماده 104 - هرگاه در مجمع عمومی تمام موضوعات مندرج در دستور مجمع مورد اخذ تصمیم واقع

نشود هیئت رئیسه مجمع با تصویب مجمع می تواند اعلام تنفس نموده و تاریخ جلسه بعد را که نباید دیرتر از دو هفته باشد تعیین کند، تمدید جلسه محتاج به دعوت و آگهی مجدد نیست و در جلسات بعد مجمع با همان حد نصاب جلسه اول رسمیت خواهد داشت .

ماده 105 - از مذاکرات و تصمیمات مجمع عمومی صورت جلسه ای توسط منشی ترتیب داده می شود که به



امضاء هیئت رئیسه مجمع رسیده و يك نسخه از آن در مركز شركت نگهداري خواهد شد.

ماده 106 - در مواردی که تصمیمات مجمع عمومی متضمن یکی از امور ذیل باشد يك نسخه از صورت جلسه مجمع باید جهت ثبت به مرجع ثبت شركت ها ارسال گردد -

1 - انتخاب مدیران و بازرس یا بازرسان .

2 - تصویب ترازنامه .

3 - کاهش یا افزایش سرمایه و هر نوع تغییر در اساسنامه .

4 - انحلال شركت و نحوه تصفیه آن .

بخش 6 - هیئت مدیره

ماده 107 - شركت سهامی بوسیله هیئت مدیره ای که از بین صاحبان سهام انتخاب شده و کلاً یا بعضاً قابل عزل می باشند اداره خواهد شد. عده اعضای هیئت مدیره در شرکتهای **سهامی عمومی** نباید از پنج نفر کمتر باشد.

ماده 108 - مدیران شركت توسط مجمع عمومی مؤسس و مجمع عمومی عادی انتخاب می شوند.

ماده 109 - مدت مدیران در اساسنامه معین می شود لیکن این مدت از **دو سال** تجاوز نخواهد کرد.

ماده 110 - اشخاص حقوقی را می توان به مدیریت شركت انتخاب نمود. در این صورت شخص حقوقی همان مسئولیتهای مدنی شخص حقیقی عضو هیئت مدیره را داشته و باید يك نفر را به نمایندگی دائمی خود جهت انجام وظایف مدیریت معرفی نماید. چنین نماینده ای مشمول همان شرایط و تعهدات و مسئولیتهای مدنی و جزائی عضو هیئت مدیره بوده از جهت مدنی با **شخص حقوقی** که او را به نمایندگی تعیین نموده است **مسئولیت تضامنی** خواهد داشت .

شخص حقوقی عضو هیئت مدیره می تواند نماینده خود را عزل کند بشرط آنکه در همان موقع جانشین او را کتبا به شركت معرفی نماید و گرنه غایب محسوب می شود.

ماده 111 - اشخاص ذیل نمی توانند به مدیریت شركت انتخاب شوند.



1 - مجبورین و کسانی که حکم ورشکستگی آنها صادر شده است .

2 - کسانی که بعثت ارتکاب جنایت یا یکی ازجنحه هاي ذیل بموجب حکم قطعي از حقوق اجتماعي کلا یا بعضا محروم شده باشند در مدت محرومیت :

سرقت ، خیانت در امانت ، کلاهبرداری ، جنحه هائي که به موجب قانون در حکم خیانت در امانت یا کلاهبرداری شناخته شده است ، اختلاس ، تدلیس ، تصرف غیر قانوني در اموال عمومي .

تبصره - دادگاه شهرستان به تقاضاي هر ذینفع حکم عزل هر مدیری را که بر خلاف مفاد این ماده انتخاب شود یا **پس از انتخاب مشمول مفاد این ماده گردد** صادر خواهدکرد و حکم دادگاه مزبور **قطعي** خواهد بود.

ماده 112 - در صورتی که بر اثر فوت یا استعفا یا سلب شرایط از يك یا چند نفر از مدیران تعداد اعضاء هیئت مدیره از حداقل مقرر در این قانون کمتر شود اعضاء علي البدل به ترتیب مقرر در اساسنامه و الا به ترتیب مقرر توسط مجمع عمومي جای آنان را خواهندگرفت و در صورتیکه **عضو علي البدل** تعیین نشده باشد و یا تعداد اعضاء علي البدل کافي برای تصدي محلهای خالي در هیئت مدیره نباشد مدیران باقی مانده باید بلافاصله مجمع عمومي عادي شرکت را جهت تکمیل اعضاء هیئت مدیره دعوت نمایند.

ماده 113 - درمورد ماده 112 هرگاه هیئت مدیره حسب مورد از دعوت مجمع عمومي برای انتخاب مدیری که سمت او بلا متصدي مانده خودداری کند هر ذینفع حق دارد از بازرس یا بازرسان شرکت بخواهدکه به دعوت مجمع عمومي عادي جهت تکمیل عده مدیران با رعایت تشریفات لازم اقدام کنندو بازرس یا بازرسان مکلف به انجام چنین درخواستی می باشند.

ماده 114 - **مدیران** باید تعداد **سهامي** را که اساسنامه شرکت مقرر کرده است دارا باشند. این تعدادسهام نباید از تعداد سهامي که بموجب اساسنامه جهت دادن رای در مجامع عمومي لازم است کمتر باشد. این سهام برای تضمین خساراتی است که ممکن است از تقصیرات مدیران منفردا یا مشترکا بر شرکت واردشود. سهام مذکور با اسم بوده و قابل انتقال نیست و مادام که مدیری مفاسد حساب دوره تصدي خود در شرکت را دریافت نداشته است سهام مذکور در صندوق شرکت بعنوان **وثیقه** باقی خواهد ماند.

ماده 115 - در صورتی که مدیری در هنگام انتخاب مالک تعداد سهام لازم بعنوان وثیقه نباشد و همچنین در صورت انتقال قهری سهام مورد وثیقه و یا افزایش یافتن تعداد سهام لازم بعنوان وثیقه و یا افزایش یافتن تعداد سهام لازم بعنوان وثیقه مدیر باید ظرف مدت یکماه تعدادسهام لازم بعنوان وثیقه را تهیه و به صندوق شرکت بسپارد و گرنه



مستعفی محسوب خواهد شد.

ماده 166 - تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان هر دوره مالی شرکت به منزله مفاسد حساب مدیران برای همان دوره مالی می باشد و پس از تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان دوره مالی که طی آن مدت مدیریت مدیران منقضی یا به هر نحو دیگری از آنان سلب سمت شده است سهام مورد وثیقه اینگونه مدیران خود بخود از قید وثیقه آزاد خواهد شد.

ماده 117 - بازرس یا بازرسان شرکت مکلفند هرگونه تخلفی از مقررات قانونی و اساسنامه شرکت در مورد سهام وثیقه مشاهده کننده مجمع عمومی عادی گزارش دهند.

ماده 118 - جز درباره موضوعاتی که بموجب مقررات این قانون اخذ تصمیم و اقدام درباره آنها در صلاحیت خاص مجامع عمومی است **مدیران شرکت دارای کلیه اختیارات لازم برای اداره امور شرکت می باشند مشروط برآنکه تصمیمات و اقدامات آنها در حدود موضوع شرکت باشد . محدودکردن اختیارات مدیران در اساسنامه یا بموجب تصمیمات مجامع عمومی فقط از لحاظ روابط بین مدیران و صاحبان سهام معتبر بوده و در مقابل اشخاص ثالث باطل وکان لم یکن است .**

ماده 119 - هیئت مدیره در اولین جلسه خود از بین اعضای هیئت مدیره يك رئیس و يك نائب رئیس که باید شخص حقیقی باشند برای هیئت مدیره تعیین می نماید. مدت ریاست رئیس و نایب رئیس هیئت مدیره بیش از مدت عضویت آنها در هیئت مدیره نخواهد بود. **هیئت مدیره در هر موقع می تواند رئیس و نایب رئیس هیئت مدیره را از سمت های مذکور عزل کند.** هر ترتیبی خلاف این ماده مقرر شود کان لم یکن خواهد بود.

تبصره 1 - از نظر اجرای مفاد این ماده شخص حقیقی که بعنوان نماینده شخص حقوقی عضو هیئت مدیره معرفی شده باشد در حکم عضو هیئت مدیره تلقی خواهد شد.

تبصره 2 - هرگاه رئیس هیئت مدیره موقتاً نتواند وظایف خود را انجام دهد وظایف او را نایب رئیس هیئت مدیره انجام خواهد داد.

ماده 120 - **رئیس هیئت مدیره** علاوه بر دعوت و اداره جلسات هیئت مدیره موظف است که **مجامع عمومی** صاحبان سهام را در مواردی که هیئت مدیره مکلف به دعوت آنها می باشد دعوت نماید.

ماده 121 - برای تشکیل جلسات هیئت مدیره حضور **بیش از نصف** اعضاء هیئت مدیره لازم است. تصمیمات باید به اکثریت آراء حاضرین اتخاذ گردد **مگر آنکه در اساسنامه** اکثریت بیشتری مقرر شده باشد.



ماده 122 - ترتیب دعوت و تشکیل جلسات هیئت مدیره را اساسنامه تعیین خواهد کرد. ولی در هر حال عده ای از مدیران که اقلاً يك سوم اعضاء هیئت مدیره را تشکیل دهند می توانند در صورتی که از تاریخ تشکیل آخرین جلسه هیئت مدیره حداقل يك ماه گذشته باشد با ذکر دستور جلسه هیئت مدیره را دعوت نمایند.

ماده 123 - برای هر يك از جلسات هیئت مدیره باید صورت جلسه ای تنظیم و لااقل به امضاء اکثریت مدیران حاضر در جلسه برسد. در صورت جلسات هیئت مدیره نام مدیرانی که حضور دارند یا غایب می باشند و خلاصه ای از مذاکرات و همچنین تصمیمات متخذ در جلسه با قید تاریخ در آن ذکر می گردد. هر يك از مدیران که با تمام یا بعضی از تصمیمات مندرج در صورت جلسه مخالف باشد نظر او باید در صورت جلسه قید شود.

ماده 124 - هیئت مدیره باید اقلاً يك نفر شخص حقیقی را به مدیریت عامل شرکت برگزیند و حدود اختیارات و مدت تصدی و حق الزحمه او را تعیین کند. در صورتی که مدیرعامل عضو هیئت مدیره باشد دوره مدیریت عامل او از مدت عضویت او در هیئت مدیره بیشتر نخواهد بود. مدیرعامل شرکت نمی تواند در عین حال رئیس هیئت مدیره همان شرکت باشد مگر با تصویب سه چهارم آراء حاضر در مجمع عمومی . تبصره - هیئت مدیره در هر موقع می تواند مدیرعامل را عزل نماید.

ماده 125 - مدیرعامل شرکت در حدود اختیاراتی که توسط هیئت مدیره به او تفویض شده است نماینده شرکت محسوب و از طرف شرکت حق امضاء دارد.

ماده 126 - اشخاص مذکور در ماده 111 نمی توانند به مدیریت عامل شرکت انتخاب شوند و همچنین هیچکس نمی تواند در عین حال مدیریت عامل بیش از يك شرکت را داشته باشد. تصمیمات و اقدامات مدیرعاملی که برخلاف مفاد این ماده انتخاب شده است در مقابل صاحبان سهام و اشخاص ثالث معتبر و مسئولیت های سمت مدیریت عامل شامل حال او خواهد شد.

ماده 127 - هرکس برخلاف ماده 126 به مدیریت عامل انتخاب شود یا پس از انتخاب مشمول ماده مذکور گردد ، دادگاه شهرستان به تقاضای هردینفع حکم عزل او را صادر خواهد کرد و چنین حکمی قطعی خواهد بود.

ماده 128 - نام و مشخصات و حدود اختیارات مدیرعامل باید با ارسال نسخه ای از صورت جلسه هیئت مدیره به مرجع ثبت شرکت ها اعلام و پس از ثبت در روزنامه رسمی آگهی شود.

ماده 129 - اعضاء هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت و همچنین موسسات و شرکتهائی که اعضای هیئت



مدیره و یا مدیرعامل شرکت شریک یا عضو هیئت مدیره یا مدیرعامل آنها باشند ، نمی توانند بدون اجازه هیئت مدیره در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت می شود بطور مستقیم یا غیرمستقیم طرف معامله واقع و یا سهم شوند و در صورت اجازه نیز هیئت مدیره مکلف است بازرس شرکت را از معامله ای که اجازه آن داده شده بلافاصله مطلع نماید و گزارش آن را به اولین مجمع عمومی عادی صاحبان سهام بدهد و بازرس نیز مکلف است ضمن گزارش خاصی حاوی جزئیات معامله نظر خود را درباره چنین معامله ای به همان مجمع تقدیم کند. عضو هیئت مدیره یا مدیرعامل ذینفع در معامله در جلسه هیئت مدیره و نیز در مجمع عمومی عادی هنگام اخذ تصمیم نسبت به معامله مذکور حق رای نخواهد داشت. [1]

ماده 130 - معاملات مذکور در ماده 129 در هر حال ولو آنکه توسط مجمع عادی تصویب نشود در مقابل اشخاص ثالث معتبر است مگر در موارد **تدلیس و تقلب** که شخص ثالث در آن شرکت کرده باشد. در صورتی که بر اثر انجام معامله به شرکت خسارتی وارد آمده باشد جبران خسارت برعهده هیئت مدیره و مدیرعامل یا مدیران ذینفع و مدیرانی است که اجازه آن را داده اند که همگی آنها متضامناً مسئول جبران خسارات وارده به شرکت می باشند.

ماده 131 - در صورتی که معاملات مذکور در ماده 129 این قانون بدون اجازه هیئت مدیره صورت گرفته باشد هرگاه مجمع عمومی عادی شرکت آنها را تصویب نکند آن معاملات قابل ابطال خواهد بود و شرکت می تواند تا **سه سال** از تاریخ انعقاد **معامله** و در صورتی که معامله **مخفیانه** انجام گرفته باشد تا سه سال از **تاریخ کشف** آن بطلان معامله را از دادگاه صلاحیتدار درخواست کند. لیکن در هر حال مسئولیت مدیر و مدیران و یا مدیرعامل ذینفع در مقابل شرکت باقی خواهد بود. تصمیم به درخواست بطلان معامله با مجمع عمومی عادی صاحبان سهام است که پس از استماع گزارش بازرس مشعر بر عدم رعایت تشریفات لازم جهت انجام معامله در این مورد رای خواهد داد. مدیر یا مدیرعامل ذینفع در معامله حق شرکت در رای نخواهد داشت . مجمع عمومی مذکور در این ماده به دعوت هیئت مدیره یا بازرس شرکت تشکیل خواهد شد.

ماده 132 - **مدیرعامل** شرکت و **اعضاء هیئت مدیره** به استثناء اشخاص حقوقی **حق ندارند** هیچگونه **وام** یا اعتبار از شرکت تحصیل نمایند و شرکت نمی تواند دیون آنان را تضمین یا تعهد کند. اینگونه عملیات بخودی خود باطل است . در مورد بانکها و شرکتهای مالی و اعتباری معاملات مذکور در این ماده به شرط آنکه تحت قیود و شرایط عادی و جاری انجام گیرد معتبر خواهد بود . ممنوعیت مذکور در این ماده شامل اشخاصی نیز که به نمایندگی شخص حقوقی عضو هیئت مدیره در جلسات هیئت مدیره شرکت می کنند و همچنین شامل **همسر و پدر و مادر و اجداد و اولاد و اولاد اولاد و برادر و خواهر** اشخاص مذکور در این ماده می باشد.

ماده 133 - مدیران و مدیرعامل نمی توانند معاملاتی **نظیر معاملات شرکت** که متضمن رقابت با عملیات



شرکت باشد انجام دهند. هر مدیری که از مقررات این ماده تخلف کند و تخلف او موجب ضرر شرکت گردد مسئول جبران آن خواهد بود. **منظور از ضرر در این ماده اعم است از ورود خسارت یا تقویت منفعت .**

ماده 134 - مجمع عمومی عادی صاحبان سهام می تواند با توجه به ساعات حضور **اعضاء غیرموظف** هیئت مدیره در جلسات هیئت مزبور پرداخت مبلغی را به آنها بطور مقطوع بابت **حق حضور** آنها در جلسات تصویب کند. مجمع عمومی این مبلغ را با توجه به تعداد ساعات و اوقاتی که هر عضو هیئت مدیره در جلسات هیئت حضور داشته است تعیین خواهد کرد. همچنین در صورتی که در اساسنامه پیش بینی شده باشد، مجمع عمومی می تواند تصویب کند که نسبت معینی از **سود خالص** سالانه شرکت بعنوان **پاداش** به اعضاء هیئت مدیره تخصیص داده شود.

اعضاء غیر موظف هیئت مدیره حق ندارند بجز آنچه در این ماده پیش بینی شده است در قبال سمت مدیریت خود بطور مستمر یا غیرمستمر بابت حقوق یا پاداش یا حق الزحمه وجهی از شرکت دریافت کنند.

ماده 135 - کلیه اعمال و اقدامات مدیران و مدیرعامل شرکت **در مقابل اشخاص ثالث نافذ و معتبر است و** نمی توان به عذر عدم اجرای تشریفات مربوط به طرز انتخاب آنها اعمال و اقدامات آنان را غیرمعتبر دانست .

ماده 136 - در صورت **انقضای مدت** ماموریت **مدیران** تا زمان انتخاب مدیران جدید مدیران سابق کماکان مسئول امور شرکت و اداره آن خواهند بود. هر گاه مراجع موظف به دعوت مجمع عمومی به وظیفه خود عمل نکنند هر **دینفع** می تواند از مرجع **ثبت شرکت ها** دعوت مجمع عمومی عادی را برای انتخاب مدیران **تقاضا** نماید.

ماده 137 - هیئت مدیره باید لااقل هر **شش ماه یکبار** خلاصه صورت دارایی و قروض شرکت را تنظیم کرده به بازرسان بدهد.

ماده 138 - هیئت مدیره **موظف است** بعد از انقضای سال مالی شرکت طرف مهلتی که در اساسنامه پیش بینی شده است مجمع عمومی سالانه را برای تصویب عملیات سال مالی قبل و تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت دعوت نماید.

ماده 139 - هر صاحب سهم می تواند از **پانزده روز** قبل از انعقاد **مجمع عمومی در مرکز شرکت** به صورت حسابها مراجعه کرده و از ترازنامه و حساب سود و زیان و گزارش عملیات مدیران و گزارش بازرسان **رونوشت** بگیرد.

ماده 140 - هیئت مدیره مکلف است هر سال **یک بیستم** از سود خالص شرکت را بعنوان **اندوخته قانونی**



موضوع نماید. همین که اندوخته به **يك دهم** سرمایه شرکت رسید، موضوع کردن آن اختیاری است و در صورتی که سرمایه شرکت افزایش یابد كسر يك بیستم مذکور ادامه خواهد یافت تا وقتی که اندوخته قانونی به يك دهم سرمایه بالغ گردد.

ماده 141 - اگر بر اثر زیانهای وارده حداقل **نصف سرمایه** شرکت از میان برود هیئت مدیره مكلف است بلافاصله مجمع عمومی **فوق العاده** صاحبان سهام را دعوت نماید تا موضوع **انحلال** یا **بقاء** شرکت مورد شور و رای واقع شود. هرگاه مجمع مزبور رای به انحلال شرکت ندهد باید در همان جلسه و با رعایت مقررات ماده 6 این قانون سرمایه شرکت را به مبلغ **سرمایه موجود کاهش** دهد.

در صورتی که هیئت مدیره برخلاف این ماده به دعوت مجمع عمومی فوق العاده مبادرت ننماید و یا مجمعی که دعوت میشود نتواند مطابق مقررات قانونی منعقدگردد هر ذینفعی می تواند **انحلال** شرکت را از **دادگاه** صلاحیتدار درخواست کند.

ماده 142 - **مدیران و مدیرعامل** شرکت در **مقابل شرکت و اشخاص ثالث** نسبت به **تخلف** از مقررات قانونی با اساسنامه شرکت و یا مصوبات مجمع عمومی برحسب مورد **منفردا** یا **مشترکا** مسئول می باشند و دادگاه حدود مسئولیت هر يك را برای **جبران خسارت** تعیین خواهد نمود.

ماده 143 - در صورتی که شرکت **ورشكسته** شود یا پس از انحلال معلوم شود که **دارائی شرکت برای تادیه دیون آن كافی نیست**، **دادگاه** صلاحیتدار می تواند به تقاضای هر ذینفع، هر يك از مدیران و یا مدیرعاملی را که ورشكستگی شرکت یا كافی نبودن دارائی شرکت بنحوی از **انحاء معلول تخلفات او بوده** است **منفردا** یا **متضامنا** به تادیه آن قسمت از دیونی که پرداخت آن از دارائی شرکت ممكن نیست محكوم نماید.

بخش 7 - بازرسان

ماده 144 - مجمع عمومی عادی در هر سال يك یا چند بازرس انتخاب می کند تا بر طبق قانون به وظایف خود عمل کنند. انتخاب مجدد بازرس یا بازرسان بلامانع است.

مجمع عمومی عادی می تواند **بازرس** یا بازرسان را **مقرر** کند به **شرط** آنکه **جانشین** آنها را نیز انتخاب نماید.

تبصره - در حوزه هایی که وزارت اقتصاد اعلام می کند وظایف بازرسی شرکتها را در شرکتهاي سهامی عام، اشخاصی میتوانند ایفا کنند که نام آنها در فهرست رسمی بازرسان شرکتها درج شده باشد. شرایط تنظیم فهرست و



احراز صلاحیت بازرسی در شرکتهای سهامی عام و درج نام اشخاص صلاحیتدار در فهرست مذکور و مقررات و تشکیلات شغلی بازرسان تابع آئیننامه ای می باشد که به پیشنهاد وزارت اقتصاد و تصویب کمیسیونهای اقتصاد مجلسین قابل اجرا خواهد بود.

ماده 145 - انتخاب اولین بازرس یا بازرسان شرکتهای سهامی عام در مجمع عمومی موسس و انتخاب اولین بازرس یا بازرسان شرکتهای سهامی خاص طبق ماده 20 این قانون بعمل خواهد آمد.

ماده 146 - مجمع عمومی عادی باید يك یا چند بازرس علی البدل نیز انتخاب کند تا در صورت معذوریت یا فوت یا استعفاء یا سلب شرایط یا عدم قبول سمت توسط بازرس یا بازرسان اصلی جهت انجام وظایف بازرسی دعوت شوند.

ماده 147 - **اشخاص زیر نمی توانند** به سمت بازرسی شرکت سهامی انتخاب شوند -

1 - اشخاص مذکور در ماده 111 این قانون .

2 - مدیران و مدیرعامل شرکت .

3 - **اقرباء سببی و نسبی** مدیران و مدیرعامل تا **درجه سوم** از طبقه اول و دوم .

4 - هرکس که **خود یا همسرش** از اشخاص مذکور در بند 2 موظفا حقوق دریافت می دارد.

ماده 148 - بازرس یا بازرسان علاوه بر وظایفی که در سایر مواد این قانون برای آنان مقرر شده است مکلفند درباره صحت و درستی صورت دارائی و صورت حساب دوره عملکرد و حساب سود و زیان ترازنامه ای که مدیران برای تسلیم به مجمع عمومی تهیه می کنند و همچنین درباره صحت مطالب و اطلاعاتی که مدیران در اختیار مجمع عمومی گذاشته اند اظهار نظر کنند. بازرسان باید اطمینان حاصل نمایند که حقوق صاحبان سهام در حدودی که قانون و اساسنامه شرکت تعیین کرده است بطور یکسان رعایت شده باشد و در صورتی که مدیران **اطلاعاتی برخلاف حقیقت** در اختیار صاحبان سهام قرار دهند بازرسان مکلفند که مجمع عمومی را آگاه سازند.

ماده 150 - بازرس یا بازرسان موظفند با توجه به ماده 148 این قانون گزارش جامعی راجع به وضع شرکت به مجمع عمومی عادی تسلیم کنند. گزارش بازرسان باید لااقل **ده روز قبل از تشکیل مجمع عمومی عادی** جهت مراجعه صاحبان سهام در مرکز شرکت آماده باشد.



تبصره - در صورتی که شرکت **بازرسان متعدد** داشته هر یک می توانند به تنهایی وظایف خود را انجام دهد لیکن کلیه بازرسان **باید گزارش واحدی** تهیه کنند. در صورت وجود اختلاف نظر بین بازرسان موارد اختلاف با ذکر دلیل در گزارش قید خواهد شد.

ماده 151 - بازرس یا بازرسان باید هرگونه تخلف یا تقصیری در امور شرکت از ناحیه مدیران و مدیرعامل مشاهده کنند به اولین مجمع عمومی اطلاع دهند و در صورتی که ضمن انجام مأموریت خود از **وقوع جرمی** مطلع شوند باید به مرجع قضائی صلاحیتدار اعلام نموده و نیز جریان را به اولین مجمع عمومی گزارش دهند.

ماده 152 - در صورتی که مجمع عمومی **بدون دریافت گزارش بازرس** یا بر اساس گزارش اشخاصی که برخلاف ماده 147 این قانون بعنوان بازرس تعیین شده اند صورت دارائی و ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت را مورد **تصویب** قرار دهد این تصویب به هیچوجه اثر قانونی نداشته **از درجه اعتبار ساقط** خواهد بود.

ماده 153 - در صورتی که **مجمع بازرس معین نکرده باشد** یا یک یا چند نفر از بازرسان **بعلی** **نتوانند گزارش بدهند** یا از دادن گزارش **امتناع** کنند **رئیس دادگاه شهرستان** به تقاضای هر ذینفع بازرس یا بازرسان را به تعداد مقرر در اساسنامه شرکت انتخاب خواهد کرد تا وظایف مربوطه را تا انتخاب بازرس بوسیله مجمع عمومی انجام دهند. تصمیم رئیس دادگاه شهرستان در این مورد غیر قابل شکایت است .

ماده 154 - بازرس یا بازرسان در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به **تخلفاتی** که در انجام وظایف خود مرتکب می شوند طبق قواعد عمومی مربوط به **مسئولیت مدنی** مسئول جبران خسارت وارده خواهند بود.

ماده 155 - **تعیین حق الزحمه بازرس با مجمع عمومی عادی است .**

ماده 156 - بازرس نمی تواند در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت انجام می گیرد بطور مستقیم یا غیر مستقیم ذینفع شود.

بخش 8 - تغییرات در سرمایه شرکت

ماده 157 - سرمایه شرکت را می توان از طریق صدور سهام جدید و یا از طریق بالا بردن مبلغ اسمی سهام موجود **افزایش داد**.

ماده 158 - تادیه مبلغ اسمی سهام جدید به یکی از طریق زیر امکان پذیر است -



1 - پرداخت مبلغ اسمي به نقد.

2 - تبدیل مطالبات نقدي حاصل شده اشخاص از شرکت به سهام جديد.

3 - انتقال سود تقسيم نشده يا اندوخته يا عوايد حاصله از اضافه ارزش سهام جديد به سرمايه شرکت .

4 - تبدیل اوراق قرضه به سهام .

تبصره 1 - فقط در شرکت سهامي **خاص** تاديه مبلغ اسمي سهام جديد به غير نقد نیز مجاز است .

تبصره 2 - انتقال اندوخته قانوني به سرمايه ممنوع است .

ماده 159 - **افزايش سرمايه** از طريق **بالا بردن مبلغ اسمي سهام** موجود در صورتي که براي صاحبان سهام ايجاد تعهد کند ممکن نخواهد بود مگر آنکه **کليه صاحبان سهام با آن موافق باشند.**

ماده 160 - شرکت مي تواند **سهام جديد** را برابر مبلغ اسمي بفروشد يا اين که مبلغی علاوه بر مبلغ اسمي سهم بعنوان **اضافه ارزش سهم** از خريداران دريافت کند. شرکت مي تواند عوايد حاصله از اضافه ارزش سهم فروخته شده را به **اندوخته منتقل** سازد يا **نقدا** بين صاحبان سهام سابق **تقسيم** کند يا در ازاء آن **سهام جديد** به صاحبان سهام سابق بدهد.

ماده 161 - **مجمع عمومي فوق العاده** به **پيشنهاد هيئت مديره** پس از قرائت گزارش بازرس يا بازرسان شرکت در مورد افزايش سرمايه شرکت اتخاذ تصميم مي کند.

تبصره 1 - مجمع عمومي فوق العاده که در مورد **افزايش سرمايه** اتخاذ تصميم مي کند شرايط مربوط به فروش سهام جديد و تاديه قيمت آن را تعيين يا اختيار تعيين آن را به هيئت مديره واگذار خواهد کرد.

تبصره 2 - پيشنهاد هيئت مديره راجع به افزايش سرمايه بايد متضمن **توجيه** لزوم افزايش سرمايه و نیز شامل گزارشي درباره امور شرکت از بدو سال مالي در جريان و اگر تا آن موقع مجمع عمومي نسبت به حسابهاي سال مالي قبل تصميم نگرفته باشدحاکي از وضع شرکت از ابتداي سال مالي قبل باشد. **گزارش بازرس** يا بازرسان بايد شامل اظهار نظر درباره پيشنهاد هيئت مديره باشد.

ماده 162 - مجمع عمومي **فوق العاده** مي تواند به هيئت مديره اجازه دهدکه ظرف مدت معيني که نبايد از **پنج سال** تجاوز کند سرمايه شرکت را تا ميزان مبلغ معيني به يکي از طرق مذکور در اين قانون افزايش دهد.



ماده 163 - هیئت مدیره در هر حال مکلف است در هر نوبت پس از عملی ساختن افزایش سرمایه **حداکثر** طرف **یکماه** مراتب را ضمن اصلاح اساسنامه در قسمت مربوط به مقدار سرمایه ثبت شده شرکت به مرجع ثبت شرکتها اعلام کند تا پس از ثبت جهت اطلاع عموم آگهی شود.

ماده 164 - **اساسنامه شرکت نمی تواند متضمن اختیار افزایش سرمایه برای هیئت مدیره باشد.**

ماده 165 - مادام که **سرمایه قبلی شرکت تماما تادیه نشده است** ، **افزایش سرمایه شرکت تحت هیچ عنوانی مجاز نخواهد بود.**

ماده 166 - در خرید سهام جدید صاحبان سهام شرکت به نسبت سهامی که مالکند **حق تقدم** دارند و این حق قابل نقل و انتقال است. مهلتی که طی آن سهامداران می توانند حق تقدم مذکور را اعمال کنند کمتر از **شصت روز** نخواهد بود. این مهلت از روزی که برای پذیره نویسی تعیین می گردد شروع می شود.

ماده 167 - مجمع عمومی فوق العاده که **افزایش سرمایه** را از طریق فروش **سهام جدید** تصویب می کند یا اجازه آن را به هیئت مدیره می دهد ، می تواند **حق تقدم** صاحبان سهام را نسبت به پذیره نویسی تمام یا قسمتی از سهام جدید از آنان **سلب کند به شرط** آنکه چنین تصمیمی پس از قرائت گزارش هیئت مدیره و گزارش بازرس یا بازرسان شرکت اتخاذ گردد وگرنه باطل خواهد بود.

تبصره - گزارش هیئت مدیره مذکور در این ماده باید مشتمل بر **توجیه** لزوم افزایش سرمایه و سلب حق تقدم از سهامداران و معرفی شخص یا اشخاصی که سهام جدید برای تخصیص به آنها در نظر گرفته شده است و تعداد و قیمت این گونه سهام و عواملی که در تعیین قیمت در نظر گرفته شده است باشد. گزارش بازرس یا بازرسان باید حاکی از تایید عوامل و جهاتی باشد که در گزارش هیئت مدیره ذکر شده است .

ماده 168 - در مورد ماده 167 چنانچه سلب **حق تقدم** در پذیره نویسی سهام جدید از بعضی از صاحبان سهام به نفع بعض دیگر انجام می گیرد سهامدارانی که سهام جدید برای تخصیص به آنها در نظر گرفته شده است حق ندارند در اخذ رای درباره سلب حق تقدم سایر سهامداران شرکت کنند. در احتساب حد نصاب رسمیت جلسه و اکثریت لازم جهت معتبر بودن تصمیمات مجمع عمومی سهام سهامدارانی که سهام جدید برای تخصیص به آنها در نظر گرفته شده است به حساب نخواهد آمد.

ماده 169 - در شرکتهای سهامی **خاص** پس از اتخاذ تصمیم راجع به افزایش سرمایه از طریق انتشار سهام جدید باید مراتب از طریق نشرآگهی در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت در آن نشر می گردد به



اطلاع صاحبان سهام برسد. در این آگهی باید اطلاعات مربوط به مبلغ افزایش سرمایه و مبلغ اسمی سهام جدید و حسب مورد مبلغ اضافه ارزش سهم و تعداد سهامی که هر صاحب سهم نسبت به سهام خود حق تقدم در خرید آنها را دارد و مهلت پذیره نویسی و نحوه پرداخت ذکر شود. در صورتی که برای سهام جدید شرایط خاصی در نظر گرفته شده باشد چگونگی این شرایط در آگهی قید خواهد شد.

ماده 170 - در شرکتهای **سهامی عام** پس از اتخاذ تصمیم راجع به افزایش سرمایه از طریق انتشار سهام جدید باید آگهی به نحو مذکور در ماده 169 منتشر و در آن قید شود که صاحبان سهام بی نام برای دریافت گواهینامه حق خرید سهامی که حق تقدم در خرید آن را دارند ظرف مدت معین که **نباید کمتر از بیست روز** باشد به مراکزی که از طرف شرکت تعیین و در آگهی قید شده است مراجعه کنند. برای صاحبان سهام بانام گواهینامه های حق خرید باید توسط پست سفارشی ارسال گردد.

ماده 171 - گواهینامه حق خرید سهم مذکور در ماده فوق باید مشتمل بر نکات زیر باشد -

- 1 - نام و شماره ثبت و مرکز اصلی شرکت .
 - 2 - مبلغ سرمایه فعلی و همچنین مبلغ افزایش سرمایه شرکت .
 - 3 - تعداد و نوع سهامی که دارنده گواهینامه حق خرید آن را دارد با ذکر مبلغ اسمی سهم و حسب مورد مبلغ اضافه ارزش آن .
 - 4 - نام بانک و مشخصات حساب سپرده ای که وجوه لازم باید در آن پرداخته شود.
 - 5 - مهلتی که طی آن دارنده گواهینامه می تواند از حق خرید مندرج در گواهینامه استفاده کند.
 - 6 - هرگونه شرایط دیگری که برای پذیره نویسی مقرر شده باشد.
- تبصره - گواهینامه حق خرید سهم باید به همان ترتیبی که برای امضای اوراق سهام شرکت مقرر است به امضاء برسد.

ماده 172 - در صورتی که **حق تقدم** در پذیره نویسی سهام جدید از صاحبان سهام سلب شده باشد یا صاحبان سهام از حق تقدم خود ظرف مهلت مقرر استفاده نکنند حسب مورد تمام یا باقی مانده سهام جدید عرضه و به متقاضیان فروخته خواهد شد.



ماده 173 - شرکتهای **سهامی عام** باید قبل از عرضه کردن سهام جدید برای پذیره نویسی عمومی، ابتدا طرح اعلامیه پذیره نویسی سهام جدید را به مرجع ثبت شرکتهای تسلیم و رسید دریافت کنند.

ماده 174 - طرح **اعلامیه پذیره نویسی** مذکور در ماده 173 باید به امضای دارندگان امضای مجاز شرکت رسیده و مشتمل بر نکات زیر باشد:

- 1 - نام و شماره ثبت شرکت .
- 2 - موضوع شرکت و نوع فعالیتهای آن .
- 3 - مرکز اصلی شرکت و در صورتی که شرکت شعبی داشته باشد نشانی شعب آن.
- 4 - در صورتی که شرکت برای مدت محدود تشکیل شده باشد تاریخ انقضاء مدت آن .
- 5 - مبلغ سرمایه شرکت قبل از افزایش سرمایه .
- 6 - اگر سهام ممتاز منتشر شده باشد تعداد و امتیازات آن .
- 7 - هویت کامل اعضاء هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت .
- 8 - شرایط حضور و حق رای صاحبان سهام در مجامع عمومی .
- 9 - مقررات اساسنامه راجع به تقسیم سود و تشکیل اندوخته و تقسیم دارایی .
- 10 - مبلغ و تعداد اوراق قرضه قابل تبدیل به سهم که شرکت منتشر کرده است و مهلت و شرایط تبدیل اوراق قرضه به سهم .
- 11 - مبلغ بازپرداخت نشده انواع دیگر اوراق قرضه ای که شرکت منتشر کرده است و تضمینات مربوط به آن .
- 12 - مبلغ دیون شرکت و همچنین مبلغ دیون اشخاص ثالث که توسط شرکت تضمین شده است .
- 13 - مبلغ افزایش سرمایه .
- 14 - تعداد و نوع سهام جدیدی که صاحبان سهام با استفاده از حق تقدم خود تعهد کرده اند.



15 - تاریخ شروع و خاتمه مهلت پذیره نویسی .

16 - مبلغ اسمی و نوع سهامی که باید تعهد شود و حسب مورد مبلغ اضافه ارزش سهم .

17 - حداقل تعداد سهامی که هنگام پذیره نویسی باید تعهد شود.

18 - نام بانک و مشخصات حساب سپرده ای که وجوه لازم باید در آن پرداخته شود.

19 - ذکر نام روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه ها و آگهی های شرکت در آن نشر می شود.

ماده 175 - آخرین ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت که به تصویب مجمع عمومی رسیده است باید ضمیمه طرح اعلامیه پذیره نویسی سهام جدید به مرجع ثبت شرکتها تسلیم گردد و در صورتی که شرکت تا آن موقع ترازنامه و حساب سود و زیان تنظیم نکرده باشد این نکته باید در طرح اعلامیه پذیره نویسی قید شود.

ماده 176 - مرجع ثبت شرکتها پس از وصول طرح اعلامیه پذیره نویسی و ضمائم آن و تطبیق مندرجات آنها با مقررات قانونی ، اجازه انتشار اعلامیه پذیره نویسی سهام جدید را صادر خواهد نمود.

ماده 177 - اعلامیه پذیره نویسی سهام جدید باید علاوه بر روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های شرکت در آن نشر می گردد اقلا در دو روزنامه کثیرالانتشار دیگر آگهی شود و نیز در بانکی که تعهد سهام در نزد آن بعمل می آید در معرض دید علاقمندان قرار داده شود. در اعلامیه پذیره نویسی باید قید شود که آخرین ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت که به تصویب مجمع عمومی رسیده است در نزد مرجع ثبت شرکتها و در مرکز شرکت برای مراجعه علاقمندان آماده است .

ماده 178 - خریداران طرف مهلتی که در اعلامیه پذیره نویسی سهام جدید معین شده است و **نباید از دو ماه کمتر باشد** به بانک مراجعه و ورقه تعهد سهام را امضاء کرده و مبلغی را که باید پرداخته شود تادیه و رسید دریافت خواهند کرد.

ماده 179 - **پذیره نویسی سهام جدید** به موجب ورقه تعهد خرید سهم که باید شامل نکات زیر باشد بعمل خواهد آمد:

1 - نام و موضوع و مرکز اصلی و شماره ثبت شرکت .

2 - سرمایه شرکت قبل از افزایش سرمایه .



3 - مبلغ افزایش سرمایه .

4 - شماره و تاریخ اجازه انتشار اعلامیه پذیره نویسی سهام جدید و مرجع صدور آن .

5 - تعداد و نوع سهامی که مورد تعهد واقع می شود و مبلغ اسمی آن .

6 - نام بانک و شماره حسابی که بهای سهم در آن پرداخته می شود.

7 - هویت و نشانی کامل پذیره نویس .

ماده 180 - مقررات مواد 14 و 15 این قانون در مورد تعهد خرید سهم جدید نیز حاکم است .

ماده 181 - پس از گذشتن مهلتی که برای پذیره نویسی معین شده است و در صورت تمدید بعد از انقضای مدت تمدید شده ، هیئت مدیره حداکثر تا **یکماه** به تعهدات پذیره نویسان رسیدگی کرده و تعداد سهام هر یک از تعهد کنندگان را تعیین و اعلام و مراتب را جهت ثبت و آگهی به مرجع ثبت شرکتها اطلاع خواهد داد.

هرگاه پس از رسیدگی به اوراق پذیره نویسی مقدار سهام خریداری شده بیش از میزان افزایش سرمایه باشد هیئت مدیره مکلف است ضمن تعیین تعداد سهام هر خریدار دستور استرداد وجه سهام اضافه خریداری شده را به بانک مربوط بدهد.

182 - هرگاه افزایش سرمایه شرکت تا **نه ماه** از تاریخ تسلیم طرح اعلامیه پذیره نویسی مذکور در ماده 174 به مرجع ثبت شرکتها به ثبت نرسد به درخواست هر یک از پذیره نویسان سهام جدید مرجع ثبت شرکت که طرح اعلامیه نویسی به آن تسلیم شده است گواهینامه ای حاکی از عدم ثبت افزایش سرمایه شرکت صادر و به بانکی که تعهد سهام و تادیه وجوه در آن بعمل آمده است ارسال می دارد تا اشخاصی که سهام جدید را پذیره نویسی کرده اند به بانک مراجعه و وجوه پرداختی خود را مسترد دارند. در این صورت هرگونه هزینه ای که برای افزایش سرمایه شرکت پرداخت یا تعهدشده باشد به عهده شرکت قرار می گیرد.

ماده 183 - برای ثبت افزایش سرمایه شرکتهای سهامی خاص فقط تسلیم اظهارنامه به ضمیمه مدارک زیر به مرجع ثبت شرکتها کافی خواهد بود.

1 - صورت جلسه مجمع عمومی فوق العاده که افزایش سرمایه را تصویب نموده و یا اجازه آن را به هیئت مدیره داده است و در صورت اخیر صورت جلسه هیئت مدیره که افزایش سرمایه را مورد تصویب قرار داده است .



2 - يك نسخه از روزنامه اي كه آگهي مذکور در ماده 196 اين قانون در آن نشرگريده است .

3 - اظهارنامه مشعر بر فروش كليه سهام جديد و درصورتی كه سهام جديد امتيازاتی داشته باشد باید به شرح امتيازات و موجبات آن در اظهارنامه قيد شود.

4 - درصورتی كه قسمتی از افزایش سرمایه بصورت غير نقد باشد باید تمام قسمت غير نقد تحويل گريده و با رعایت ماده 82 اين قانون به تصویب مجمع عمومي فوق العاده رسیده باشد مجمع عمومي فوق العاده دراین مورد با حضور صاحبان سهام شرکت و پذیره نویسان سهام جديد تشکیل شده و رعایت مقررات مواد 77 لغایت 81 اين قانون در آن قسمت كه به آورده غيرنقد مربوط می شود الزامی خواهد بود و يك نسخه از صورت جلسه مجمع عمومي فوق العاده باید اظهارنامه مذکور در این ماده ضمیمه شود.

تبصره - اظهارنامه های مذکور در این ماده باید به امضاء كليه اعضاء هیئت مدیره رسیده باشد.

ماده 184 - وجوهی كه به حساب افزایش سرمایه تادیه می شود باید در حساب سپرده مخصوصی نگهداری شود تامین و توقیف و انتقال وجوه مزبور به حساب های شرکت ممكن نیست مگر پس از به ثبت رسیدن افزایش سرمایه شرکت .

ماده 185 - درصورتی كه مجمع عمومي فوق العاده صاحبان سهام ، افزایش سرمایه شرکت را از طریق تبدیل مطالبات نقدي حال شده اشخاص از شرکت تصویب کرده باشد سهام جدیدی كه در نتیجه اینگونه افزایش سرمایه صادر خواهد شد با امضاء ورقه خرید سهم توسط طلبكارانی كه مایل به پذیره نویسی سهام جدید باشند انجام می گیرد.

ماده 186 - در ورقه خرید سهم مذکور در ماده 185 نکات مندرج در بندهای 1 و 2 و 3 و 5 و 7 و 8 ماده 179 باید قيد شود.

ماده 187 - درمورد ماده 185 پس از انجام پذیره نویسی باید در موقع به ثبت رسانیدن افزایش سرمایه در مرجع ثبت شرکتهای صورت کاملی از مطالبات نقدي حال شده ، بستانکاران پذیره نویس راكه به سهام شرکت تبدیل شده است به ضمیمه رونوشت اسناد و مدارك حاكی از تصفيه آنگونه مطالبات كه بازرسان شرکت صحت آن را تایید کرده باشند همراه با صورت جلسه مجمع عمومي فوق العاده و اظهارنامه هیئت مدیره مشعر بر اینکه كليه این سهام خریداری شده و بهای آن دریافت شده است به مرجع ثبت شرکتهای تسلیم شود.

ماده 188 - در موردی كه **افزایش سرمایه از طریق بالا بردن مبلغ اسمی سهام** موجود صورت می گیرد



کلیه افزایش سرمایه باید **نقدا** پرداخت شود و نیز **سهام جدیدی** که در قبال افزایش سرمایه صادر می شود هنگام پذیره نویسی برحسب مورد کلا پرداخت یا تهاتر شود.

ماده 189 - علاوه بر کاهش اجباری سرمایه مذکور در ماده 141 مجمع عمومی فوق العاده شرکت می تواند به پیشنهاد هیئت مدیره در مورد **کاهش سرمایه شرکت** بطور **اختیاری** اتخاذ تصمیم کند □□□□□ برآنکه بر اثر کاهش سرمایه به **تساوی حقوق صاحبان سهام** لطمه ای وارد نشود و **سرمایه شرکت از حداقل مقرر در ماده 5 این قانون کمتر نگردد.**

تبصره - **کاهش اجباری** سرمایه از طریق کاهش **تعداد یا مبلغ اسمی** سهام صورت می گیرد و **کاهش اختیاری** سرمایه از طریق **کاهش بهای اسمی** سهام به نسبت **متساوی و رد مبلغ کاهش یافته** هر سهم به صاحب آن انجام می گیرد.

ماده 190 - پیشنهاد هیئت مدیره راجع به **کاهش سرمایه** باید حداقل **چهل و پنج روز** قبل از تشکیل مجمع عمومی فوق العاده به بازرس یا بازرسان شرکت تسلیم گردد. پیشنهاد مزبور باید متضمن **توجیه** لزوم کاهش سرمایه و همچنین شامل گزارش درباره امور شرکت از **بدو سال مالی** درجریان و اگر تا آن موقع مجمع عمومی نسبت به حسابهای سال مالی قبل تصمیم نگرفته باشد حاکی از وضع شرکت از ابتدای سال مالی قبل باشد.

ماده 191 - بازرس یا بازرسان شرکت پیشنهاد هیئت مدیره را مورد رسیدگی قرار داده و نظر خود را طی گزارش به مجمع عمومی فوق العاده تسلیم خواهد نمود و مجمع عمومی پس از استماع گزارش بازرس تصمیم خواهد گرفت .

ماده 192 - هیئت مدیره قبل از اقدام به **کاهش اختیاری** سرمایه باید تصمیم مجمع عمومی را درباره کاهش حداکثر ظرف **یک ماه** در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت در آن نشر می گردد آگهی کند.

ماده 193 - در مورد **کاهش اختیاری** سرمایه شرکت هر یک از دارندگان اوراق قرضه و یا بستانکارانی که منشاء طلب آنها قبل از تاریخ نشر آخرین آگهی مذکور در ماده 192 باشد می توانند ظرف **دو ماه** از تاریخ نشر آخرین آگهی **اعتراض** خود را نسبت به کاهش سرمایه شرکت به **دادگاه** تقدیم کنند.

ماده 194 - در صورتی که بنظر دادگاه اعتراض نسبت به کاهش سرمایه وارد تشخیص شود و شرکت جهت تامین پرداخت طلب معترض وثیقه ای که بنظر دادگاه کافی باشد نسپارد در این صورت آن دین حال شده و دادگاه حکم به پرداخت آن خواهد داد.



ماده 195 - در مهلت **دو ماه** مذکور در ماده 193 و همچنین **در صورتی که اعتراضی شده** باشد تا خاتمه اجرای حکم قطعی دادگاه **شرکت از کاهش سرمایه ممنوع** است .

ماده 196 - برای **کاهش بهای اسمی** سهام شرکت و **رد مبلغ** کاهش یافته هر سهم هیئت مدیره شرکت باید مراتب را طی اطلاعیه ای به اطلاع کلیه صاحبان سهام برساند . اطلاعیه شرکت باید در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت در آن نشر می گردد منتشر شود و برای صاحبان سهام بانام توسط پست سفارشی ارسال گردد.

ماده 197 - اطلاعیه مذکور در ماده 196 باید مشتمل بر نکات زیر باشد:

- 1 - نام و نشانی مرکز اصلی شرکت .
- 2 - مبلغ سرمایه شرکت قبل از اتخاذ تصمیم در مورد کاهش سرمایه .
- 3 - مبلغی که هر سهم به آن میزان کاهش می یابد یا بهای اسمی هر سهم پس از کاهش .
- 4 - نحوه پرداخت و مهلتی که برای باز پرداخت مبلغ کاهش یافته هر سهم در نظر گرفته شده و محلی که در آن این باز پرداخت انجام می گیرد.

ماده 198 - خرید سهام شرکت توسط همان شرکت ممنوع است .

بخش 9 - انحلال و تصفیه

ماده 199 - شرکت سهامی در موارد زیر **منحل** می شود:

- 1 - وقتی که شرکت موضوعی را که برای آن تشکیل شده است **انجام داده** یا انجام آن **غیر ممکن** شده باشد.
- 2 - در صورتی که شرکت برای **مدت معین** تشکیل گردیده و آن مدت منقضی شده باشد مگر اینکه مدت قبل از انقضاء تمدید شده باشد.
- 3 - در صورت **ورشکستگی** .



4 - در هر موقع که مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام به هر علتی رای به **انحلال** شرکت بدهد.

5 - در صورت صدور حکم قطعی **دادگاه** .

ماده 200 - انحلال شرکت در صورت ورشکستگی تابع مقررات مربوط به ورشکستگی است .

ماده 201 - در موارد زیر هر ذینفع می تواند **انحلال** شرکت را از دادگاه بخواهد:

1 - در صورتی که **تا يك سال** پس از به ثبت رسیدن شرکت هیچ اقدامی جهت انجام موضوع آن صورت نگرفته باشد و نیز در صورتی که فعالیتهای شرکت در مدت بیش از **يكسال متوقف** شده باشد.

2 - در صورتی که **مجمع عمومی سالانه** برای رسیدگی به حساب های هر يك از سالهای مالی **تا ده ماه** از تاریخی که اساسنامه معین کرده است **تشکیل نشده باشد** .

3 - در صورتی که سمت **تمام** یا **بعضی** از اعضای **هیئت مدیره** و همچنین سمت **مدیرعامل** شرکت طی مدتی **زائد بر ششماه بلا متصدی** مانده باشد.

4 - در مورد بندهای يك و دو ماده 199 در صورتی که مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام جهت اعلام انحلال شرکت تشکیل نشود و یا رای به انحلال شرکت ندهد.

ماده 202 - در مورد بندهای يك و دو و سه ماده 201 **دادگاه** بلافاصله بر حسب مورد به مراجعی که طبق اساسنامه و این قانون صلاحیت اقدام دارند **مهلت** متناسبی که حداکثر از **ششماه** تجاوز نکند می دهد تا در رفع موجبات انحلال اقدام نمایند. **در صورتی که ظرف مهلت مقرر موجبات انحلال رفع نشود دادگاه حکم به انحلال شرکت می دهد.**

ماده 203 - تصفیه امور شرکتهای سهامی با رعایت مقررات این قانون انجام می گیرد . مگر در مورد ورشکستگی که تابع مقررات مربوط به ورشکستگی می باشد.

ماده 204 - امر تصفیه با مدیران شرکت است مگر آنکه اساسنامه شرکت یا مجمع عمومی فوق العاده ای که رای به انحلال می دهد ترتیب دیگری مقرر داشته باشد.

ماده 205 - در صورتی که به هر علت مدیر تصفیه تعیین نشده باشد یا تعیین شده ولی به وظایف خود عمل نکند هر ذینفع حق دارد تعیین مدیر تصفیه را از دادگاه بخواهد. در مواردی نیز که انحلال شرکت به موجب حکم دادگاه صورت



می گیرد مدیر تصفیه را دادگاه ضمن صدور حکم انحلال شرکت تعیین خواهد نمود.

ماده 206 - شرکت به محض انحلال در حال تصفیه محسوب می شود و باید در دنبال نام شرکت همه جا عبارت "در حال تصفیه" ذکر شود و نام مدیر یا مدیران تصفیه در کلیه اوراق و آگهی های مربوط به شرکت قید گردد.

ماده 207 - نشانی مدیر یا مدیران تصفیه همان نشانی مرکز اصلی شرکت خواهد بود مگر آنکه بموجب تصمیم مجمع عمومی فوق العاده یا حکم دادگاه نشانی دیگری تعیین شده باشد.

ماده 208 - **تا خاتمه** امر تصفیه **شخصیت حقوقی** شرکت جهت انجام امور مربوط به تصفیه باقی خواهد ماند و مدیران تصفیه موظف به خاتمه دادن کارهای جاری و اجرای تعهدات و وصول مطالبات و تقسیم دارایی شرکت می باشند و هرگاه برای اجرای تعهدات شرکت معاملات جدیدی لازم شود مدیران تصفیه انجام خواهند داد.

ماده 209 - تصمیم راجع به انحلال و اسامی مدیر یا مدیران تصفیه و نشانی آنها با رعایت ماده 207 این قانون باید ظرف **پنج روز** از طرف مدیران تصفیه به مرجع ثبت شرکت اعلام شود تا پس از ثبت برای اطلاع عموم در روزنامه رسمی و روزنامه های کثیرالانتشاری که اطلاعیه ها و آگهی های مربوط به شرکت در آن نشر می گردد آگهی شود. در مدت تصفیه منظور از روزنامه کثیرالانتشار روزنامه کثیرالانتشاری است که توسط آخرین مجمع عمومی عادی قبل از انحلال تعیین شده است .

ماده 210 - انحلال شرکت مادام که به ثبت نرسیده و اعلان نشده باشد نسبت به اشخاص ثالث بلااثر است .

ماده 211 - از تاریخ تعیین مدیر یا مدیران تصفیه اختیارات مدیران شرکت خاتمه یافته و تصفیه شرکت شروع می شود. مدیران تصفیه باید کلیه اموال و دفاتر و اوراق و اسناد مربوط به شرکت را تحویل گرفته بلافاصله امر تصفیه شرکت را عهده دار شوند.

ماده 212 - مدیران تصفیه نماینده شرکت در حال تصفیه بوده و کلیه اختیارات لازم را جهت امر تصفیه حتی از طریق طرح **دعوی و ارجاع به داور** و **حق سازش** دارا می باشند و می توانند برای طرح دعاوی و دفاع از دعاوی **وکیل** تعیین نمایند. محدود کردن اختیارات مدیران تصفیه باطل و کان لم یکن است .

ماده 213 - انتقال **دارایی** شرکت در حال تصفیه کلاً یا بعضاً به مدیر یا **مدیران تصفیه** و یا به **اقارب** آنها از طبقه اول و دوم تا درجه چهارم **ممنوع** است . هر نقل و انتقال که برخلاف مفاد این ماده انجام گیرد **باطل** خواهد بود.



ماده 214 - مدت مأموریت مدیر یا مدیران تصفیه نباید از **دو سال** تجاوز کند. اگر تا پایان مأموریت مدیران تصفیه امر تصفیه خاتمه نیافته باشد مدیر یا مدیران تصفیه باید ذکر علل و جهات خاتمه نیافتن تصفیه امور شرکت مهلت اضافی را که برای خاتمه دادن به امر تصفیه لازم می دانند و تدابیری را که جهت پایان دادن به امر تصفیه در نظر گرفته اند به اطلاع مجمع عمومی صاحبان سهام رسانیده تمديد مدت مأموریت خود را خواستار شوند.

ماده 215 - هرگاه مدیر یا مدیران تصفیه توسط دادگاه تعیین شده باشند تمديد مدت مأموریت آنان با رعایت شرایط مندرج در ماده 214 با دادگاه خواهد بود.

ماده 216 - مدیر یا مدیران تصفیه توسط همان مرجعی که آنان را انتخاب کرده است قابل **عزل** می باشند.

ماده 217 - مادام که امر تصفیه خاتمه نیافته است مدیران تصفیه باید همه ساله مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را با رعایت شرایط و تشریفات که در قانون و اساسنامه پیش بینی شده است دعوت کرده ، صورت دارائی منقول و غیرمنقول و ترازنامه و حساب سود و زیان عملیات خود را به ضمیمه گزارشی حاکی از اعمالی که تا آن موقع انجام داده اند به مجمع عمومی مذکور تسلیم کنند.

ماده 218 - در صورتی که بموجب اساسنامه شرکت یا تصمیم مجمع عمومی صاحبان سهام برای دوره تصفیه يك یا چند ناظر معین شده باشد، ناظر باید به عملیات مدیران تصفیه رسیدگی کرده گزارش خود را به مجمع عمومی عادی صاحبان سهام تسلیم کند.

ماده 219 - در مدت تصفیه دعوت مجمع عمومی در کلیه موارد بعهده مدیران تصفیه است . هرگاه مدیران تصفیه به این تکلیف عمل نکنند ناظر مکلف به دعوت مجمع عمومی خواهد بود و در صورتی که ناظر نیز به تکلیف خود عمل نکند یا ناظر پیش بینی یا معین نشده باشد دادگاه به تقاضای هر ذینفع حکم به تشکیل مجمع عمومی خواهد داد.

ماده 220 - صاحبان سهام حق دارند مانند زمان قبل از انحلال شرکت از عملیات و حسابها در مدت تصفیه کسب اطلاع کنند.

ماده 221 - در مدت تصفیه مقررات راجع به دعوت و تشکیل مجامع عمومی و شرایط حد نصاب و اکثریت مجامع مانند زمان قبل از انحلال باید رعایت شود و هرگونه دعوتنامه و اطلاعیه ای که مدیران تصفیه برای صاحبان سهام منتشر می کنند باید در روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه ها و آگهی های مربوط به شرکت در آن درج می گردد منتشر شود.



ماده 222 - در مواردی که بموجب این قانون مدیران تصفیه مکلف به دعوت مجامع عمومی و تسلیم گزارش کارهای خود می باشند ، هرگاه مجمع عمومی مورد نظر دو مرتبه با رعایت تشریفات مقرر در این قانون دعوت شده ولی تشکیل نگردد و یا اینکه تشکیل شده و نتواند تصمیم بگیرد، مدیران تصفیه باید گزارش خود و صورت حسابهای مقرر در ماده 217 این قانون را در روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه ها و آگهی های مربوط به شرکت در آن درج می گردد برای اطلاع عموم سهامداران منتشر کنند.

ماده 223 - آن قسمت از دارائی نقدی شرکت که در مدت تصفیه مورد احتیاج نیست بین صاحبان سهام به نسبت سهام تقسیم می شود به شرط آنکه حقوق بستانکاران ملحوظ و معادل دیونی که هنوز موعد تادیه آن نرسیده است موضوع شده باشد.

ماده 224 - پس از ختم تصفیه و انجام تعهدات و تادیه کلیه دین ، دارائی شرکت بدوا به مصرف بازپرداخت مبلغ اسمی سهام به سهامداران خواهد رسید و مازاد به ترتیب مقرر در اساسنامه شرکت و در صورتی که اساسنامه ساکت باشد به نسبت سهام بین سهامداران تقسیم خواهد شد.

ماده 225 - **تقسیم دارائی** شرکت بین صاحبان سهام خواه در مدت تصفیه و خواه پس از آن ممکن نیست مگر آنکه شروع به تصفیه و دعوت بستانکاران قبلا **سه مرتبه** و هر مرتبه به فاصله **یک ماه** در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه ها و آگهی های مربوط به شرکت در آن درج می گردد آگهی شده و لااقل **شش ماه** از تاریخ انتشار اولین آگهی گذشته باشد.

ماده 226 - تخلف از ماده 225 مدیران تصفیه را مسئول خسارت بستانکارانی قرار خواهد داد که طلب خود را دریافت نکرده اند.

ماده 227 - مدیران تصفیه مکلفند ظرف **یک ماه** پس از **ختم تصفیه** مراتب را به مرجع ثبت شرکتها اعلام دارند تا به ثبت رسیده و در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه ها و آگهی های مربوط به شرکت در آن درج می گردد آگهی شود و **نام شرکت** از دفتر ثبت شرکتها و دفتر ثبت تجاری **حذف** گردد.

ماده 228 - پس از اعلام ختم تصفیه مدیران تصفیه باید وجوهی را که باقی مانده است در حساب مخصوصی نزد یکی از بانکهای ایران تودیع و صورت اسامی بستانکاران و صاحبان سهامی را که حقوق خود را استیفاء نکرده اند نیز به آن بانک تسلیم و مراتب را طی آگهی مذکور در همان ماده به اطلاع اشخاص ذینفع برسانند تا برای گرفتن طلب خود به بانک مراجعه کنند. پس از انقضاء **ده سال** از تاریخ انتشار آگهی ختم تصفیه ، هر مبلغ از وجوه که در بانک باقی مانده باشد در حکم مال **بلاصاحب** بوده و از طرف بانک با اطلاع دادستان شهرستان محل به خزانه دولت



منتقل خواهد شد.

ماده 229 - **دفاتر و سایر اسناد و مدارک** شرکت تصفیه شده باید تا **ده سال** از تاریخ اعلام ختم تصفیه محفوظ بماند به این منظور مدیران تصفیه باید مقارن اعلام ختم تصفیه به مرجع ثبت شرکتها دفاتر و اسناد و مدارک مذکور را نیز به مرجع ثبت شرکتها تحویل دهند تا نگهداری و برای مراجعه اشخاص ذینفع آماده باشد.

ماده 230 - در صورتی که **مدیر تصفیه قصد استعفا** از سمت خود را داشته باشد باید مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را جهت اعلام استعفای خود و تعیین جانشین دعوت نماید. در صورتی که مجمع عمومی عادی مزبور تشکیل نشود یا نتواند مدیر تصفیه جدیدی را انتخاب کند و نیز هرگاه مدیر تصفیه توسط دادگاه تعیین شده باشد مدیر تصفیه مکلف است که قصد استعفای خود را به دادگاه اعلام کند و تعیین مدیر تصفیه جدید را از دادگاه بخواهد. در هر حال استعفای مدیر تصفیه

تا هنگامی که جانشین او به ترتیب مذکور در این ماده انتخاب نشده و مراتب طبق ماده 209 این قانون ثبت و آگهی نشده باشد کان لم یکن است .

ماده 231 - در صورت فوت یا حجر یا ورشکستگی مدیر تصفیه اگر مدیران تصفیه متعدد باشند و مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته توسط مجمع عمومی شرکت انتخاب شده باشد مدیر یا مدیران تصفیه باقی مانده باید مجمع عمومی عادی شرکت را جهت انتخاب جانشین مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته دعوت نماید و در صورتی که مجمع عمومی عادی مزبور تشکیل نشود یا نتواند جانشین مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته را انتخاب کند یا در صورتی که مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته توسط دادگاه تعیین شده باشد مدیر یا مدیران تصفیه باقی مانده مکلفند تعیین جانشین مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته را از دادگاه بخواهند.

اگر امر تصفیه منحصر به یک نفر باشد در صورت فوت یا حجر یا ورشکستگی مدیر تصفیه در صورتی که مدیر تصفیه توسط مجمع عمومی شرکت انتخاب شده باشد هر ذینفع می تواند از مرجع ثبت شرکتها بخواهد که مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را جهت تعیین جانشین مدیر تصفیه مذکور دعوت نماید و در صورتی که مجمع عمومی عادی مزبور تشکیل نگردد یا نتواند جانشین مدیر تصفیه را انتخاب نماید یا در صورتی که مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته توسط دادگاه تعیین شده باشد هر ذینفع می تواند تعیین جانشین را از دادگاه بخواهد.

بخش 10 - حسابهای شرکت



ماده 232 - هیئت مدیره شرکت باید پس از انقضای سال مالی صورت دارائی و دیون شرکت را در پایان سال و همچنین ترازنامه و حساب عملکرد و حساب سود و زیان شرکت را به ضمیمه گزارشی درباره فعالیت و وضع عمومی شرکت طی سال مالی مزبور تنظیم کند. اسناد مذکور در این ماده باید اقلاً **بیست روز** قبل از تاریخ مجمع عمومی عادی سالانه در اختیار **بازرسان** گذاشته شود.

ماده 233 - در تنظیم حساب عملکرد و حساب سود و زیان و ترازنامه شرکت باید همان شکل و روشهای ارزیابی که در سال مالی قبل از آن بکار رفته است رعایت شود، با وجود این در صورتی که تغییری در شکل و روشهای ارزیابی سال قبل از آن مورد نظر باشد باید اسناد مذکور به هر دو شکل و هر دو روش ارزیابی تنظیم گردد تا مجمع عمومی با ملاحظه آنها و با توجه به گزارش هیئت مدیره و بازرسان نسبت به تغییرات پیشنهادی تصمیم بگیرد.

ماده 234 - در ترازنامه باید **استهلاك اموال و اندوخته های لازم** در نظر گرفته شود ولو آنکه پس از وضع استهلاك و اندوخته ها سود قابل تقسیم باقی نماند یا کافی نباشد.

پائین آمدن ارزش دارائی ثابت خواه در نتیجه استعمال خواه بر اثر تغییرات فنی و خواه بععل دیگر باید در استهلاكات منظور گردد. برای جبران کاهش احتمالی ارزش سایر اقلام دارائی و زیانها و هزینه های احتمالی باید ذخیره لازم منظور گردد.

ماده 235 - تعهداتی که شرکت آن را تضمین کرده است باید با قید مبلغ در ذیل ترازنامه آورده شود.

ماده 236 - **هزینه های تاسیس** شرکت باید قبل از تقسیم هرگونه سود مستهلك شود. **هزینه های افزایش سرمایه** باید حداکثر تا پنج سال از تاریخی که اینگونه هزینه ها بعمل آمد **مستهلك** شود. در صورتی که سهام جدیدی که در نتیجه افزایش سرمایه صادر می شود به قیمتی بیش از مبلغ اسمی فروخته شده باشد هزینه های افزایش سرمایه را می توان از محل این اضافه ارزش مستهلك نمود.

ماده 237 - **سود خالص** شرکت در هر سال مالی عبارتست از **درآمد حاصل در همان سال مالی منهای** کلیه **هزینه ها و استهلاكات و ذخیره ها**.

ماده 238 - از **سود خالص** شرکت پس از وضع **زیانهای وارده در سالهای قبل** باید معادل **یک بیستم** آن بر طبق ماده 140 بعنوان **اندوخته قانونی** موضوع شود. هر تصمیم برخلاف این ماده باطل است.

ماده 239 - **سود قابل تقسیم عبارتست از سود خالص سال مالی شرکت منهای زیانهای سالهای مالی قبل و اندوخته قانونی مذکوره در ماده 238 و سایر اندوخته های اختیاری بعلاوه سود قابل**



تقسیم سالهای قبل که تقسیم نشده است .

ماده 240 - مجمع عمومی پس از تصویب حسابهای سال مالی و احراز اینکه سود قابل تقسیم وجود دارد مبلغی از آن را که باید بین صاحبان سهام تقسیم شود تعیین خواهد نمود. علاوه بر این مجمع عمومی می تواند تصمیم بگیرد که مبالغی از اندوخته هائی که شرکت در اختیار دارد بین صاحبان سهام تقسیم شود در این صورت در تصمیم **مجمع عمومی باید صریحا قید شود که مبالغ مورد نظر از کدام يك از اندوخته ها باید برداشت و تقسیم گردد.**

هر سودی که بدون رعایت مقررات این قانون تقسیم شود **منافع موهوم** تلقی خواهد شد. نحوه پرداخت سود قابل تقسیم توسط مجمع عمومی تعیین می شود و **اگر مجمع عمومی در خصوص نحوه پرداخت تصمیمی نگرفته باشد هیئت مدیره نحوه پرداخت را تعیین خواهد نمود** ولی در هر حال **پرداخت سود** به صاحبان سهام باید **ظرف هشت ماه** پس از تصمیم مجمع عمومی راجع به تقسیم سود انجام پذیرد.

ماده 241 - با رعایت شرایط مقرر در ماده 134 نسبت معینی از سود خالص سال مالی شرکت که ممکن است جهت **پاداش هیئت مدیره** در نظر گرفته شود به هیچ وجه نباید در شرکتهای سهامی **عام** از **پنج درصد** سودی که در همان سال به صاحبان سهام پرداخت می شود و در شرکتهای سهامی **خاص** از **ده درصد** سودی که در همان سال به صاحبان سهام پرداخت می شود تجاوز کند.

مقررات اساسنامه و هرگونه تصمیمی که مخالف با مفاد این ماده باشد باطل و بلا اثر است .

ماده 242 - در شرکتهای سهامی **عام** هیئت مدیره مکلف است که به حسابهای سود و زیان و ترازنامه شرکت گزارش **حسابداران رسمی** را ضمیمه کند. حسابداران رسمی باید علاوه بر اظهار نظر درباره حسابهای شرکت گواهی نمایند کلیه دفاتر و اسناد و صورت حسابهای شرکت و توضیحات مورد لزوم در اختیار آنها قرار داشته و حسابهای سود و زیان و ترازنامه تنظیم شده از طرف هیئت مدیره وضع مالی شرکت را بنحو صحیح و روشن نشان می دهد.

تبصره - منظور از حسابداران رسمی مذکور در این ماده حسابداران موضوع فصل هفتم قانون مالیاتهای مستقیم مصوب اسفند سال 1345 می باشد و در صورتی که بموجب قانون شرایط و نحوه انتخاب حسابداران رسمی تغییر کند و یا عنوان دیگری برای آنان در نظر گرفته شود شامل حسابداران مذکور در این ماده نیز خواهد بود.



بخش 11 - مقررات جزائي

ماده 243 - اشخاص زیر به **حبس** تادیهی از **سه ماه** تا **دو سال** یا به جزای نقدی از **بیست هزار ریال** تا **دویست هزار ریال** یا به **هر دو** مجازات محکوم خواهند شد:

1 - هرکس که عالما و برخلاف واقع پذیره نویسی سهام را تصدیق کند و یا برخلاف مقررات این قانون اعلامیه پذیره نویسی منتشر نماید و یا مدارك خلاف واقع حاکمی از تشکیل شرکت به مرجع ثبت شرکتها تسلیم کند و یا در تعیین ارزش آورده غیرنقد **تقلب** اعمال کند.

2 - هرکس در ورقه سهم بانام یا گواهینامه موقت سهم **مبلغ** پرداخت شده را **بیش از آنچه** که واقعا پرداخت شده است قید کند.

3 - هرکس از اعلام مطالبی که طبق مقررات این قانون باید به مرجع ثبت شرکتها اعلام کند بعضا یا کلا **خودداری** نماید و یا مطالب **خلاف واقع** به مرجع مزبور اعلام دارد.

4 - هرکس سهام یا قطعات سهام را قبل از به ثبت رسیدن شرکت و یا در صورتی که **ثبت شرکت مزورانه** انجام گرفته باشد صادر کند.

5 - هرکس سهام یا قطعات سهام را بدون پذیره نویسی کلیه سرمایه و تادیه حداقل **سی و پنج درصد** آن و نیز تحویل کلیه سرمایه غیرنقد صادر کند.

6 - هرکس قبل از پرداخت کلیه مبلغ اسمی سهم ، سهام بی نام یا گواهینامه موقت بی نام صادر کند.

ماده 244 - اشخاص زیر به حبس تادیهی از **سه ماه تا یکسال** یا به جزای نقدی از **پنجاه هزار ریال تا پانصد هزار ریال** یا به **هر دو** مجازات محکوم خواهند شد :

1 - هرکس عالما سهام یا گواهینامه موقت سهام بدون ذکر مبلغ اسمی صادر کند یا بفروشد یا به معرض فروش گذارد.

2 - هرکس سهام بی نام را قبل از آنکه تمام مبلغ اسمی آن پرداخت شده باشد بفروشد یا به معرض فروش گذارد.

3 - هرکس سهام بانام را قبل از آنکه **اقلا سی و پنج درصد** مبلغ اسمی آن پرداخت شده باشد صادر کند یا



بفروشد یا به معرض فروش گذارد.

ماده 245 - هرکس **عالما** در هر يك از **عمليات** مذکور در ماده **244** **شرکت** کند یا انجام آن **عمليات** را **تسهیل** نماید برحسب مورد به مجازات **شریک** یا **معاون** محکوم خواهد شد.

ماده 246 - رئیس و **اعضاء هیئت مدیره** هر شرکت سهامی در صورت ارتکاب هر يك از جرائم زیر به حبس تادیبی از **دوماه تا ششماه** یا به جزای نقدی از **سی هزار تا سیصد هزار ریال** یا به **هر دو** مجازات محکوم خواهند شد:

1 - در صورتی که ظرف مهلت مقرر در این قانون قسمت پرداخت نشده مبلغ اسمی سهام شرکت را مطالبه نکنند و یا **دوماه** قبل از پایان مهلت مذکور مجمع **فوق العاده** را جهت **تقلیل** سرمایه شرکت تا میزان مبلغ پرداخت شده دعوت **نمایند**.

2 - در صورتی که قبل از پرداخت کلیه سرمایه شرکت بصور اوراق قرضه مبادرت کرده یا صدور آن را اجازه دهند.

ماده 247 - در مورد بند يك ماده 246 در صورتی که هر يك از **اعضاء هیئت مدیره** قبل از انقضای مهلت مقرر در جلسه هیئت مزبور صریحا اعلام کند که باید تکلیف قانونی برای سلب مسئولیت جزائی عمل شود و به این اعلام از طرف سایر **اعضاء هیئت مدیره** توجه نشود و جرم تحقق پیدا کند عضو هیئت مدیره که تکلیف قانونی را اعلام کرده است مجرم شناخته نخواهد شد. سلب مسئولیت جزائی از عضو هیئت مدیره منوط به این است که عضو هیئت مدیره علاوه بر اعلام تکلیف قانونی در جلسه هیئت مزبور مراتب را از طریق ارسال اظهارنامه رسمی به هر يك از **اعضاء هیئت مدیره** اعلام نماید. در صورتی که جلسات هیئت مدیره به هر علت تشکیل نگردد اعلام از طریق ارسال اظهارنامه رسمی برای سلب مسئولیت جزائی از عضو هیئت مدیره کافی است.

ماده 248 - هرکس **اعلامیه پذیره نویسی** سهام یا **اطلاعیه انتشار اوراق قرضه** شرکت سهامی را **بدون امضاهای مجاز** و نام و نشانی موسسین یا مدیران شرکت منتشر کند به جزای نقدی از **ده هزار تا سی هزار ریال** محکوم خواهد شد.

ماده 249 - هرکس با **سوء نیت** برای تشویق مردم به تعهد خرید اوراق بهادار شرکت سهامی، به صدور اعلامیه پذیره نویسی سهام یا اطلاعیه انتشار اوراق قرضه که متضمن اطلاعات نادرست یا ناقص باشد مبادرت نماید و یا از روی سوء نیت جهت تهیه اعلامیه یا اطلاعیه مزبور اطلاعات نادرست یا ناقص داده باشد به **مجازات شروع به**



کلاهبرداری محکوم خواهد شد و هرگاه اثری بر این اقدامات مترتب شده باشد مرتکب **در حکم کلاهبرداری** بوده و به مجازات مقرر محکوم خواهد شد.

ماده 250 - رئیس و اعضاء هیئت مدیره هر شرکت سهامی عام که قبل از تادیه کلیه سرمایه ثبت شده شرکت و قبل از انقضاء دو سال تمام از تاریخ ثبت شرکت و تصویب دو ترازنامه آن توسط مجمع عمومی مبادرت به صدور اوراق قرضه نمایند به جزای نقدی از بیست هزارریال تا دویست هزارریال محکوم خواهند شد.

ماده 251 - رئیس و اعضاء هیئت مدیره هر شرکت سهامی عام که بدون رعایت مقررات ماده 56 این قانون مبادرت به صدور اوراق قرضه بنماید به حبس تادیهی از **سه ماه تا دو سال** و جزای نقدی از **بیست هزارریال تا دویست هزارریال** محکوم خواهند شد.

ماده 252 - رئیس و اعضاء هیئت مدیره و مدیرعامل هر شرکت سهامی عمومی که نکات مندرج در ماده 60 این قانون را در اوراق قرضه قید ننمایند به جزای نقدی **بیست هزارریال تا دویست هزارریال** محکوم خواهند شد.

ماده 253 - اشخاص زیر به حبس تادیهی از **سه ماه تا یکسال** یا به جزای نقدی از **بیست هزارریال تا دویست هزارریال** یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد.

1 - هرکس عامداً **مانع حضور** دارنده سهم شرکت در جلسات **مجمع عمومی** صاحبان سهم بشود.

2 - هرکس با خدعه و نیرنگ خود را دارنده سهم یا قطعات سهم معرفی کند و به این طریق در اخذ رای در مجمع عمومی صاحبان سهام شرکت نماید اعم از آنکه این کار را شخصاً یا توسط دیگری انجام دهد.

ماده 254 - رئیس و اعضاء هیئت مدیره شرکت سهامی که حداکثر تا **6 ماه** پس از پایان **هرسال مالی** مجمع عمومی **عادی** صاحبان سهام را **دعوت نکنند** یا مدارک مقرر در ماده 232 را به موقع تنظیم و تسلیم ننمایند به **حبس از دو تا ششماه** یا به جزای نقدی از **بیست هزارریال تا دویست هزارریال** یا به **هر دو** مجازات محکوم خواهند شد.

ماده 255 - رئیس و اعضاء هیئت مدیره هر شرکت سهامی که **صورت حاضرین در مجمع** را مطابق ماده 99 تنظیم نکنند به جزای نقدی از **بیست هزارریال تا دویست هزارریال** محکوم خواهند شد.

ماده 256 - **هیئت رئیسه هر مجمع عمومی** که **صورت جلسه** مذکور در ماده 105 را تنظیم نکند، به مجازات مذکور در ماده قبل محکوم خواهد شد.



ماده 257 - رئیس و اعضاء هیئت رئیسه هر مجمع عمومی که مقررات راجع به **حق رای** صاحبان سهام را رعایت نکرده باشند به مجازات مذکور در ماده 255 محکوم خواهند شد.

ماده 258 - اشخاص زیر به **حبس تادیبی** از **یکسال** تا **سه سال** محکوم خواهند شد :

1 - **رئیس و اعضاء هیئت مدیره و مدیرعامل** شرکت که بدون صورت دارائی و ترازنامه یا به استناد صورت دارائی و **ترازنامه مزور منافع موهومی** را بین صاحبان سهام **تقسیم** کرده باشند .

2 - رئیس و اعضاء هیات مدیره و مدیرعامل شرکت که **ترازنامه غیر واقع** به منظور **پنهان** داشتن وضعیت **واقعی** شرکت به صاحبان سهام ارائه یا منتشر کرده باشد .

3 - **رئیس و اعضاء هیئت مدیره و مدیرعامل** شرکت که اموال یا اعتبارات شرکت را **برخلاف منافع** شرکت برای **مقاصد شخصی** یا برای شرکت یا **موسسه دیگری** که خود بطور مستقیم یا غیرمستقیم در آن **ذینفع می** باشند مورد استفاده قرار دهند .

4 - رئیس و اعضاء هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت که با **سوء نیت** از اختیارات خود **برخلاف منافع شرکت** برای **مقاصد شخصی** یا بخاطر شرکت یا **موسسه دیگری** که خود بطور مستقیم یا غیرمستقیم در آن **ذینفع می** باشند استفاده کنند .

ماده 259 - رئیس و اعضاي هیئت مدیره شرکت که **متعمدا مجمع** عمومی صاحبان سهام را در هر موقع که **انتخاب بازرسان** شرکت باید انجام پذیرد به این منظور **دعوت ننمایند** و یا بازرسان شرکت را به مجامع عمومی صاحبان سهام **دعوت** نکنند به **حبس** از **دو** تا **ششماه** یا جزای نقدی از **بیست هزار** تا **دویست هزار** ریال یا به **هر دو** مجازات محکوم خواهند شد .

ماده 260 - رئیس و اعضاء هیئت مدیره و مدیرعامل که **عامدا مانع** یا مخل انجام وظایف **بازرسان** شرکت بشوند یا **اسناد** و مدارکی را که برای انجام وظایف آنها لازم است در **اختیار** بازرسان **قرار ندهند** به حبس تادیبی از **سه ماه** تا **دوسال** یا به جزای نقدی از **بیست هزار ریال** تا **دویست هزار ریال** یا به **هر دو** مجازات محکوم خواهند شد.

ماده 261 - رئیس و اعضاء هیئت مدیره و مدیرعامل هر شرکت سهامی که قبل از به ثبت رسیدن افزایش سرمایه یا در صورتی که ثبت **افزایش سرمایه مزورانه** یا بدون رعایت **تشریفات** لازم انجام گرفته باشد سهام یا قطعات سهام جدید صادر و منتشرکنند به جزای نقدی از **ده هزار ریال** تا **یکصد هزار ریال** محکوم خواهند شد و



در صورتی که قبل از پرداخت تمامی مبلغ اسمی سهام سابق مبادرت به صدور و انتشار سهام جدید یا قطعات سهام جدید بنماید به حبس تادیبی از **دو ماه تا ششماه** و به جزای نقدی از **بیست هزار تا دویست هزار** ریال محکوم خواهند شد.

ماده 262 - رئیس و اعضاء هیئت مدیره و مدیرعامل هر شرکت سهامی که مرتکب جرائم زیر بشوند به جزای نقدی از **بیست هزار تا دویست هزار** ریال محکوم خواهند شد:

1 - در صورتی که در موقع افزایش سرمایه شرکت به استثنای مواردی که در این قانون پیش بینی شده است حق تقدم صاحبان سهام را نسبت به پذیره نویسی و خرید سهام جدید رعایت نکنند و یا مهلتی را که جهت پذیره نویسی سهام جدید باید در نظر گرفته شود به صاحبان سهام ندهند.

2 - در صورتی که شرکت قبلاً اوراق قرضه قابل تعویض با سهم منتشر کرده باشد حقوق دارندگان اینگونه اوراق قرضه را نسبت به تعویض اوراق آنها با سهام شرکت در نظر گرفته یا قبل از انقضاء مدتی که طی آن این قبیل اوراق قرضه قابل تعویض با سهام شرکت است اوراق قرضه جدید قابل تعویض یا قابل تبدیل به سهام منتشرکنند یا قبل از تبدیل یا تعویض اوراق قرضه یا بازپرداخت مبلغ آنها سرمایه شرکت را مستهلک سازند یا آن را از طریق بازخرید سهام کاهش دهند یا اقدام به تقسیم اندوخته کنند یا در نحوه تقسیم منافع تغییراتی بدهند.

ماده 263 - رئیس و اعضاء هیئت مدیره و مدیرعامل هر شرکت سهامی که عالماً برای سلب حق تقدم از صاحبان سهام نسبت به پذیره نویسی سهام جدید به مجمع عمومی اطلاعات نادرست بدهند یا **اطلاعات نادرست** را تصدیق کنند به حبس از **ششماه تا سه سال** یا به جزای نقدی از **یکصد هزار ریال تا یک میلیون ریال** یا به هردو مجازات محکوم خواهند شد.

ماده 264 - رئیس و اعضاء هیئت مدیره هر شرکت سهامی که در مورد **کاهش سرمایه** عالماً مقررات زیر را رعایت نکنند به جزای نقدی از **بیست هزار ریال تا دویست هزار** ریال محکوم خواهند شد:

1 - در صورت عدم رعایت تساوی حقوق صاحبان سهام .

2 - در صورتی که پیشنهاد راجع به **کاهش سرمایه** حداقل **چهل و پنج روز** قبل از تشکیل مجمع عمومی فوق العاده به **بازرس** شرکت **تسلیم نشده** باشد.

3 - در صورتی که تصمیم مجمع عمومی دائر بر تصویب کاهش سرمایه و مهلت و شرایط آن در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که اعلانات مربوط به شرکت در آن نشر می گردد آگهی نشده باشد.



ماده 265 - رئیس و اعضاء هیئت مدیره هر شرکت سهامی که در صورت از میان رفتن بیش از نصف سرمایه شرکت بر اثر زیانهای وارده حداکثر تا **دوماه** مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام را دعوت نمایند تا موضوع **انحلال** یا **بقاء** شرکت مورد شور و رای واقع شود و حداکثر تا **یکماه** نسبت به ثبت و آگهی تصمیم مجمع مذکور اقدام نمایند به حبس از **دوماه** تا **ششماه** یا به جزای نقدی از **ده هزار ریال** تا **یکصد هزار ریال** یا به **هر دو** مجازات محکوم خواهند شد.

ماده 266 - هرکس با وجود **منع قانونی** عالما سمت **بازرسی** را در شرکت سهامی بپذیرد و به آن عمل کند به حبس تادیبی از **دوماه** تا **ششماه** یا جزای نقدی از **بیست هزار** تا **یکصد هزار ریال** یا به **هر دو** مجازات محکوم خواهد شد.

ماده 267 - هرکس در سمت **بازرسی** شرکت سهامی عالما راجع به اوضاع شرکت به مجمع عمومی در گزارشهای خود **اطلاعات خلاف حقیقت** بدهد و یا اینگونه اطلاعات را تصدیق کند به حبس تادیبی از **سه ماه** تا **دو سال** محکوم خواهد شد .

ماده 268 - مدیر یا **مدیران تصفیه** هر شرکت سهامی که عالما مرتکب جرائم زیر بشوند به حبس تادیبی از **دوماه** تا **ششماه** یا به جزای نقدی از **بیست هزار** تا **دویست هزار ریال** یا به **هر دو** مجازات محکوم خواهند شد :

1 - در صورتی که ظرف یکماه پس از انتخاب تصمیم راجع به انحلال شرکت و نام و نشانی خود را به مرجع ثبت شرکتها اعلام نکنند.

2 - در صورتی که تا ششماه پس از شروع به امر تصفیه مجمع عمومی عادی صاحبان شرکت را دعوت نکرده وضعیت اموال و مطالبات و قروض شرکت و نحوه تصفیه امور شرکت و مدتی را که جهت پایان دادن به امر تصفیه لازم می داند به اطلاع مجمع عمومی نرسانند.

3 - در صورتی که قبل از خاتمه امر تصفیه همه ساله مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را با رعایت شرایط و تشریفات که در این قانون و اساسنامه شرکت پیش بینی شده است دعوت نکرده ، صورت دارائی منقول و غیر منقول و ترازنامه و حساب سود و زیان عملیات خود را به ضمیمه گزارشی حاکی از اعمالی که تا آن موقع انجام داده اند به مجمع مذکور تسلیم نکنند.

4 - در صورتی که در خاتمه دوره تصدی خود بدون آنکه تمدید مدت مأموریت خود را خواستار شوند به عملیات خود ادامه دهند.



5 - در صورتی که ظرف یکماه پس از ختم تصفیه مراتب را به مرجع ثبت شرکتها اعلام نمایند.

6 - در صورتی که پس از اعلام ختم به تصفیه وجوهی را که باقی مانده است در حساب مخصوصی در یکی از بانکهای ایرانی تودیع ننماید و در صورت اسامی بستانکاران و صاحبان سهامی را که حقوق خود را استیفاء نکرده اند به آن بانک تسلیم نکرده مراتب را طی آگهی ختم تصفیه به اطلاع اشخاص ذینفع نرسانند.

ماده 269 - **مدیر تصفیه یا مدیران هر شرکت سهامی که مرتکب جرائم زیر شوند به حبس تادیبی از یک سال تا سه سال محکوم خواهند شد :**

1 - در صورتی که **اموال یا اعتبارات** شرکت در حال تصفیه را برخلاف منافع شرکت یا برای **مقاصد شخصی** یا برای شرکت یا **موسسه** دیگری که خود بطور مستقیم یا غیرمستقیم در آن **ذینفع** می باشند مورد استفاده قرار دهند.

2 - در صورتی که برخلاف ماده 213 به انتقال دارائی شرکت مبادرت کنند یا بدون رعایت حقوق بستانکاران و موضوع کردن قروضی که هنوز موعد تادیه آن نرسیده دارائی شرکت را بین صاحبان سهام تقسیم نمایند.

بخش 12 - مقررات مختلف مربوط به شرکتهای سهامی

ماده 270 - هرگاه مقررات قانونی در مورد **تشکیل شرکت سهامی یا عملیات آن یا تصمیماتی** که توسط هر یک از ارکان شرکت اتخاذ می گردد **رعایت نشود** برحسب مورد بنا به **درخواست هر ذینفع بطلان** شرکت یا عملیات یا تصمیمات مذکور به حکم دادگاه **اعلان** خواهد شد، لیکن موسسین و مدیران و بازرسان و صاحبان سهام شرکت نمی توانند در مقابل اشخاص ثالث به این بطلان استناد نمایند .

ماده 271 - در صورتی که قبل از صدور حکم بطلان شرکت یا بطلان عملیات یا تصمیمات آن در مرحله بدوی موجبات بطلان مرتفع شده باشد دادگاه **قرار سقوط دعوی بطلان** را صادر خواهد کرد.

ماده 272 - دادگاهی که دعوی بطلان نزد آن اقامه شده است می تواند بنا به درخواست **مهلتی** که از **ششماه** بیشتر نباشد **برای رفع موجبات بطلان** تعیین نماید. ابتدای مهلت مذکور تاریخ وصول پرونده از دفتر به دادگاه



است. در صورتی که طرف مهلت مقرر موجبات بطلان برطرف نشده باشد دادگاه حکم مقتضی صادر خواهد کرد.

ماده 274 - دادگاهی که حکم بطلان شرکت را صادر می نماید باید ضمن حکم خود يك یا چند نفر را بعنوان مدیر تصفیه تعیین کند تا بر طبق مقررات این قانون انجام وظیفه نمایند.

ماده 275 - در هر مورد که بر اثر انحلال یا بطلان شرکت مدیر تصفیه باید از طرف دادگاه تعیین شود و مدیر یا مدیران تصفیه ای که توسط دادگاه تعیین شده اند حاضر به قبول سمت مدیریت تصفیه نباشند دادگاه امر تصفیه را به اداره تصفیه امور ورشکستگی حوزه خود ارجاع می نماید.

تبصره - تعیین حق الزحمه مدیر یا مدیران تصفیه ای که توسط دادگاه تعیین می شود بعهدہ دادگاه است .

ماده 276 - شخص یا اشخاصی که مجموع سهام آنها حداقل **يك پنجم** مجموع **سهام** شرکت باشد می تواند در صورت **تخلف** یا **تقصیر** رئیس و اعضاء هیئت مدیره و یا مدیرعامل بنام و از طرف شرکت و به هزینه خود علیه رئیس یا تمام یا بعضی از **اعضاء هیئت مدیره** و مدیرعامل اقامه دعوی نمایند و جبران کلیه خسارات وارده به شرکت را از آنها مطالبه کنند.

در صورت محکومیت رئیس یا هر يك از اعضاء هیئت مدیره یا مدیرعامل به جبران خسارات شرکت و پرداخت هزینه دادرسی حکم بنفع شرکت اجراء و هزینه ای که از طرف اقامه کننده دعوی پرداخت شده از مبلغ محکوم به وی مسترد خواهد شد.

ماده 277 - مقررات اساسنامه و تصمیمات مجامع عمومی نباید بنحوی از انحاء حق صاحبان سهام را در مورد اقامه دعوی مسئولیت علیه مدیران شرکت محدود نماید.

ماده 278 - شرکت **سهامی خاص** در صورتی می تواند به شرکت **سهامی عام** تبدیل شود که **اولا** موضوع به تصویب مجمع عمومی فوق العاده شرکت سهامی خاص رسیده باشد **ثانیا** سرمایه آن حداقل به ميزانی باشد که برای شرکتهای سهامی عام مقرر شده است و یا شرکت سرمایه خود را به میزان مذکور افزایش دهد. **ثالثا** دو سال تمام از تاریخ تاسیس و ثبت شرکت گذشته و دو ترازنامه آن به تصویب مجمع عمومی صاحبان سهام رسیده باشد. **رابعا** اساسنامه آن با رعایت مقررات این قانون در مورد شرکتهای سهامی عام تنظیم یا اصلاح شده باشد.

ماده 279 - شرکت سهامی خاص باید ظرف **یکماه** از تاریخی که مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام تبدیل شرکت را تصویب کرده است صورت جلسه مجمع عمومی فوق العاده را به ضمیمه مدارك زیر به مرجع ثبت شرکتهای تسلیم کند:



- 1 - اساسنامه که برای شرکت سهامی عام تنظیم شده و به تصویب مجمع عمومی فوق العاده رسیده است .
 - 2 - دوترازنامه وحساب سود و زیان مذکوردر ماده 278 که به تأیید حسابدار رسمی رسیده باشد.
 - 3 - صورت دارائی شرکت در موقع تسلیم مدارك به مرجع ثبت شرکتهای که متضمن تقویم کلیه اموال منقول و غیرمنقول شرکت بوده و به تأییدکارشناس رسمی وزارت دادگستری رسیده باشد.
 - 4 - **اعلامیه تبدیل شرکت** که باید به امضاء دارندگان امضای مجاز شرکت رسیده و مشتمل بر نکات زیر باشد:
 - الف - نام و شماره ثبت شرکت .
 - ب - موضوع شرکت و نوع فعالیتهاى آن .
 - ج - مرکز اصلی شرکت و در صورتی که شرکت شعبی داشته باشد نشانی شعب آن.
 - د - در صورتی که شرکت برای مدت محدود تشکیل شده باشد تاریخ انقضای مدت آن .
 - ه - سرمایه شرکت و مبلغ پرداخت شده آن .
 - و - اگر سهام ممتاز منتشرشده باشد تعداد و امتیازات آن .
 - ز - هویت کامل رئیس و اعضاء هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت .
 - ح - شرایط حضور و حق رای صاحبان سهام در مجامع عمومی .
 - ط - مقررات اساسنامه راجع به تقسیم سودوتشکیل کندوخته .
 - ی - مبلغ دیون شرکت و همچنین مبلغ دیون اشخاص ثالث که توسط شرکت تضمین شده است .
 - ک - ذکر نام روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه ها و آگهی های شرکت در آن درج می گردد.
- ماده 280 - مرجع ثبت شرکتهای پس از وصول مدارك مذکور در ماده 279 و تطبیق مندرجات آنها با این قانون تبدیل شرکت را ثبت و مراتب را به هزینه شرکت آگهی خواهد نمود.
- ماده 281 - در آگهی تبدیل شرکت بایدکلیه مندرجات اعلامیه تبدیل شرکت ذکر گردد و قید شود که اساسنامه



شرکت و دو ترازنامه و حساب سود و زیان آن مربوط به دو سال قبل از اتخاذ تصمیم نسبت به تبدیل شرکت و همچنین صورت دارائی شرکت و اموال منقول و غیرمنقول آن در مرجع ثبت شرکتها و در مرکز شرکت برای مراجعه علاقمندان آماده می باشند. آگهی تبدیل شرکت باید علاوه بر روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های شرکت در آن درج می گردد اقلا در يك روزنامه کثیرالانتشار دیگر نیز آگهی شود.

ماده 282 - شرکت سهامی خاص که بخواهد با افزایش سرمایه به شرکت سهامی عام تبدیل شود باید سهام جدید خود را که در نتیجه افزایش سرمایه بوجود می آید با رعایت مواد 173 لغایت 182 و ماده 184 این قانون برای پذیره نویسی عمومی عرضه نماید . مرجع ثبت شرکتها در این مورد پس از وصول تقاضا و مدارك مربوط به تبدیل شرکت سهامی خاص به شرکت سهامی عام و تطبیق آنها با مقررات قانون در صورتی که شرکت بتواند با افزایش سرمایه از طریق پذیره نویسی عمومی به شرکت سهامی عام تبدیل شود اجازه انتشار اعلامیه نویسی سهام را صادر خواهند نمود. در اعلامیه پذیره نویسی باید شماره و تاریخ اجازه نامه مزبور قید گردد.

ماده 283 - در صورتی که سهام جدیدی که به ترتیب مذکور در ماده قبل عرضه شده است تماما تادیه نشود شرکت نمی تواند به شرکت سهامی تبدیل گردد.

ماده 284 - شرکتهاي سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون باید ظرف چهار سال از تاریخ اجرای این قانون به صورت شرکت سهامی خاص یا شرکت سهامی عام درآیند و وضع خود را با مقررات این قانون تطبیق دهند یا به نوع دیگری از انواع شرکتهاي تجارتي مذکور در قانون تجارت مصوب اردیبهشت ماه 1311 تبدیل شوند و الا منحل محسوب خواهند شد و از لحاظ مقررات انحلال مشمول قانون تجارت مصوب اردیبهشت 1311 خواهند بود.

تا هنگامی که شرکتهاي سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون ظرف چهار سال وضع خود را با مقررات این قانون تطبیق نداده اند تابع مقررات مربوط به شرکتهاي سهامی مذکور در قانون تجارت مصوب اردیبهشت 1311 و مقررات اساسنامه خود خواهند بود.

تطبیق وضع شرکت با مقررات این قانون وقتی محقق می شود که مرجع ثبت شرکتها پس از احراز صحت تطبیق مراتب را ثبت و به هزینه شرکت آگهی کرده باشد. به استثنای هزینه آگهی اجرای این ماده در صورت عدم افزایش سرمایه ، شرکت مستلزم پرداخت هیچ گونه هزینه دیگری نیست و در صورت افزایش سرمایه هزینه های مربوط فقط شامل میزان افزایش سرمایه می شود.

ماده 258 - تغییر اساسنامه هر يك از شرکتهاي سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون به منظور تطبیق وضع آنها با مقررات این قانون **استثنا** ممکن است بموجب تصمیم مجمع عمومی **عادی** صاحبان سهام شرکت صورت



گیرد مگر در مورد افزایش سرمایه که باید به تصویب مجمع عمومی فوق العاده برسد. ترتیب دعوت تشکیل و حدنصاب و اکثریت لازم برای مجامع عادی و فوق العاده به منظور تطبیق وضع شرکت با مقررات این قانون تابع مقررات تجارت مصوب اردیبهشت 1311 در مورد شرکتهای سهامی و همچنین اساسنامه معتبر شرکتهای موجود در تاریخ تصویب این قانون می باشد.

ماده 286 - برای آنکه شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون بتوانند بصورت شرکت سهامی خاص درآیند باید **اولا** سرمایه آنها حداقل به ميزانی باشد که برای شرکتهای سهامی خاص مقرر شده است یا سرمایه خود را با رعایت مقررات این قانون در مورد افزایش سرمایه شرکت سهامی خاص به آن میزان افزایش دهند ، **ثانیا** اساسنامه خود را به منظور تطبیق با مقررات این قانون اصلاح کرده مراتب را به مرجع ثبت شرکتهای اعلام نمایند. مرجع ثبت شرکتهای پس از احراز صحت تطبیق وضع شرکت با مقررات این قانون مراتب را ثبت و به هزینه شرکت آگهی خواهد نمود.

ماده 287 - برای آنکه شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون بتوانند بصورت شرکت **سهامی عام** درآیند باید **اولا سرمایه** آنها به ميزانی باشد که برای شرکتهای سهامی عام مقرر شده است یا سرمایه خود را با رعایت مقررات این قانون در مورد افزایش سرمایه شرکت سهامی عام به آن میزان افزایش دهند. **ثانیا** در تاریخ تبدیل شرکت به شرکت سهامی عام یکسال از ثبت شرکت گذشته و **یک ترازنامه** آن به تصویب مجمع عمومی عادی رسیده باشد. **ثالثا** اساسنامه خود را با مقررات این **قانون وفق** دهند.

ماده 288 - در صورتی که شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون بخواهند برای تطبیق وضع خود با مقررات این قانون به افزایش سرمایه مبادرت کنند در صورتی که تمامی مبلغ اسمی سهام قبلی آنها تادیه نشده باشد نسبت مبلغ پرداخت شده قبلی نسبت به هر سهم در مورد سهام جدید نیز لازم الرعایه است و در هر حال این نسبت نمی تواند از **سی و پنج درصد** مبلغ اسمی سهام کمتر باشد. در موارد مذکور در این ماده رعایت ماده 165 این قانون در مورد تادیه تمامی سرمایه قبلی شرکت الزامی نیست .

ماده 289 - شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون که بخواهند از طریق افزایش سرمایه به شرکت سهامی عام تبدیل شوند باید سهام جدید خود را در نتیجه افزایش سرمایه بوجود می آید با رعایت مقررات این قانون برای پذیره نویسی عمومی عرضه نمایند.

در صورتی که سهام جدیدی که به ترتیب فوق عرضه شده است تماما تعهد نشود و مبلغی که باید بر طبق مقررات این قانون تادیه گردد تادیه نشود شرکت نمی تواند به شرکت سهامی عام تبدیل گردد.



ماده 290 - شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون که بخواهند به شرکت سهامی عام تبدیل شوند و به این منظور به افزایش سرمایه مبادرت کنند باید مدارک زیر را به مرجع ثبت شرکتهای تسلیم نمایند :

1 - اساسنامه ای که برای شرکت سهامی عام به تصویب مجمع عمومی عادی یا فوق العاده رسیده است .

2 - صورت جلسه مجمع عمومی فوق العاده که افزایش سرمایه را مورد تصویب قرار داده است .

3 - صورت دارائی شرکت در موقع تسلیم مدارک به مرجع ثبت شرکتهای صورت مزبور باید متضمن تقویم کلیه اموال منقول و غیرمنقول شرکت بوده به تأیید کارشناس رسمی وزارت دادگستری رسیده باشد.

4 - طرح اعلامیه پذیره نویسی سهام جدید که باید به ترتیب مقرر در ماده 174 این قانون تنظیم شده باشد.

5 - آخرین ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت که باید به تصویب مجمع عمومی و تأیید حسابدار رسمی رسیده باشد.

ماده 291 - مرجع ثبت شرکتهای پس از وصول مدارک مذکور در ماده قبل و تطبیق مندرجات آنها با قانون اجازه انتشار اعلامیه پذیره نویسی سهام جدید را صادر خواهد نمود.

ماده 292 - کلیه مقررات مذکور در مواد 177 لغایت 181 این قانون برای تحقق افزایش سرمایه و تبدیل شرکت سهامی به شرکت سهام عام ، لازم الرعایه است ، درآگهی مربوط ضمن ذکر افزایش سرمایه موضوع تبدیل نیز قید خواهد شد.

ماده 293 - در صورت عدم تحقق افزایش سرمایه بر طبق ماده 182 این قانون عمل خواهد شد. در هر صورت شرکت باید در مهلت مذکور در ماده 284 وضع خود را با مقررات این قانون تطبیق دهد.

ماده 294 - شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون که سرمایه آنها حداقل به میزان سرمایه شرکتهای سهامی عام مذکور در این قانون باشد و بخواهند به شرکت سهامی عام تبدیل شوند باید مدارک زیر را به مرجع ثبت شرکتهای تسلیم کنند :

1 - اساسنامه ای که برای شرکت سهامی عام به تصویب مجمع عمومی عادی یا فوق العاده رسیده است .

2 - صورت دارائی شرکت در موقع تسلیم مدارک به مرجع ثبت شرکتهای که باید متضمن تقویم کلیه اموال منقول و غیرمنقول شرکت بوده و به تأیید کارشناس رسمی وزارت دادگستری رسیده باشد.



4 - اعلامیه تبدیل شرکت سهامی به شرکت سهامی عام که باید به امضاء دارندگان امضاء مجاز شرکت رسیده و مشتمل بر نکات زیر باشد :

5 - آخرین ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت که باید به تصویب مجمع عمومی و تایید حسابدار رسمی رسیده باشد.

ماده 291 - مرجع ثبت شرکتها پس از وصول مدارك مذکور در ماده قبل و تطبیق مندرجات آنها با قانون اجازه انتشار اعلامیه پذیره نویسی سهام جدید را صادر خواهد نمود :

الف - نام و شماره ثبت شرکت .

ب - موضوع شرکت و نوع فعالیتهای آن .

ج - مرکز اصلی شرکت و در صورتی که شرکت شعبی داشته باشد نشانی شعب آن.

د - در صورتی که شرکت برای مدت محدود تشکیل شده باشد تاریخ انقضای مدت آن .

ه - سرمایه شرکت و مبلغ پرداخت شده آن .

و - اگر سهام ممتاز منتشر شده باشد تعداد و امتیازات آن .

ز - هویت کامل رئیس و اعضاء هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت .

ح - شرایط حضور و حق رای صاحبان سهام در مجامع عمومی .

ط - مقررات اساسنامه راجع به تقسیم سود و تشکیل اندوخته .

ی - مبلغ دیون شرکت و همچنین مبلغ دیون اشخاص ثالث که توسط شرکت تضمین شده است .

ک - ذکر نام روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه ها و آگهی های شرکت در آن درج می گردد.

ماده 295 - مرجع ثبت شرکتها پس از وصول مدارك مذکور در ماده قبل و تطبیق مندرجات آنها با مقررات این قانون تبدیل شرکت سهامی را به شرکت سهامی عام ثبت و مراتب را به هزینه شرکت آگهی خواهد نمود.



ماده 296 - در آگهی تبدیل شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون به شرکت سهامی عام باید کلیه مندرجات اعلامیه شرکت ذکر گردد و قید شود که اساسنامه شرکت و صورت دارائی شرکت و اموال منقول و غیرمنقول و آخرین ترازنامه و حساب سود و زیان آن در مرجع ثبت شرکتهای و در مرکز شرکت برای مراجعه علاقمندان آماده می باشد. آگهی تبدیل شرکت باید علاوه بر روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های شرکت در آن درج می گردد اقلاً در یک روزنامه کثیرالانتشار دیگر نیز آگهی شود.

ماده 297 - در مواردی که برای تطبیق وضع یک شرکت سهامی با مقررات این قانون یا تبدیل آن به نوع دیگری از انواع شرکتهای تجاری مذکور در قانون تجارت مصوب اردیبهشت 1311 دعوت مجمع عمومی عادی یا فوق العاده صاحبان سهام شرکت یا تسلیم اسناد و مدارک خاصی به مرجع ثبت شرکتهای لازم باشد و رئیس و اعضاء هیئت مدیره آن شرکت به دعوت مجمع عمومی عادی یا فوق العاده یا تسلیم آن اسناد و مدارک به مرجع ثبت شرکتهای اقدام نمایند به جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد و علاوه بر این متضامناً مسئول جبران خسارتی می باشند که بر اثر انحلال شرکت به صاحبان سهام و اشخاص ثالث وارد می شود.

ماده 298 - در مورد ماده 297 در صورتی که هر یک از اعضاء هیات مدیره قبل از انقضاء مهلت مقرر در جلسه هیئت مزبور صریحاً اعلام کند که باید به تکلیف قانونی عمل شود و به این اعلام از طرف سایر اعضاء هیئت مدیره توجه نشود، عضو هیئت مدیره که تکلیف قانونی را اعلام کرده است مسئولیت جزائی و مدنی نخواهد داشت. سلب مسئولیت جزائی و مدنی از عضو هیئت مدیره منوط به این است که عضو هیئت مدیره علاوه بر اعلام تکلیف قانونی در جلسه هیئت مدیره مزبور مراتب را از طریق ارسال اظهارنامه رسمی به هر یک از اعضاء هیئت مدیره اعلام نماید. در صورتی که جلسات هیئت مدیره به هر علت تشکیل نگردد اعلام از طریق ارسال اظهارنامه رسمی برای سلب مسئولیت جزائی و مدنی از عضو هیئت مدیره کافی است.

ماده 299 - آن قسمت از مقررات قانون تجارت مصوب اردیبهشت 1311 مربوط به شرکتهای سهامی که ناظر بر سایر انواع شرکتهای تجاری می باشد نسبت به آن شرکتهای به قوت خود باقی است.

ماده 300 - شرکتهای دولتی تابع قوانین تاسیس و اساسنامه خود می باشند و فقط نسبت به موضوعاتی که در قوانین و اساسنامه های آنها ذکر نشده تابع مقررات این قانون می شوند.

لایحه قانونی فوق مشتمل بر سیصد ماده و 28 تبصره در تاریخ روز شنبه بیست و چهارم اسفند ماه یکهزار و سیصد و چهل و هفت به استناد قانون اجازه اجرای موقت لایحه اصلاح قسمتی از قانون 1343 به تصویب کمیسیون خاص



مشترك مجلسين رسیده است .

رئيس مجلس شوراي ملي رئيس مجلس سنا

عبدالله رياضي جعفر شريف امامي

مبحث دوم - شرکت بامسئولیت محدود

ماده 94 - شرکت بامسئولیت محدود شرکتي است که بين دويچند نفر براي امور تجارتي تشكيل شده و هريک از شرکاء بدون اينکه سرمايه به سهام يا قطعات سهام تقسيم شده باشد فقط تا ميزان سرمايه خود در شرکت مسئول قروض و تعهدات شرکت است .

ماده 95 - در اسم شرکت بايد عبارت (بامسئولیت محدود) قيد شود و کلا آن شرکت در مقابل اشخاص ثالث شرکت تضامني محسوب و تابع مقررات آن خواهد بود.

اسم شرکت نبايد متضمن اسم هيچک از شرکاء باشد و کلا شرکتي که اسم او در اسم شرکت قيد شده در مقابل اشخاص ثالث حکم شريک ضامن در شرکت تضامني را خواهد داشت .

ماده 96 - شرکت بامسئولیت محدود وقتي تشكيل مي شود که تمام سرمايه نقدي تاديه و سهم الشرکه غير نقدي نيز تقديم و تسليم شده باشد.

ماده 97 - در شرکت نامه بايد صراحتاً قيد شده باشد که سهم الشرکه هاي غير نقدي هرآدم به چه ميزان تقويم شده است .

ماده 98 - شرکاء نسبت به قيمتي که در حين تشكيل شرکت براي سهم الشرکه هاي غير نقدي معين شده در مقابل اشخاص ثالث مسئولیت تضامني دارند.

ماده 99 - مرور زمان دعاوي ناشي از مقررات فوق ده سال از تاريخ تشكيل شرکت است .



ماده 100 - هر شرکت بامسئولیت محدود که برخلاف مواد 96 و 97 تشکیل شده باشد باطل و از درجه اعتبار ساقط است لیکن شرکاء در مقابل اشخاص ثالث حق استناد به این بطلان ندارند.

ماده 101 - اگر حکم بطلان شرکت به استناد ماده قبل صادر شود شرکائی که بطلان مستند به عمل آنها است و هیئت نظار و مدیرهائی که در حین حدوث سبب بطلان یا بلافاصله پس از آن به سرکار بوده و انجام وظیفه نکرده کنند در مقابل شرکاء دیگر و اشخاص ثالث نسبت به خسارات ناشیه از این بطلان متضامنا مسئول خواهند بود مدت مرور زمان ده سال از تاریخ حدوث موجب خواهند بود.

ماده 102 - سهم الشرکه که شرکاء نمی توانند به شکل اوراق تجاری قابل انتقال اعم از با اسم و یا بی اسم و غیره درآید سهم الشرکه را نمی توان منتقل به غیر نمود مگر با رضایت عده از شرکاء که لااقل سه ربع سرمایه متعلق به آنها بوده و اکثریت عددی نیز داشته باشند.

ماده 103 - انتقال سهم الشرکه بعمل نخواهد آمد مگر بموجب سند رسمی .

ماده 104 - شرکت بامسئولیت محدود بوسیله يك یا چند نفر مدیر موظف یا غیر موظف که از بین شرکاء یا از خارج برای مدت محدود یا نامحدود معین می شوند اداره می گردد.

ماده 105 - مدیران شرکت کلیه اختیارات لازمه را برای نمایندگی و اداره شرکت خواهند داشت مگر اینکه در اساسنامه غیر این ترتیب مقرر شده باشد هر قراردادی راجع به محدود کردن اختیارات مدیران که در اساسنامه تصریح به آن نشده در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان لم یکن است .

ماده 106 - تصمیمات راجع به شرکت باید به اکثریت لااقل نصف سرمایه اتخاذ شود ، اگر در دفعه اول این اکثریت حاصل نشد باید تمام شرکاء مجددا دعوت شوند در این صورت تصمیمات به اکثریت عددی شرکاء اتخاذ می شود اگرچه اکثریت مزبور دارای نصف سرمایه نباشد ، اساسنامه شرکت می تواند ترتیبی برخلاف مراتب فوق مقرر دارد.

ماده 107 - هر يك از شرکاء به نسبت سهمی که در شرکت دارد دارای رای خواهد بود مگر اینکه اساسنامه ترتیب دیگری مقرر داشته باشد.

ماده 108 - روابط بین شرکاء تابع اساسنامه است اگر در اساسنامه راجع به تقسیم نفع و ضرر مقررات خاصی نباشد تقسیم مزبور به نسبت سرمایه شرکاء بعمل خواهد آمد.

ماده 109 - هر شرکت بامسئولیت محدود که عده شرکاء آن بیش از دوازده نفر باشد باید دارای هیئت نظار بوده و



هیئت مزبور لااقل سالی يك مرتبه مجمع عمومي شركاء را تشكيل دهد. هیئت نظار باید بلافاصله بعد از انتخاب شدن تحقیق کرده و اطمینان حاصل کند که دستور مواد 96 و 97 رعایت شده است. هیئت نظار می تواند شرکاء را برای انعقاد مجمع عمومی فوق العاده دعوت نماید.

مقررات مواد 165 و 167 و 168 و 170 در مورد شرکت های بامسئولیت محدود نیز رعایت خواهد شد.

ماده 110 - شرکاء نمی توانند تبعیت شرکت را تغییر دهند مگر به اتفاق آراء.

ماده 111 - هر تغییر دیگری راجع به اساسنامه باید با اکثریت عددي شرکاء که لااقل سه ربع سرمایه را نیز دارا باشند بعمل آید مگر اینکه در اساسنامه اکثریت دیگری مقرر شده باشد.

ماده 112 - در هیچ مورد اکثریت شرکاء نمی تواند شریکی را مجبوره از دیاد سهم الشرکه خود کند.

ماده 113 - مفاد ماده 78 این قانون راجع به تشکیل سرمایه احتیاطی در شرکت های بامسئولیت محدود نیز لازم الرعایه است.

ماده 114 - شرکت بامسئولیت محدود در موارد ذیل منحل می شود:

الف - در مورد فقرات 1 و 2 و 3 ماده 93

ب - در صورت تصمیم عده از شرکاء که سهم الشرکه آنها بیش از نصف سرمایه شرکت باشد.

ج - در صورتی که بواسطه ضررهای و کرده نصف سرمایه شرکت از بین رفته و یکی از شرکاء تقاضای انحلال کرده و محکمه دلائل او را موجه دیده و سایر شرکاء حاضر نباشند سهمی را که در صورت انحلال به او تعلق می گیرد پرداخته و او را از شرکت خارج کنند.

د - در مورد فوت یکی از شرکاء اگر بموجب اساسنامه پیش بینی شده باشد.

ماده 115 - اشخاص ذیل کلا هب رد ار محسوب می شوند :

الف - موسسین و مدیرانی که برخلاف واقع پرداخت تمام سهم الشرکه نقدی و تقویم و تسلیم سهم الشرکه غیر نقدی را در اوراق و اسنادی که باید برای ثبت شرکت بدهند اظهار کرده باشند.



- ب - کسانی که به وسایل متقلبانه سهم الشرکه غیرنقدی را بیش از قیمت واقعی آن تقویم کرده باشند.
- ج - مدیرانی که بانبودن صورت دارائی یا به استناد صورت دارائی مزور منافع موهومی را بین شرکاء تقسیم کنند.

مبحث سوم - شرکت تضامنی

ماده 116 - شرکت تضامنی شرکتی است که در تحت اسم مخصوص برای امور تجاری بین دو یا چند نفر با مسئولیت تضامنی تشکیل می شود -

اگر دارائی شرکت برای تادیه تمام قروض کافی نباشد هر يك از شرکاء مسئول پرداخت تمام قروض شرکت است .
قراری که بین شرکاء برخلاف این ترتیب داده شده باشد در مقابل اشخاص کان لم یکن خواهد بود.

ماده 117 - در اسم شرکت تضامنی باید عبارت (شرکت تضامنی) و لاقلاً اسم يك نفر از شرکاء ذکر شود. در صورتی که اسم شرکت مشتمل بر اسمی تمام شرکاء نباشد باید بعد از اسم شریك یا شرکائی که ذکر شده است عبارتی از قبیل (و شرکاء) یا (و برادران) قید شود.

ماده 118 - شرکت تضامنی وقتی تشکیل می شود که تمام سرمایه نقدی تادیه و سهم الشرکه غیرنقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد.

ماده 119 - در شرکت تضامنی منافع به نسبت سهم الشرکه بین شرکاء تقسیم می شود مگر آنکه شرکت نامه غیر از این ترتیب را مقرر داشته باشد.

ماده 120 - در شرکت تضامنی شرکاء باید لاقلاً يك نفر از میان خود یا از خارج بسمت مدیری معین نمایند.

ماده 121 - حدود مسئولیت مدیر یا مدیران شرکت تضامنی همان است که در ماده 51 مقرر شده.

ماده 122 - در شرکتهای تضامنی اگر سهم الشرکه يك یا چند نفر غیرنقدی باشد باید سهم الشرکه مزبور قباله تراصی تمام شرکاء تقویم شود.



ماده 123 - در شرکت تضامنی هیچک از شرکاء نمی توکنند سهم خود را به دیگری منتقل کنند مگر به رضایت تمام شرکاء.

ماده 124 - مادام که شرکت تضامنی منحل نشده مطالبه قروض آن باید از خود شرکت به عمل آید و پس از انحلال طلبکاران شرکت می توکنند برای وصول مطالبات خود به هر یک از شرکاء که بخواهند و بابه تمام آنها رجوع کنند ، در هر حال هیچک از شرکاء نمی توانند به استناد اینکه میزان قروض شرکت از میزان سهم او در شرکت تجاوز می نماید از تادیه قروض شرکت امتناع ورزد. فقط در روابط بین شرکاء مسئولیت هر یک از آنها در تادیه قروض شرکت به نسبت سرمایه خواهد بود که در شرکت گذاشته است آنها در صورتی که در شرکت نامه ترتیب دیگری اتخاذ نشده باشد.

ماده 125 - هر کس بعنوان شریک ضامن در شرکت تضامنی موجودی داخل شود متضامناً با سایر شرکاء مسئول قروضی هم خواهند بود که شرکت قبل از ورود او داشته اعم از اینکه در اسم شرکت تغییری داده شده یا نشده باشد. هر قدری که بین شرکاء برخلاف این ترتیب داده شده باشد در مقابل اشخاص ثالث کان لم یکن خواهد بود.

ماده 126 - هرگاه شرکت تضامنی منحل شود مادام که قروض شرکت از دارائی آن تادیه نشده هیچک از طلبکاران شخصی شرکاء حقی در آن دارائی نخواهد داشت . اگر دارائی شرکت برای پرداخت قروض آن کفایت نکند طلبکاران شرکت حق دارند بقیه طلب خود را از تمام یا فرد فرد شرکاء ضامن مطالبه کنند ولی در این مورد طلبکاران شرکت بر طلبکاران شخصی شرکاء حق تقدم نخواهند داشت .

ماده 127 - به ورشکستگی شرکت تضامنی بعد از انحلال نیز می توان حکم داد مشروط به اینکه دارائی شرکت تقسیم نشده باشد.

ماده 128 - ورشکستگی شرکت ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکاء و ورشکستگی بعضی از شرکاء ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکت ندارد.

ماده 129 - طلبکاران شخصی شرکاء حق ندارند طلب خود را از دارائی شرکت تامین یا وصول کنند ولی می توانند نسبت به سهمیه مدیون خود از منافع شرکت سهمی که در صورت انحلال شرکت ممکن است به مدیون مزبور تعلق گیرد هر اقدام قانونی که مقتضی باشد بعمل آورند.

طلبکاران شخصی شرکاء در صورتی که نتوانسته باشند طلب خود را از دارائی شخصی مدیون خود وصول کنند و سهم مدیون از منافع شرکت کافی برای تادیه طلب آنها باشد می توانند انحلال شرکت را تقاضا نمایند (اعم از اینکه شرکت



برای مدت محدود یا غیرمحدود تشکیل شده باشد (مشروط بر اینکه لااقل ششماه قبل قصد خود را به وسیله اظهارنامه رسمی به اطلاع شرکت رسانیده باشند در این صورت شرکت یا بعضی از شرکاء می توانند مادام که حکم نهائی انحلال صادر نشده با تادیه طلب دائنین مزبور تا حد دارائی مدیون در شرکت یا با جلب رضایت آنان بطریق دیگر از انحلال شرکت جلوگیری کنند.

ماده 130 - نه مدیون شرکت می تواند در مقابل طلبی که ممکن است از یکی از شرکاء داشته باشد استناد به تهاتر کند نه خود شریک می تواند در مقابل قرضی طلبکار او به شرکت داشته باشد به تهاتر استناد نماید. معذک کسی که طلبکار شرکت و مدیون به یکی از شرکاء بوده و پس از انحلال شرکت طلب او را وصول مکنده در مقابل آن شریک حق استناد به تهاتر خواهد داشت.

ماده 131 - در صورت ورشکستگی یکی از شرکاء و همچنین در صورتی که یکی از طلبکاران شخصی یکی از شرکاء بموجب ماده 129 انحلال شرکت را تقاضا کرد سایر شرکاء می توانند سهمی آن شریک را از دارائی شرکت نقدا تادیه کرده و او را از شرکت خارج کنند.

ماده 132 - اگر در نتیجه ضررهای و کرده سهم الشریکه شرکاء کم شود مادام که این کمبود جبران نشده تادیه هر نوع منفعت به شرکاء ممنوع است .

ماده 133 - جز در مورد فوق هیچک از شرکاء را شرکت نمی تواند تکمیل سرمایه که بعلت ضررهای و کرده کم شده است ملزم کرده و یا او را مجبور نماید بیش از آنچه که در شرکت نامه مقرر شده است به شریک سرمایه دهد.

ماده 134 - هیچ شریکی نمی تواند بدون رضایت سایر شرکاء (بحساب شخص خود یا بحساب شخص ثالث) تجارتي از نوع تجارت شرکت نموده و بعنوان شریک ضامن یا شریک بامسئولیت محدود در شرکت دیگری که نظیر آن تجارت را دارد داخل شود.

ماده 135 - هر شرکت تضامنی می تواند با تصویب تمام شرکاء به شرکت سهامی مبدل گردد در این صورت رعایت تمام مقررات راجعه به شرکت سهامی حتمی است .

ماده 136 - شرکت تضامنی در موارد ذیل منحل می شود :

الف - در مورد فقرات 1 و 2 و 3 ماده 93

ب - در صورت تراصی تمام شرکاء



ج - در صورتی که یکی از شرکاء به دلائل انحلال شرکت را از محکمه تقاضا نماید و محکمه آن دلائل را موجه دانسته حکم به انحلال بدهد.

د - در صورت فسخ یکی از شرکاء مطابق ماده 137

ه - در صورت ورشکستگی یکی از شرکاء مطابق ماده 138

و - در صورت فوت یا محجوریت یکی از شرکاء مطابق مواد 139 و 140

تبصره - در مورد بند "ج" هرگاه دلائل انحلال منحصر مربوط به شریک یا شرکاء معین باشد محکمه می تواند به تقاضای سایر شرکاء بجای انحلال حکم اخراج آن شریک یا شرکای معین را بدهد.

ماده 137 - فسخ شرکت در صورتی ممکن است که در اساسنامه این حق از شرکاء سلب نشده و ناشی از قصد اضرائر نباشد تقاضای فسخ باید ششماه قبل از فسخ کتبا به شرکاء اعلام شود. اگر موافق اساسنامه باید سال به سال به حساب شرکت رسیدگی شود فسخ در موقع ختم محاسبه سالیانه بعمل می آید.

ماده 138 - در مورد ورشکستگی یکی از شرکاء انحلال وقتی صورت می گیرد که مدیر تصفیه کتبا تقاضای انحلال شرکت را نموده و از تقاضای مزبور شش ماه گذشته و شرکت مدیر تصفیه را از تقاضای انحلال منصرف نکرده باشد.

ماده 139 - در صورت فوت یکی از شرکاء بقاء شرکت موقوف به رضایت سایر شرکاء و قائم مقام متوفی خواهد بود. اگر سایر شرکاء به بقاء شرکت تصمیم نموده باشند قائم مقام متوفی باید یک ماه از تاریخ فوت رضایت یا عدم رضایت خود را راجع به بقاء شرکت کتبا اعلام نماید در صورتی که قائم مقام متوفی رضایت خود را اعلام نمود نسبت به اعمال شرکت در مدت مزبور از نفع و ضرر شریک خواهد بود ولی در صورت اعلام عدم رضایت در منافع حاصله در مدت مذکور شریک بوده و نسبت به ضرر آن مدت سهم نخواهد بود. سکوت تا انقضای یکماه در حکم اعلام رضایت است .

ماده 140 - در مورد محجوریت یکی از شرکاء مطابق مدلول ماده فوق عمل خواهد شد.

مبحث چهارم - در شرکت مختلط غیر سهامی



ماده 141 - شرکت مختلط غیرسهامي شرکتي است که براي امور تجارتي در تحت اسم مخصوصي بين يك يا چند نفر شريك ضامن ويك يا چند نفر شريك با مسئوليت محدود بدون انتشار سهام تشكيل مي شود. شريك ضامن مسئول کليه قروضي است که ممکن است علاوه بر دارائي شرکت پيدا شود شريك با مسئوليت محدود کسي است که مسئوليت اوفقط تامينان سرمايه ايست که در شرکت گذرده و يا بايستي بگ ذکرد. در اسم شرکت بايد عبارت (شرکت مختلط) و لااقل اسم يکي از شرکاء ضامن قيد شود.

ماده 142 - روابط بين شرکاء با رعايت مقررات ذيل تابع شرکت نامه خواهد بود.

ماده 143 - هريك از شرکاء با مسئوليت محدود که اسمش جزء اسم شرکت باشد در مقابل طلبکاران شرکت شريك ضامن محسوب خواهد شد. هر قراري که برخلاف اين ترتيب بين شرکاء داده شده باشد در مقابل اشخاص ثالث بي اثر است .

ماده 144 - اداره شرکت مختلط غيرسهامي بعهده شريك يا شرآي ضامن و حدود اختيارات آنها همان است که در مورد شرکاء شرکت تضامني مقرر است .

ماده 145 - شريك با مسئوليت محدود نه بعنوان شريك حق اداره کردن شرکت را در کدرنه اداره امور شرکت از وظيف او است .

ماده 146 - اگر شريك با مسئوليت محدود معامله اي براي شرکت کند در مورد تعهدات ناشيه از آن معامله در مقابل طرف معامله حکم شريك ضامن را خواهد داشت مگر اينکه تصريح کرده باشد معامله را به سمت وکالت از طرف شرکت انجام مي دهد.

ماده 147 - هر شريك با مسئوليت محدود حق نظارت در امور شرکت داشته و مي تواند از روي دفاتر و اسناد شرکت براي اطلاع شخص خود راجع به وضعيت مالي شرکت صورت خلاصه ترتيب دهد. هر قراردادي که بين شرکاء برخلاف اين ترتيب داده شود از درجه اعتبار ساقط است .

ماده 148 - هيچ شريك با مسئوليت محدود نمي تواند بدون رضاي ساير شرکاء شخص ثالثي را با انتقال تمام يا قسمتي از سهم الشرکه خود به او داخل در شرکت کند.

ماده 149 - اگر يك يا چند نفر از شرکاء با مسئوليت محدود حق خود را در شريك بدون اجازه سايرين کلا يا بعضا به شخص ثالثي واگذار نمايند شخص مزبور نه حق دخالت در اداره شرکت و نه حق تفتيش در امور شرکت را خواهد داشت .



ماده 150 - در مورد تعهداتی که شرکت مختلط غیر سهامی ممکن است قبل از ثبت شرکت کرده باشد شریک بامسئولیت محدود در مقابل اشخاص ثالث در حکم شریک ضامن خواهد بود مگر ثابت نماید که اشخاص مزبور از محدود بودن مسئولیت او اطلاع داشته کند.

ماده 151 - شریک ضامن را وقتی می توان شخص برای قروض شرکت تعقیب نمود که شرکت منحل شده باشد.

ماده 152 - هرگاه شرکت بطریقی غیر از ورشکستگی منحل شود و شریک با مسئولیت محدود هنوز تمام یا قسمتی از سهم الشرکه خود را نپداخته و یا پس از تادیه مسترد داشته است طلبکاران شرکت حق دارند معادل آنچه که از بابت سهم الشرکه باقی مانده است مستقیماً بر علیه شریک بامسئولیت محدود اقدام دعوی نمایند. اگر شرکت ورشکست شود حق مزبور را مدیر تصفیه خواهد داشت .

ماده 153 - اگر در نتیجه قرارداد با شرکاء ضامن و یا در اثر برداشت قبلی از سرمایه شرکت بامسئولیت محدود از سهم الشرکه خود که به ثبت رسیده است بکاهد این تقلیل مادام که به ثبت نرسیده و بر طبق مقررات راجعه به نشر شرکتها منتشر نشده است در مقابل طلبکاران شرکت معتبر نبوده و طلبکاران مزبور می توانند برای تعهداتی که از طرف شرکت قبل از ثبت و انتشار تقلیل سرمایه بعمل آمده است تادیه همان سرمایه اولیه شریک بامسئولیت محدود را مطالبه نمایند.

ماده 154 - به شریک بامسئولیت محدود فرع نمی توان داد مگر در صورتی موجب کسر سرمایه او در شرکت نشود اگر در نتیجه ضررهای و کرده سهم الشرکه شریک بامسئولیت محدود کسر شده مادام که این کمبود جبران نشده تادیه هر ربح یا منفعتی به او ممنوع است . هرگاه وجهی برخلاف حکم فوق تادیه گردید شریک بامسئولیت محدود تا معادل وجه دریافتی مسئول تعهدات شرکت است مگر در موردی که با حسن نیت و به اعتبار بیلان مرتبی وجهی گرفته باشد.

ماده 155 - هر کس بعنوان شریک بامسئولیت محدود در شرکت مختلط غیر سهامی موجودی داخل شود تا معادل سهم الشرکه خود مسئول قروضی خواهد بود که شرکت قبل از ورود او داشته خواه اسم شرکت عوض شده یا نشده باشد. هر شرطی که برخلاف این ترتیب باشد در مقابل اشخاص ثالث کان لم یکن خواهد بود.

ماده 156 - اگر شرکت مختلط غیر سهامی ورشکست شود دارائی شرکت بین طلبکاران خود شرکت تقسیم شده و طلبکاران شخصی شرکاء در آن حقی ندارند ، سهم الشرکه شرکاء با مسئولیت محدود نیز جزو دارائی شرکت نیز محسوب است .



ماده 157 - اگر دارائی شرکت برای تادیه تمام قروض آن کافی نباشد طلبکاران آن حق دارند بقیه طلب خود را از دارائی شخصی تمام یا هر یک از شرکاء ضامن وصول کنند در این صورت بین طلبکاران شرکت و طلبکاران شخصی شرکاء ضامن تفاوتی نخواهد بود.

ماده 158 - در صورت ورشکستگی یکی از شرکاء بامسئولیت محدود خود شرکت یا طلبکاران آن با طلبکاران شخصی شریک مزبور متساوی الحقوق خواهند بود.

ماده 159 - مقررات مواد 129 و 130 در شرکتهای مختلط غیر سهامی نیز لازم الرعایه است .

ماده 160 - اگر شریک ضامن بیش از یک نفر باشد مسئولیت آنها در مقابل طلبکاران و روابط آنها با یکدیگر تابع مقررات راجع به شرکتهای تضامنی است .

140 در مورد شرکتهای مختلط غیر سهامی ، 139 ، 138 ، 137 ، ماده 161 - مقررات مواد 136 نیز جاری است .

مرگ یا محجوریت یا ورشکستگی شریک یا شرکاء بامسئولیت محدود موجب انحلال شرکت نمی شود.

مبحث پنجم

شرکت مختلط سهامی

ماده 162 - شرکت مختلط سهامی شرکتی است که در تحت اسم مخصوصی بین یک عدد شرکاء سهامی و یک یا چند نفر شریک ضامن تشکیل می شود.

شرکاء سهامی آسانی هستند که سرمایه آنها بصورت سهام یا قطعات سهام متساوی القیمه در آمده و مسئولیت آنها تا میزان همان سرمایه است که در شرکت دارند.

شریک ضامن کسی است که سرمایه او بصورت سهام در نیامده و مسئول کلیه قروضی است که



ممکن است علاوه بردارائی شرکت پیدا شود در صورت تعدد شریک ضامن مسئولیت آنها در مقابل طلبکاران و روابط آنها با یکدیگر تابع مقررات شرکت تضامنی خواهد بود.

ماده 163 - در اسم شرکت باید عبارت (شرکت مختلط) (و لا اقل اسم یکی از شرکاء ضامن قید شود.

ماده 164 - مدیریت شرکت مختلط سهامی مخصوص به شریک یا شرکاء ضامن است .

ماده 165 - در هر یک از شرکت‌های مختلط سهامی هیئت لاقل مرآب از سه نفر از شرکاء برقرار می

شود و این هیئت را مجمع عمومی شرکاء بلافاصله بعد از تشکیل قطعی شرکت و قبل از هر اقدامی

در امور شرکت معین می کند ، انتخاب هیئت بر حسب شرائط مقرر در اساسنامه شرکت

تجدید می شود و در هر صورت اولین هیئت نظار برای یکسال انتخاب خواهد شد.

ماده 166 - اولین هیئت نظار باید بعد از انتخاب شدن بلافاصله تحقیق و اطمینان حاصل کند که تمام

50 این قانون رعایت شده است . ، 41 ، 38 ، 29 ، مقررات مواد 28

ماده 167 - اعضاء هیئت نظار از جهت اعمال اداری و نتایج حاصله از آن هیچ مسئولیتی ندارند لیکن

هریک از آنها در انجام ماموریت خود بر طبق قوانین معموله مملکتی مسئول اعمال و تقصیرات خود می

باشند.

ماده 168 - اعضاء هیئت نظار دفاتر و صندوق و کلیه اسناد شرکت را تحت تدقیق در آورده همه ساله

راپرتی به مجمع عمومی می دهند و هرگاه در تنظیم صورت دارائی بی ترتیبی و خطائی مشکهده

نماینده در راپرت مذکور ذکر نموده و اگر مخالفتی با پیشنهاد مدیر شرکت در تقسیم منافع داشته

باشند دلائل خود را بیان می کنند.

ماده 169 - هیئت نظار می توکند شرکاء را برای انعقاد مجمع عمومی دعوت نماید و با موافقت رای



مجمع مزبور برطبق فقره (ب) ماده 181 شرکت را منحل کند.

ماده 170 - تاپانزده روز قبل از انعقاد مجمع عمومی هر صاحب سهمی می تواند (خود یا نماینده او) در مرکز اصلی شرکت حاضر شده از صورت بیلان و صورت دارائی و راپورت هیئت نظار اطلاع حاصل کند.

ماده 171 - ورشکستگی هیچیک از شرکاء ضامن موجب انحلال شرکت نخواهد شد مگر در مورد ماده 138.

ماده 172 - حکم مواد 124 و 134 در مورد شرکت مختلط سهامی و شرکاء ضامن آن جاری است .

ماده 173 - هرگاه شرکت مختلط سهامی ورشکست شود شرکاء سهامی تمام قیمت سهام خود را پرداخته باشند مدیر تصفیه آنچه را که بر عهده آنها باقی است وصول می کند.

ماده 174 - اگر شرکت بطریقی غیر از ورشکستگی منحل شده و هیچیک از طلبکاران شرکت می تواند بهریک از شرکاء سهامی که از بابت قیمت سهام خود مدیون شرکت است رجوع کرده در حدود بدهی آن شریک طلب خود را مطالبه نمایند مادام که شرکت منحل نشده طلبکاران برای وصول طلب خود حق رجوع به هیچیک از شرکاء سهامی ندارند.

ماده 175 - اگر شرکت مختلط ورشکست شد تا قروض شرکت از دارائی آن تادیه نشده طلبکاران شخصی شرکاء ضامن حقی به دارائی شرکت ندارند.

50 شامل شرکت مختلط سهامی است . ، 41 ، 39 ، 38 ، 29 ، ماده 176 - مفاد مواد 28

50 تشکیل شود باطل ، 39 ، 29 ، ماده 177 - هر شرکت مختلط سهامی که برخلاف مواد 28

است لیکن شرکاء نمی توانند در مقابل اشخاص خارج به این بطلان استناد نمایند.



ماده 178 - هرگاه شرکت برحسب ماده قبل محکوم به بطلان شود مطابق ماده

101 رفتار خواهد شد.

87 این قانون در شرکتهای مختلط نیز باید رعایت شود. ، 86 ، 85 ، ماده 179 - مفاد مواد 84

91 ، و 92 این قانون در مورد شرکت مختلط نیز لازم الرعایه است. ، 90 ، ماده 180 - مفاد مواد 89

ماده 181 - شرکت مختلط در موارد ذیل منحل می شود -

3 ماده 93 (ب) (برحسب تصمیم مجمع عمومی در صورتی که در ، 2 ، (الف) (در مورد فقرات 1

اساسنامه این حق برای مجمع مذکور تصریح شده باشد (ج) (برحسب تصمیم مجمع عمومی

ورضایت شرکاء ضامن (د) (در صورت فوت یا محجوریت یکی از شرکاء ضامن مشروط بر این که انحلال

شرکت در این مورد در اساسنامه تصریح شده باشد.

در مورد فقرات (ب) (و) (ج) (حکم ماده 72 جاری است .

ماده 182 - هرگاه در اساسنامه برای مجمع عمومی حق تصمیم به انحلال معین نشده و بین

مجمع عمومی و شرکاء ضامن راجع به انحلال موافقت حاصل نشود و محکمه دلائل طرفداران انحلال

راموجه ببیند حکم به انحلال خواهد داد. همین حکم در موردی نیز جاری است که یکی از شرکاء ضامن

به دلائلی انحلال شرکت را از محکمه تقاضا نموده و محکمه آن دلائل راموجه به بیند.

مبحث ششم

شرکت نسبی

ماده 183 - شرکت نسبی شرکتی است که برای امور تجاری در تحت اسم مخصوص بین

دو یا چند نفر تشکیل و مسئولیت هر یک از شرکاء به نسبت سرمایه ای است که در شرکت گذاشته .



- ماده 184 - در اسم شرکت نسبی عبارت (شرکت نسبی (ولاقلاً اسم یک نفر از شرکاء باید ذکر شود در صورتی که اسم شرکت مشتمل بر اسمی تمام شرکاء نباشد بعد از اسم شریک یا شرآائی که ذکر شده عبارتی از قبل " شرکاء " و " برادران " ضروری است .
- 123 در مورد شرکت نسبی برای تادیه ، 122 ، 121 ، 120 ، 119 ، ماده 185 - دستور ماده 118 تمام قروض شرکت کافی نباشد هر یک از شرکاء به نسبت سرمایه که در شرکت داشته مسئول تادیه قروض شرکت است .
- ماده 187 - مادام که شرکت نسبی منحل نشده مطالبه قروض آن باید از خود شرکت بعمل آید فقط پس از انحلال طلبکاران می توانند با رعایت ماده فوق به فرد فرد شرکاء مراجعه کنند.
- ماده 188 - هر کس بعنوان شریک ضامن در شرکت نسبی موجودی داخل شود به نسبت سرمایه که در شرکت می گ ذکر د مسئول قروضی هم خواهد بود که شرکت قبل از ورود او داشته اعم از اینکه در اسم شرکت تغییری داده شده باشد یا نشده باشد قرار شرکاء برخلاف این ترتیب نسبت به اشخاص ثالث اثر ندارد.
- ماده 189 - مفاد ماده 126 (جز مسئولیت شرکاء که به نسبت سرمایه آنها است (و مواد 127 و 136 در شرکتهای نسبی نیز جاری است .

مبحث هفتم

شرکتهای تعاونی تولید و مصرف

- ماده 190 - شرکت تعاونی تولید شرکتی است که بین عده از ارباب حرف تشکیل می شود و شرکاء مشاغل خود را برای تولید و فروش اشیاء یا اجناس بکار می برند.



ماده 191 - اگر در شرکت تولیدی تعداد شرکاء در خدمت دائمی شرکت نبوده یا از کهل حرفه که موضوع عملیات شرکت است نباشند لااقل دوثلث اعضاء اداره کننده شرکت باید از شرآائی انتخاب شوند که حرفه آنها موضوع عملیات شرکت است .

ماده 192 - شرکت تعاونی مصرف شرکتی است که برای مقاصد ذیل تشکیل می شود -

1 - فروش اجناس لازمه برای مصارف زندگانی اعم از اینکه اجناس مزبوره را شرکاء ایجاد کرده یا خریده باشند.

2 - تقسیم نفع و ضرر بین شرکاء به نسبت خرید هر یک از آنها.

ماده 193 - شرکت تعاونی اعم از تولیدی یا مصرف ممکن است مطابق اصول شرکت سهامی یا بر طبق مقررات مخصوصی که با تراضی شرکاء ترتیب داده شده باشد تشکیل بشود ولی در هر حال مفاد مواد 32 و 33 لازم الرعایه است .

ماده 194 - در صورتی که شرکت تعاونی تولیدی یا مصرف مطابق اصول شرکت سهامی تشکیل شود حداقل سهام یا قطعات سهام ده ریال خواهد بود و هیچیک از شرکاء نمی توانند در مجمع عمومی بیش از یک رای داشته باشد.

فصل دوم

در مقررات راجعه به ثبت شرکتهای و نشر شرکتنامه ها

ماده 195 - ثبت کلیه شرکتهای مذکور در این قانون الزامی و تابع جمیع مقررات قانون ثبت شرکتهای است .

ماده 196 - اسناد و نوشتجاتی که برای به ثبت رسانیدن شرکت لازم است در نظامنامه وزارت



عدلیه معین می شود.

ماده 197 - در ظرف ماه اول تشکیل هر شرکت خلاصه شرکت نامه و منضمات آن طبق نظامنامه وزارت عدلیه اعلان خواهد شد.

ماده 198 - اگر به علت عدم رعایت دستور و ماده فوق بطلان عملیات شرکت اعلام شده چیک از شرکاء نمی توانند بطلان را در مقابل اشخاص ثالثی که با آنها معامله کرده کند عذر قرار دهند.

197 بایده ، ماده 199 - هرگاه شرکت در چندین حوزه شعبه داشته باشد مقررات مواد 195 قسمی که در نظامنامه وزارت عدلیه معین می شود در هر حوزه جداگانه انجام گردد.

ماده 200 - در هر موقع که تصمیماتی برای تغییر اساسنامه شرکت یا تمدید مدت شرکت زائد بر مدت مقرری انحلال شرکت (حتی در مواردی که انحلال به واسطه انقضای مدت شرکت صورت می گیرد) تعیین آفیت تفریح حساب یا تبدیل شرکاء یا خروج بعضی از آنها از شرکت یا تغییر اسم شرکت اتخاذ شود مقررات مواد 195 و 197 لازم الرعایه است .

همین ترتیب در موقع هر تصمیمی که نسبت به مورد معین در ماده 79 این قانون اتخاذ می شود رعایت خواهد شد.

ماده 201 - در هر گونه اسناد و صورت حسابها و اعلانات و نشریات و غیره که بطور خطی یا چاپی از طرف شرکت های مذکور در این قانون به استثنای شرکتهای تعاونی صادر می شود سرمایه شرکت صریحاً باید ذکر گردد و اگر تمام سرمایه پرداخته نشده قسمتی که پرداخته شده نیز باید صریحاً معین شود شرکت متخلف به جزای نقدی از دویست تا سه هزار ریال محکوم خواهد شد.

تبصره - شرکتهای خارجی نیز که بوسیله شعبه یا نماینده در ایران اشتغال به تجارت



دارند در مورد اسناد و صورت حسابها و اعلانات و نشریات خود در ایران مشمول مقررات این ماده خواهند بود.

فصل سوم

در تصفیه امور شرکتها

ماده 202 - تصفیه امور شرکتها پس از انحلال موافق مواد ذیل خواهد بود مگر در مورد ورشکستگی که تابع مقررات مربوطه به ورشکستگی است .

ماده 203 - در شرکتهای تضامنی و نسبی و مختلط سهامی و غیر سهامی امر تصفیه بامدیروا مدیران شرکت است مگر آنکه شرکاء ضامن اشخاص دیگری را از خارج یا از بین خود برای تصفیه معین نمایند.

ماده 204 - اگر از طرف يك يا چند شريك ضامن تعيين اشخاص مخصوص براي تصفیه تقاضا شد و سایر شرکاء ضامن آن تقاضا را نپذیرفتند محکمه بدایت اشخاصی را برای تصفیه معین خواهد کرد.

ماده 205 - در هر مورد که اشخاصی غیر از مدیران شرکت برای تصفیه معین شوند اسامی آنها باید در اداره ثبت اسناد ثبت و اعلان گردد.

ماده 206 - در شرکتهای مختلط (سهامی و غیر سهامی) شرکاء غیر ضامن حق دارند يك يا چند نفر براي نظارت در امور تصفیه معین نمایند.

ماده 207 - وظیفه متصدیان تصفیه خاتمه دادن بکارهای جاری و اجرای تعهدات و وصول مطالبات

212. - 211 - 210 - 209 - و تقسیم دارائی شرکت است به ترتیب مقرر در مواد 208



ماده 208 - اگر برای اجرای تعهدات شرکت معاملات جدیدی لازم شود متصدیان تصفیه انجام خواهند داد.

ماده 209 - متصدیان تصفیه حق دارند مشخصاً به توسط وکیل از طرف شرکت محالمة کنند.

ماده 210 - متصدی تصفیه وقتی حق اصلاح و تعیین حکم دارد که شرکاء ضامن به اواز داده باشند ، مواردی که به حکم قانون حکمیت اجباری است از این قانون مستثنی است .

ماده 211 - آن قسمت از دارائی شرکت که در مدت تصفیه محل احتیاج نیست بطور موقت بین شرکاء تقسیم می شود ولی متصدیان تصفیه باید معادل قروضی که هنوز موعود تادیه آن نرسیده است و همچنین معادل مبلغی که در حساب بین شرکاء مورد اختلاف است موضوع نمایند.

ماده 212 - متصدیان تصفیه حساب شرکاء را نسبت به هم و سهم هر یک از شرکاء را از نفع و ضرر معین می کنند ، رفع اختلاف در تقسیم به محکمه بدایت رجوع می شود.

ماده 213 - در شرکت های سهامی و شرکت های بامسئولیت محدود و شرکت های تعاونی امر تصفیه بعهده مدیران شرکت است مگر آنکه اساسنامه یا اکثریت مجمع عمومی شرکت به ترتیب دیگری مقرر داشته باشد.

ماده 214 - وظیفه و اختیارات متصدیان تصفیه در شرکت سهامی و شرکت های بامسئولیت محدود و تعاونی به ترتیبی است که در ماده 207 مقرر شده باین تفاوت که حق اصلاح و تعیین حکم برای متصدیان تصفیه این شرکتها (به استثنای مورد حکمیت اجباری) فقط وقتی خواهد بود که اساسنامه یا مجمع عمومی این حق را به آنها داده باشد.

ماده 215 - تقسیم دارائی شرکت های مذکور در ماده فوق بین شرکاء خوکه در ضمن مدت تصفیه



وخوکه پس از ختم آن ممکن نیست مگر آنکه قبلاسه مرتبه درمجله رسمي ويکي از جرايداعلان ويکسال از تاريخ انتشاراولين اعلان درمجله گذشته باشد.

ماده 216 - تخلف از ماده قبل متصديان تصفيه رامسئول خسارت طلبکاراني قرارخواهددادکه به طلب خودنرسیده کند.

ماده 217 - دفاترهر شرکتي که منحل شده بانظرمديرثبت اسناددرمحل معيني از تاريخ ختم تصفيه تاده سال محفوظ خواهدمکند.

ماده 218 - هر شرکتي مجازاست در اساسنامه خودبراي تصفيه ترتيب ديگري مقررداردولي

217 وقسمت اخير - 216 - 215 - 210 - 209 - 208 - درهرحال آن مقررات نبايدمخالف مواد 207 ماده 211 باشد.

فصل چهارم

مقررات مختلفه

ماده 219 - مدت مرورزمان دردعاوي اشخاص ثالث برعليه شرکاءيا وراث آنهاراجع به معاملات

شرکت (درمواردي که قانون شرکاءيا وراث آنها رامسئول قرارداده (بنج سال است .

مبداء مرورزمان روزي است که انحلال شرکت ياآناره گيري شريك يا اخراج اواز شرکت دراداره ثبت به ثبت رسیده ودرمجله رسمي اعلان شده باشد.

درصورتي که طلب پس ازثبت واعلان قابل مطالبه شده باشد مرورزمان از روزي شروع مي شودکه طلبکارحق مطالبه پيدا کرده .

تبصره - دعواني که سنخاتابع مرورزمان اوتکھتري بوده يابموجب اين قانون مرورزمان طولاني تري



برای آن معین شده از مقررات این ماده مستثی است .

ماده 220 - هر شرکت ایرانی که فعلا وجود داشته یا درآتی تشکیل شود یا اشتغال به امور تجاری خود را بصورت یکی از شرکتهای مذکور در این قانون در نیاورده و مطابق مقررات مربوط به آن شرکت عمل ننماید شرکت تضامنی محسوب شده و احکام راجع به شرکتهای تضامنی در مورد آن اجرامی گردد هر شرکت تجاری ایرانی مذکور در این قانون و هر شرکت خارجی که بر طبق قانون ثبت شرکتهای مصوب خرداد ماه 1310 مکلف به ثبت است باید کلیه اسناد و صورت حسابها و اعلانات و نشریات خطی و چاپی خود در ایران تصریح نماید که در تحت چه نمره در ایران به ثبت رسیده و کلام محکوم به جزای نقدی از دویست تا دوهزار ریال خواهد شد ، این مجازات علاوه بر مجازاتی است که در قانون ثبت شرکتهای برای عدم ثبت مقرر شده .

ماده 221 - اگر شرکت سهام یا اوراق استقراضی داشته باشد که مطابق اساسنامه شرکت یا تصمیم مجمع عمومی قیمت آنها بطریق قرعه باید تادیه شود و قبل از تادیه قیمت آن سهام یا اوراق منافع که به آنها تعلق گرفته پرداخته شده باشد شرکت در موقع تادیه اصل قیمت نمی توکند منافع تادیه شده را استرداد نماید.

ماده 222 - هر شرکت تجاری می توکند در اساسنامه خود قید کند که سرمایه اولیه خود را به وسیله تادیه اقساط بعدی از طرف شرکاء یا قبول شریک جدید زیاد کرده و یا به واسطه برداشت از سرمایه آن را تقلیل دهد در اساسنامه حداقلی که تا آن میزان می توان سرمایه اولیه را تقلیل داد صراحتا معین می شود. کمتر از عشر سرمایه اولیه شرکت را حداقل قرار دادن ممنوع است .

(باب چهارم)



برات - فته طلب - چك

فصل اول - برات

مبحث اول صورت برات

ماده 223 - برات علاوه بر امضاء یا مهر برات دهنده باید دارای شرایط ذیل باشد -

1 - قید آلمه (برات) در روی ورقه .

2 - تاریخ تحریر (روز و ماه و سال)

3 - اسم شخصی که باید برات را تادیه کند.

4 - تعیین مبلغ برات .

5 - تاریخ تادیه وجه برات .

6 - مکان تادیه وجه برات اعم از اینکه محل اقامت محال علیه باشد یا محل دیگر.

7 - اسم شخصی که برات در وجه یا حواله آرد او پرداخته می شود.

8 - تصریح به اینکه نسخه اول یا دوم یا سوم یا چهارم الخ است .

ماده 224 - برات ممکن است بحواله آرد شخص دیگر باشد یا بحواله آرد خود برات دهنده .

ماده 225 - تاریخ تحریر و مبلغ برات با تمام حروف نوشته می شود. اگر مبلغ بیش از یکدفعه به تمام

حروف نوشته شده و بین آنها اختلاف باشد مبلغ کمتر منطابق اعتبار است اگر مبلغ با حروف و رقم

هر دو نوشته شده و بین آنها اختلاف باشد مبلغ با حروف معتبر است .

7 - 6 - 5 - 4 - 3 - ماده 226 - در صورتی که برات متضمن یکی از شرایط اسکسی مقرر در فقرات 2

8 ماده 223 نباشد مشمول مقررات راجعه به بروات تجارتي نخواهد بود. -



ماده 227 - برات ممکن است به دستور و حساب شخص دیگری صادر شود.

مبحث دوم

در قبول و نکول

ماده 228 - قبولی برات در خود برات با قید تاریخ نوشته شده امضاء یا مهر می شود.

در صورتی که برات به وعده از رویت باشد تاریخ قبولی با تمام حروف نوشته خواهد شد.

اگر قبولی بدون تاریخ نوشته شد تاریخ برات تاریخ رویت حساب می شود.

ماده 229 - هر عبارتی که محال علیه در برات نوشته امضاء یا مهر کند قبولی محسوب است

مگر اینکه صریحاً عبارت مشعر بر عدم قبول باشد.

اگر عبارت فقط مشعر بر عدم قبول يك جزء از برات باشد بقیه وجه برات قبول شده محسوب است

در صورتی که محال علیه بدون تحریر هیچ عبارتی برات را امضاء یا مهر نماید برات قبول شده محسوب

می شود.

ماده 230 - قبول کننده برات ملزم است وجه آن را سرو عده تادیه نماید.

ماده 231 - قبول کننده حق نکول ندارد.

ماده 232 - ممکن است قبولی منحصر به يك قسمت از وجه برات باشد در این صورت دارنده برات

باید برای بقیه اعتراض نماید.

ماده 233 - اگر قبولی مشروط به شرط نوشته شد برات نکول شده محسوب می شود ولی

مع هذا قبول کننده به شرط در حدود شرطی که نوشته مسئول پرداخت وجه برات است .

ماده 234 - در قبولی براتی که وجه آن در خارج از محل اقامت قبول کننده باید تادیه شود تصریح به



مکان تادیه ضروري است .

ماده 235 - برات باید به محض ارائه یا منتهی در ظرف 24 ساعت از تاریخ ارائه قبول یا نكول شود.

ماده 236 - نكول برات باید بموجب تصدیق نامه که رسماً تنظیم می شود محقق گردد تصدیق نامه

مزبور موسوم است به اعتراض (پروتست) (نكول) .

ماده 237 - پس از اعتراض نكول ظهر نویسها و برات دهنده به تقاضای دارنده برات باید ضامنی برای

تادیه وجه آن در سرو عده بدهند یا وجه برات را به انضمام مخارج اعتراض نامه و مخارج برات رجوعی

(اگر باشد) فوراً تادیه نمایند.

ماده 238 - اگر بر علیه کسی که براتی را قبول کرده ولی وجه آن را نپرداخته اعتراض عدم تادیه

شود دارنده براتی نیز که همان شخص قبول کرده ولی هنوز موعد پرداخت آن نرسیده است می

تو کند از قبول کننده تقاضا نماید که برای پرداخت وجه آن ضامن دهد یا پرداخت آن را به خودیگری

تضمین کند.

مبحث سوم

در قبولی شخص ثالث

ماده 239 - هرگاه براتی نكول شد و اعتراض بعمل آمد شخص ثالثی می تو کند آنرا بنام برات دهنده

یا یکی از ظهر نویس ها قبول کند قبولی شخص ثالث باید در اعتراض نامه قید شده و به امضاء او برسد.

ماده 240 - بعد از قبولی شخص ثالث نیز تا برات تادیه نشده کلیه حقوقی که برای دارنده برات

از نكول آن در مقابل برات دهنده و ظهر نویسها حاصل می شود محفوظ خواهد بود.

مبحث چهارم



دروعه برات

ماده 241 - برات ممکن است به رویت باشد یا به وعده يك یا چندروز یا يك یا چندماه از رویت برات ،
یا به وعده يك یا چندروز یا يك یا چندماه از تاریخ برات ممکن است پرداخت به روزمعیني مآول شده
باشد.

ماده 242 - هرگاه برات بي وعده قبول شد باید فوراً پرداخته شود.

ماده 243 - موعده پرداخت براتی که يك یا چندروز یا يك یا چندماه از رویت وعده دارد به وسیله تاریخ
قبولی یا تاریخ اعتراض نامه نکول معین می شود.

ماده 244 - اگر موعده پرداخت برات باتعطیل رسمی تصادف آرد باید روز بعد از تعطیل تادیه شود.

تبصره - همین قاعده در مورد سایر اوراق تجارتي نیز رعایت خواهد شد.

مبحث پنجم

ظهنویسی

ماده 245 - انتقال برات به وسیله ظهنویسی بعمل می آید.

ماده 246 - ظهنویسی باید به امضاء ظهن نویس برسد ممکن است در ظهنویسی تاریخ واسم

کسی که برات به او انتقال داده می شود قید گردد.

ماده 247 - ظهنویسی حاکی از انتقال برات است مگر اینکه ظهن نویس و آالت در وصول راقید نموده

باشد که در این صورت انتقال برات واقع نشده ولی دارنده برات حق وصول ولدی کلاقتضاء حق

اعتراض و اقامه دعوی برای وصول خواهد داشت جز در مواردی که خلاف این در برات تصریح شده

باشد.



ماده 248 - هرگاه طهرنویس در طهرنویسی تاریخ مقدمی قید کند مزور شناخته می شود.

مبحث ششم

مسئولیت

ماده 249 - برات دهنده کسی که برات را قبول کرده و طهرنویسها در مقابل دارنده برات مسئولیت تضامنی دارند.

دارنده برات در صورت عدم تادیه و اعتراض می تواند بهر آدام از آنها که بخواهد منفرد یا به چند نفر یا به تمام آنها مجتمع رجوع نماید.

همین حق رکهریک از طهرنویسها نسبت به برات دهنده و طهرنویسهای ماقبل خود دارد.

اقامه دعوی بر علیه یک یا چند نفر از مسئولین موجب اسقاط حق رجوع به سایر مسئولین برات

نیست ، اقامه کننده دعوی ملزم نیست ترتیب طهرنویسی را از حیث تاریخ رعایت کند ضامنی که

ضمانت برات دهنده یا محال علیه یا طهرنویسی را کرده فقط با کسی مسئولیت تضامنی دارد که از او ضمانت نموده است .

ماده 250 - هر یک از مسئولین تادیه برات می تواند پرداخت را به تسلیم برات و اعتراضنامه و صورت حساب متفرعات و مخارج قانونی که باید بپردازد موأول کند.

ماده 251 - هرگاه چند نفر از مسئولین برات ورشکست شوند دارنده برات می تواند در هر یک

از غرمایا در تمام غرمایا برای وصول تمام طلب خود (وجه برات و متفرعات و مخارج قانونی) داخل

شود تا اینکه طلب خود را آلا وصول نماید مدیر تصفیه هیچیک از ورشکستگان نمی تواند برای وجهی

که به صاحب چنین طلب پرداخته می شود به مدیر تصفیه ورشکسته دیگر رجوع نماید مگر در صورتی



که مجموع وجوهی که از دارائی تمام ورشکستگان به صاحب طلب تخصیص می یابد بیش از میزان طلب او باشد در این صورت مازاد باید به ترتیب تاریخ تعهدتأمیزان وجهی که هرآدم پرداخته کند جزء دارائی ورشکستگان محسوب گردد که به سایر ورشکسته هاق رجوع دارند.

تبصره - مفاد این ماده در مورد ورشکستگی هرچند نفری نیز که برای پرداخت يك دين مسئولیت تضامنی داشته باشند مرعی خواهد بود.

مبحث هفتم

در پرداخت

ماده 252 - پرداخت برات بانوع پولی که درآن معین شده بعمل می آید.

ماده 253 - اگر دارنده برات به برات دهنده یا کسی که برات به او منتقل کرده است پولی غیر از آن نوع که در برات تعیین شده است بدهد و آن برات در نتیجه نکول یا امتناع از قبول و یا عدم تادیه اعتراض شود دارنده برات می تواند از دهنده برات یا انتقال دهنده نوع پولی را که داده یا نوع پولی که در برات معین شده مطالبه کند ولی از سایر مسئولین وجه برات جز نوع پولی که در برات معین شده قابل مطالبه نیست .

ماده 254 - برات به وعده باید روز آخر وعده پرداخته شود.

ماده 255 - روز رویت در برواتی که به وعده از رویت است و روز صدور برات در برواتی که به وعده از تاریخ صدور است حساب نخواهد شد.

ماده 256 - شخصی که وجه برات را قبل از موعد تادیه نموده در مقابل اشخاصی که نسبت به وجه برات حقی دارنده مسئول است .



ماده 257 - اگر دارنده برات به کسی که قبول نوشته مهلتی برای پرداخت بدهد به ظهرنویس های مقابل خود برات دهنده که به مهلت مزبور رضایت نداده کند حق رجوع نخواهد داشت .

ماده 258 - شخصی که در سر وعده وجه برات را می پردازد بری الذمه محسوب می شود مگر آنکه وجه برات قانوناً در نزد او توقیف شده باشد.

ماده 259 - پرداخت وجه برات ممکن است به موجب نسخه ثانی یا ثالث یا رابع الخ ، به عمل آید در صورتی که در روی آن نسخه قید شده باشد که پس از پرداخت وجه بموجب این نسخه نسخ دیگر از اعتبار ساقط است .

ماده 260 - شخصی که وجه برات را بر حسب نسخه پردازد که در روی آن قبولی نوشته نشده در مقابل شخصی که نسخه قبولی شده را دارد مسئول پرداخت وجه آن است .

ماده 261 - در صورت گم شدن براتی که هنوز قبول نشده است صاحب آن می تواند وصول وجه آن را بر حسب نسخه ثانی یا ثالث یا رابع الخ تقاضا کند.

ماده 262 - اگر نسخه مفقود نسخه باشد که قبولی در روی آن نوشته شده تقاضای پرداخت از روی نسخه های دیگر فقط بموجب امر محکمه پس از دادن ضامن بعمل می آید.

ماده 263 - اگر شخصی که برات را گم کرده اعم از این که قبولی نوشته شده یا نشده باشد می تواند نسخه ثانی یا ثالث یا رابع الخ را تحصیل نماید پس از اثبات اینکه برات متعلق به او است می تواند با دادن ضامن تادیه وجه آن را بموجب امر محکمه مطالبه کند.

ماده 264 - اگر با وجود تقاضائی که در مورد مواد 261 و 262 و 263 بعمل آمده است از تادیه وجه برات امتناع شود صاحب برات مفقود می تواند تمام حقوق خود را به موجب اعتراضنامه محفوظ بدارد.



ماده 265 - اعتراضنامه مذکور در ماده فوق باید در ظرف بیست و چهار ساعت از تاریخ وعده برات تنظیم شده و در موعد و ترتیبی که در این قانون برای ابلاغ اعتراضنامه معین شده است به برات دهنده و ظهرنویسها ابلاغ گردد

ماده 266 - صاحب برات مفقود برای تحصیل نسخه ثانی باید به ظهرنویسی که بلافاصله قبل از او بوده است رجوع نماید.

ظهرنویس مزبور ملزم است به صاحب برات اختیار مراجعه به ظهرنویس ماقبل خود داده و رکهنمایی کند و همچنین هر ظهرنویسی باید اختیار وجوه به ظهرنویس ماقبل خود بدهد تا به برات دهنده برسد ، مخارج این اقدامات بر عهده برات مفقود خواهد بود.

ظهرنویس در صورت امتناع از دادن اختیار مسئول تادیه وجه برات و خساراتی است که بر صاحب برات مفقود وارد شده است .

ماده 267 - در صورتی که ضامن برات مفقود (رجوع به مواد 262 و 263 (مدتی برای ضمانت خود معین نکرده باشد مدت ضمان سه سال است و هرگاه در ظرف این سه سال رسماً مطالبه یا اقامه دعوی نشده باشد دیگر از این حیث دعوی بر علیه او در محکمه مسموع نخواهد بود.

ماده 268 - اگر مبلغی از وجه برات پرداخته شود به همان اندازه برات - دهنده و ظهرنویسها بری می شوند و دارنده برات فقط نسبت به بقیه می تواند اعتراض کند.

ماده 269 - محامی نمی تواند بدون رضایت صاحب برات برای تادیه وجه برات مهلتی بدهد.

مبحث هشتم

تادیه وجه برات به واسطه شخص ثالث



ماده 270 - هر شخص ثالثی می تواند از طرف برات دهنده یا یکی از ظهرنویسها وجه برات اعتراض شده را کارسازی نماید دخالت شخص ثالث و پرداخت وجه باید در اعتراضنامه یادریل آن قید شود.

ماده 271 - شخص ثالثی که وجه برات را پرداخته دارای تمام حقوق وظایف دارنده برات است .

ماده 272 - اگر وجه برات را شخص ثالث از طرف برات دهند پرداخت تمام ظهرنویسهای الزمه می شوند و اگر پرداخت وجه از طرف یکی از ظهرنویسها بعمل آید ظهرنویس های بعد از او بری الزمه کند.

ماده 273 - اگر دو شخص متفقهریک از جانب یکی از مسئولین برات برای پرداخت وجه حاضر شوند پیشنهاد آن کسی پذیرفته است که تادیه وجه از طرف او عده زیادتري از مسئولین را بری الزمه می کند اگر خود محال علیه پس از اعتراض برای تادیه وجه حاضر شود بر هر شخص ثالثی ترجیح دارد.

مبحث نهم

حقوق و وظایف دارنده برات

ماده 274 - نسبت به برواتی که وجه آن باید در ایران به رویت یا به وعده از رویت تادیه شود اعم از اینکه برات در ایران صادر شده باشد یا در خارج دارنده برات مکلف است پرداخت یا قبولی آن را در ظرف یکسال از تاریخ برات مطالبه نماید و کلا حق رجوع به ظهرنویسها و همچنین به برات دهنده که وجه برات را به محال علیه رسانیده است نخواهد داشت .

ماده 275 - اگر در برات اعم از اینکه در ایران صادر شده باشد یا در خارج برای تقاضای قبولی مدت بیشتری یا کمتری مقرر شده باشد حق دارنده برات باید در همان مدت قبولی برات را تقاضا نماید و کلا حق رجوع به ظهرنویسها و برات دهنده که وجه برات را به محال علیه رسانیده است



نخواهد داشت .

ماده 276 - اگر ظهرنویسی برای تقاضای قبولی مدتی معین کرده باشد دارنده برات باید در مدت مزبور تقاضای قبولی نماید و کلا در مقابل آن ظهرنویس نمی توکند از مقررات مربوطه به بروات استفاده کند.

ماده 277 - هرگاه دارنده برات به رویت یا به وعده که در یکی از شهرهای ایران صادر و باید در ممالک خارج تادیه شود در مواعید مقرر در مواد فوق . قبولی نوشتن یا پرداخت وجه را مطالبه نکرده باشد مطابق مقررات همان مواد حق اوساقط خواهد شد.

ماده 278 - مقررات فوق مانع نخواهد بود که بین دارنده برات و برات - دهنده و ظهرنویسها قرارداد دیگری مقرر گردد.

ماده 279 - دارنده برات باید روز وعده وجه برات را مطالبه کند.

ماده 280 - امتناع از تادیه وجه برات باید در ظرف ده روز از تاریخ وعده به وسیله نوشته ای که اعتراض عدم تادیه نامیده می شود معلوم گردد.

ماده 281 - اگر روز دهم تعطیل باشد اعتراض روز بعد آن بعمل خواهد آمد.

ماده 282 - نه فوت محال علیه و نه ورشکستگی اونه اعتراض نکولی دارنده برات را از اعتراض عدم تادیه مستغنی نخواهد کرد.

ماده 283 - در صورتی که قبول کننده برات قبل از وعده ورشکست شود حق اعتراض برای دارنده برات باقی است .

ماده 284 - دارنده براتی که به علت عدم تادیه اعتراض شده است باید در ظرف ده روز از تاریخ



اعتراض عدم تادیه رابه وسیله اظهارنامه رسمی یا مراسله سفارشی دوقبضه به کسی که برات رابه اوواگ ذکرنموده اطلاع دهد.

ماده 285 - هریک ازظهنویسهایزبایددرظرف ده روزازتاریخ دریافت اطلاع نامه فوق آن رابه همان وسیله به ظهنویس سابق خوداطلاع دهد.

ماده 286 - اگردارنده براتی که بایستی درایران تادیه شودوعلت عدم پرداخت اعتراض شده بخواهدازحقی که ماده 249 برای اومقررداشته استفاده کندابایددرظرف یکسال ازتاریخ اعتراض . (58/10) اقامه دعوی نماید. (اصلاحی 26

تبصره - هرگاه محل اقامت مدعی علیه خارج ازمحلی باشدکه وجه برات بایددرآنجاپرداخته شودبرای هرشش فرسخ یک روزاضافه خواهدشد.

ماده 287 - درموردبرواتی که بایددرخارج تادیه شوداقامه دعوی بر علیه برات دهنده (58/10) ویاظهنویسهای مقیم ایران درظرف دوسال ازتاریخ اعتراض بایدبعمل آید. (26

ماده 288 - هریک ازظهنویسهایخواهدازحقی که در ماده 249 به اوداده شده استفاده نمایدبایدمواعدی که به موجب مواد 286 و 287 مقرر است اقامه دعوی کندونسبت به اوموعدازفرادی ابلاغ احضاریه محکمه محسوب است واگر وجه برات را بدون اینکه برعلیه اواقامه دعوی شده باشدتادیه نمایداز فرادی روزتادیه محسوب خواهدشد.

ماده 289 - پس ازانقضامواعدمقرر در مواد فوق دعوی دارنده برات بر ظهنویسهاوهمچنین دعوی هریک ازظهنویسهایبریدسابق خوددرمحکمه پذیرفته نخواهدشد.

ماده 290 - پس ازانقضامواعدفوق دعوی دارنده وظهنویسهای برات بر علیه برات دهنده



نیز پذیرفته نمی شود مشروط بر اینکه برات دهنده ثابت نماید در سر وعده وجه برات رابه محال علیه رسانیده و در این صورت دارنده برات فقط حق مراجعه به محال علیه خواهد داشت .

ماده 291 - اگر پس از انقضای موعده که برای اعتراض و ابلاغ اعتراض - نامه یا برای اقامه دعوی مقرر است برات دهنده یکهریک از ظهرنویسها به طریق محکسه یا عنوان دیگری وجهی را که برای تادیه برات به محال علیه رسانیده بود مسترد دارد دارنده برات برخلاف مقررات دو ماده قبل حق خواهد داشت که بر علیه دریافت کننده وجه اقامه دعوی نماید.

ماده 292- پس از اقامه دعوی محکمه مکلف است به مجرد تقاضای دارنده براتی که به علت عدم تادیه اعتراض شده است معادل وجه برات را از اموال مدعی علیه به عنوان تامین توقیف نماید.

مبحث دهم

در اعتراض (پروتست)

ماده 293 - اعتراض در موارد ذیل بعمل می آید -

1 - در مورد نکول .

2 - در مورد امتناع از قبول یا نکول .

3 - در مورد عدم تادیه .

اعتراض نامه باید در یک نسخه تنظیم و بموجب امر محکمه بدایت به توسط مامور اجراء به محل اقامت اشخاص ذیل ابلاغ شود -

1 - محال علیه .

2 - اشخاصی که در برات برای تادیه وجد عند کلاقتضاء معین شده کند.



3 - شخص ثالثی که برات را قبول کرده است .

اگر در محلی که اعتراض بعمل می آید محکمه بدایت نباشد وظایف او را رعایت ترتیب بعهدده امین صلح یار رئیس ثبت اسناد یا حاکم محل خواهد بود.

ماده 294 - اعتراضنامه باید مراتب ذیل را دارا باشد -

1 - سواد آمل برات با کلیه محتویات آن اعم از قبولی و ظهر نویسی و غیره .

2 - امر به تادیبه وجه برات .

مامور اجراء باید حضور یا غیاب شخصی که باید وجه برات را بدهد و علل امتناع از تادیبه یا از قبول و همچنین علل عدم امکان امضاء یا امتناع از امضاء را در ذیل اعتراضنامه قید و امضاء کند.

ماده 295 - هیچ نوشته ای نمی تواند از طرف دارنده برات جای گیر اعتراضنامه شود مگر در مواد

263 راجع به مفقود شدن برات . - 262 - مندرجه در مواد 261

ماده 296 - مامور اجراء باید سواد صحیح اعتراضنامه را به محل اقامت اشخاص مذکور در ماده 293 بدهد.

ماده 297 - دفتر محکمه یا دفتر مقاماتی که وظیفه محکمه را انجام می دهند باید مفاد اعتراضنامه

را روز به روز به ترتیب تاریخ و نمره در دفتر مخصوصی که صفحات آن به توسط رئیس محکمه یا قائم

مقام او نمره و امضاء شده است ثبت نمایند در صورتی که محل اقامت برات دهنده یا ظهر نویس اولی

در روی برات قید شده باشد دفتر محکمه باید آنهارا توسط آغذ سفارشی از علل امتناع از تادیبه

مستحضر سازد.

مبحث یازدهم



برات رجوعي

ماده 298 - برات رجوعي براتي است که دارنده برات اصلي پس از اعتراض براي دريافت وجه آن ومخارج صدوراعتراضنامه وتفاوت نرخ بعهده برات دهنده يايکي ازظهرنويسهاصادرمي کند.

ماده 299 - اگربرات رجوعي بعهده برات دهنده اصلي صادرشودتفاوت بين نرخ مکان تاديه برات اصلي ونرخ مکان صدورآن بعهده اوخواهدبودواگر برات رجوعي به عهده يکي

ازظهرنويسهاصادرشودمشارکليه بايدازعهده تفاوت نرخ مکاني که برات اصلي رادرآن جامعامله ياتسليم کرده است ونرخ مکاني که برات رجوعي درآنجاصادرشده است برآيد.

ماده 300 - به برات رجوعي بايدصورت حسابي (حساب بازگشت)ضميمه شود ، درصورتحساب مزبورمراتب ذيل قيديمي گردد -

1 - اسم شخصي که برات رجوعي بعهده اوصادرشده است .

2 - مبلغ اصلي برات اعتراض شده .

3 - مخارج اعتراضنامه وسایرمخارج معموله ازقبيل حق العمل صراف و دلال ووجه تمبرومخارج پست وغيره .

(4 - مبلغ تفاوت نرخهاي مذکوردر ماده (299

ماده 301 - صورت حساب مذکوردر ماده قبل بايدتوسط دونفرتاجر تصديق شودبعلاوه لازم است برات اعتراض شده وسوادمصدقياذااعتراض نامه به صورت حساب مزبورضميمه گردد.

ماده 302 - هرگاه برات رجوعي بعهده يکي ازظهرنويسهاصادرشودعلاوه برمراتب مذکوردر مواد

300 و 301 بايدتصديق نامه که تفاوت بين نرخ مکان تاديه برات اصلي ومکان صدورآن رامعين



نمایدضمیمه شود.

ماده 303 - نسبت به يك برات صورتحساب بازگشت متعددنمي توان ترتيب دادواگربرات رجوعي بعهدہ يکي ازظهرنويسهاصادرشدہ باشدحساب بازگشت متوکليابه توسط ظهرنويسهاپرداخته مي شودتابه برات دهنده اولي برسد.

تحميلات براتهاي رجوعي رانمي توان تمامابريکنفرواردساخت هريک ازظهرنويسهاوبرات دهنده اولي فقط عهده داريك خرج است .

ماده 304 - خسارت تاخيرتاديه مبلغ اصلي برات که بواسطه عدم تاديه اعتراض شده است ازروزاعتراض وخسارت تاخيرتاديه مخارج اعتراض و مخارج برات رجوعي فقط ازروزاقيه دعوي محسوب مي شود.

مبحث دوازدهم

قوانين خارجي

ماده 305 - درموردبرواتي که درخارج ايران صادرشدہ شرايط اسکسي برات تابع قوانين مملکت صدوراست .

هرقسمت ازسايرتعهدات براتي (تعهدات ناشي ازظهرنويسي ضمانت قبولي وغيره)نيزکه

درخارجہ بوجودآمده تابع قوانين مملکتی است که تعهد درآن جابجودپیدا کرده است معذالك

اگرشرايط اسکسي برات مطابق قانون ايران موجودويتعهدات براتي موافق قانون ايران صحيح

باشدآساني که در ايران تعهداتي کرده کندحق استنادبه اين ندارندکه شرايط اسکسي برات يا

تعهدات براتي مقدم برتعهدآنها مطابق باقوانين خارجي نيست .



ماده 306 - اعتراض و بطورکلی هراقدامی که برای حفظ حقوق ناشیه از برات و استفاده از آن در خارج باید بعمل آید تابع قوانین مملکتی خواهد بود که آن اقدام باید در آنجا بشود.

فصل دوم

در فته طلب

ماده 307 - فته طلب سندی است که بموجب آن امضاء آئنده تعهد می کند مبلغی در موعد معین یا عند المطالبه در وجه حامل یا شخص معین و یا به حواله آرد آن شخص کارسازی نماید.

ماده 308 - فته طلب علاوه بر امضاء یا مهر باید دارای تاریخ و متضمن مراتب ذیل باشد -

1 - مبلغی که باید تادیه شود با تمام حروف .

2 - گیرنده وجه .

3 - تاریخ پرداخت .

ماده 309 - تمام مقررات راجع به بروات تجارتي (از مبحث چهارم کلی آخر فصل اول این باب (در مورد فته طلب نیز لازم الرعایه است .

فصل سوم

چک

ماده 310 - چک نوشته ای است که بموجب آن صادر آئنده وجوهی را که در نزد محال علیه دارد کلاً یا بعضاً مسترد یا به دیگری واگ ذکر می نماید.

ماده 311 - در چک باید محل و تاریخ صدور قید شده و به امضای صادرکننده برسد ، پرداخت وجه نباید وعده داشته باشد.



ماده 312 - چك ممكن است در وجه حامل يا شخص معين يا به حواله كرد باشد ممكن است به صرف امضاء در ظهر به ديگري منتقل شود.

ماده 313 - وجه چك بايد به محض ارائه كارسازي شود.

ماده 314 - **صدر چك ولو اينكه از محلي به محل ديگر باشد ذاتا عمل تجارتي محسوب نيست ليكن مقررات اين قانون از ضمانت صادركننده و ظهرويسها و اعتراض و اقامه دعوي و ضمان و مفقود شدن راجع به بروات شامل چك نيز خواهد بود.**

ماده 315 - اگر چك در **همان مكاني** كه صادر شده است بايد تاديه گردد ، دارنده چك بايد در ظرف **پانزده روز** از تاريخ صدور وجه آن را مطالبه كند و اگر از يك نقطه به **نقطه ديگر ايران** صادر شده باشد بايد در ظرف **چهل و پنج روز** از تاريخ صدور چك مطالبه شود.

اگر دارنده چك در ظرف مواعد مذكوره در اين ماده پرداخت وجه آن را **مطالبه نكند** ديگري دعوي او بر عليه **ظهرويس مسموع نخواهد بود و اگر وجه چك به سببي كه مربوط به محال عليه است از بين برود دعوي دارنده چك بر عليه صادر كننده نيز در محكمه مسموع نيست .**

ماده 316 - كسي كه **وجه چك را دريافت** مي كند بايد **ظهران** را **امضاء** يا مهر نمايد اگرچه چك در وجه حامل باشد.

ماده 317 - مقررات راجعه به چك هائي كه در ايران صادر شده است در مورد **چكهائي كه از خارجه صادر شده و بايد در ايران پرداخته شود** نيز رعايت خواهد شد ليكن مهلتي كه در ظرف آن دارنده چك مي تواند وجه چك را مطالبه كند **چهارماه** از تاريخ صدور است .

فصل چهارم

در مرور زمان

ماده 318 - دعاوي راجعه به برات و فته طلب و چك كه از طرف تجار يا براي امور تجارتي صادر شده پس از انقضاء پنج سال از تاريخ صدور اعتراضنامه و يا آخرين تعقيب قضائي در محاكم مسموع نخواهد بود مگر اينكه در ظرف اين مدت رسماً اقرار بدین واقع شده باشدكه در اين صورت مبداء مرور زمان از تاريخ اقرار محسوب است .



در صورت عدم اعتراض مدت مرور زمان از تاریخ انقضاء مهلت اعتراض شروع می شود.

تبصره - مفاد این ماده در مورد بروات و چک و فته طلبهائی که قبل از تاریخ اجرای قانون تجارت مصوب 25 دلو 1303 و 12 فروردین و 12 خرداد 1304 صادر شده است قابل اجراء نبوده و این اسناد از حیث مرور زمان تابع مقررات مربوطه مرور زمان راجع به اموال منقوله است .

ماده 319 - اگر وجه برات یا فته طلب یا چک را نتوان به واسطه حصول مرور زمان پنج سال مطالبه کرد ، دارنده برات یا فته طلب یا چک می تواند تا حصول مرور زمان اموال منقوله ، وجه آن را از کسی که به ضرر او استفاده بلا جهت کرده است مطالبه نماید.

تبصره - حکم فوق در موردی نیز جاری است که برات یا فته طلب یا چک یکی از شرایط اساسی مقرر در این قانون را فاقد باشد.

باب پنجم

اسناد در وجه حامل

ماده 320 - دارنده هر سند در وجه حامل مالك و برای مطالبه وجه آن محق محسوب می شود مگر در صورت ثبوت خلاف معذك اگر مقامات صلاحیتدار قضائی یا پلیس تادیه وجه آن سند را منع کند تادیه وجه به حامل، مدیون را نسبت به شخص ثالثی که ممکن است سند متعلق به او باشد بری نخواهد کرد.

ماده 321 - جز در موردی که حکم بطلان سند صادر شده مدیون سند در وجه حامل مکلف به تادیه نیست مگر در مقابل اخذ سند.

ماده 322 - در صورت گم شدن سند در وجه حامل که دارای ورقه های کوبن یا دارای ضمیمه ای برای تجدید اوراق آوین باشد و همچنین در صورت گم شدن سند در وجه حامل که خودسند به دارنده آن حق میدهد ربح یا منفعتی را مرتباً دریافت کند برای اصدار حکم بطلان مطابق مقررات ذیل عمل خواهد شد.

ماده 323 - مدعی باید در محکمه محل اقامت مدیون معلوم نماید سند در تصرف او بوده و فعلاً گم



شده است اگر مدعی فقط اوراق آوین یا ضمیمه مربوط به سند خود را گم کرده باشد ابراز خود سند آفایست .

ماده 324 - اگر محکمه ادعای مدعی را بنا بر اوضاع و احوال قابل اعتماد دانست باید بوسیله اعلان در جرایده دارنده مجهول سند اخطار کند ، هرگاه از تاریخ انتشار اولین اعلان تا سه سال سند ابراز ننمود حکم بطلان آن صادر خواهد شد محکمه می تواند مدتی بیشتر از سه سال تعیین کند.

ماده 325 - به تقاضای مدعی محکمه می تواند مدیون قدغن کند که وجه سند را به کسی نپردازد مگر پس از گرفتن ضامن یا تأمین کننده که محکمه تصویب نماید.

ماده 326 - در مورد گم شدن اوراق آوین هائی که در ضمن جریان دعوی لازم التادیه می شود به ترتیب مقرر در مواد 332 و 333 عمل خواهد شد.

ماده 327 - اخطار مذکور در ماده 324 باید سه دفعه در مجله رسمی منتشر شود. محکمه می تواند بعد از اعلان در جرایده دیگر را نیز مقرر دارد.

ماده 328 - اگر پس از اعلان فوق سند مفقود ابراز شود محکمه به مدعی مهلت متناسبی داده و اخطار خواهد کرد که هرگاه تا انقضای مهلت دعوی خود را تعقیب و دلائل خود را اظهار نکنند محکوم شده و سنده ابراز آنده آن مسترد خواهد گردید.

ماده 329 - اگر در ظرف مدتی که مطابق ماده 324 مقرر و اعلان سند ابراز نگردد محکمه حکم بطلان آن را صادر خواهد نمود.

ماده 330 - ابطال سند فوراً به وسیله درج در مجله رسمی و بوسیله دیگری که محکمه مقتضی



بدکنده اطلاع عموم خواهد رسید.

ماده 331 - پس از صدور حکم ابطال مدعی حق دارد تقاضا کند بخرج اوسند جدیدی الی کلاقتضاء اوراق آوین تازه به او بدهند اگر سند حال شده باشد مدعی حق تقاضای تادیه خواهد داشت .

ماده 332 - هرگاه سند گم شده از اسناد مذکور در ماده 322 نباشد به ترتیب ذیل رفتار خواهد شد -
محکمه در صورتی که ادعای مدعی سبق تصرف و گم کردن سند را قابل اعتماد دید حکم می دهد مدیون وجه سند را فوراً در صورتی که حال باشد و پس از انقضای اجل در صورت موجل بودن ، به صندوق عدلیه بسپارد.

ماده 333 - اگر قبل از انقضای مدت مرور زمانی که وجه سند مفقود پس از آن مدت قابل مطالبه نیست سند ابراز شد مطابق ماده 328 رفتار و کلا وجهی که در صندوق عدلیه امانت گذاشته شده به مدعی داده می شود.

ماده 334 - مقررات این باب شامل اسکناس نیست .

باب ششم

دلکلی

فصل اول - کلیات

ماده 335 - دلال کسی است که در مقابل اجرت واسطه انجام معاملاتی شده یا برای کسی که می خواهد معاملاتی نماید طرف معامله پیدامی کند. اصولاً قرارداد دلکلی تابع مقررات راجع به و آالت است .

ماده 336 - دلال می تواند در رشته های مختلف دلکلی نموده و شخصانیز تجارت کند.



ماده 337 - دلال باید در نهایت صحت و اوری صداقت طرفین معامله را از جزئیات راجعه به معاملات

مطلع سازد و لو اینکه دلکلی رافقط برای یکی از طرفین بکند دلال در مقابل هریک از طرفین مسئول

تقلب و تقصیرات خود می باشد ماده 338 - دلال نمی تواند دعوض یکی از طرفین معامله قبض وجه

یا تادیبه دین نماید و یا آنکه تعهدات آنها را بموقع اجراء ذکر در مگر اینکه اجازه نامه مخصوصی داشته باشد.

ماده 339 - دلال مسئول تمام اشیاء و اسنادی است که در ضمن معاملات به او داده شده

مگر اینکه ثابت نماید که ضایع یا تلف شدن اشیاء یا اسناد مزبور مربوط به شخص او نبوده است .

ماده 340 - در موردی که فروش از روی نمونه باشد دلال باید نمونه مال التجاره را تا موقع ختم معامله

نگه بدارد مگر اینکه طرفین معامله او را از این قید معاف دارند.

ماده 341 - دلال می تواند در زمان واحد برای چند آمدردیک رشته یا رشته های مختلف دلکلی

کند ولی در این صورت باید آمرین را از این ترتیب و امور دیگری که ممکن است موجب تغییر رای

آنها شود مطلع نماید.

ماده 342 - هرگاه معامله به توسط دلال واقع و نوشتجات و اسنادی راجع به آن معامله بین طرفین

به توسط او رد و بدل شود در صورتی که امضکها راجع به اشخاصی باشد که به توسط او معامله را کرده

کند دلال ضامن صحت و اعتبار امضکهای نوشتجات و اسناد مزبور است .

ماده 343 - دلال ضامن اعتبار اشخاصی که برای آنها دلکلی می کند و ضامن اجرای معاملاتی که به

توسط او می شود نیست .

ماده 344 - دلال در خصوص ارزش یا جنس مال التجاره ای که مورد معامله بوده مسئول نیست

مگر اینکه ثابت شود تقصیر از جانب او بوده .



ماده 345 - هرگاه طرفین معامله یا یکی از آنها به اعتبار تعهد شخص دلال معامله نمود دلال ضامن معامله است .

ماده 346 - در صورتی که دلال در نفس معامله منتفع یا سهمیم باشد باید به طرفی که این نکته را نمی داند اطلاع دهد و کلام مسئول خسارات و کرده بوده و علاوه به پانصد تا سه هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.

ماده 347 - در صورتی که دلال در معامله سهمیم باشد یا امر خود متضامنا مسئول اجرای تعهد خواهد بود.

فصل دوم

اجرت دلال و مخارج

ماده 348 - دلال نمی تواند حق دلکلی را مطالبه کند مگر در صورتی که معامله به رکهنمائی یا وساطت او تمام شده باشد.

ماده 349 - اگر دلال برخلاف وظیفه خود نسبت به کسی که به او ماموریت داده بنفع طرف دیگر معامله اقدام نماید و یا برخلاف عرف تجاری محل از طرف مزبور وجهی دریافت و یا وعده وجهی راقبول کند مستحق اجرت و مخارجی که کرده نخواهد بود. علاوه محکوم به مجازات مقرر برای خیانت در امانت خواهد شد.

ماده 350 - هرگاه معامله مشروط به شرط تعلیقی باشد دلال پس از حصول شرط مستحق اجرت خواهد بود.

ماده 351 - اگر شرط شده باشد مخارجی که دلال می کند به او داده شود دلال مستحق اخذ مخارج



خواهد بود و لو آنکه معامله سرنگیرد.

همین ترتیب در موردی نیز جاری است که عرف تجارتي محل به پرداخت مخارجي که دلال کرده حکم کند.

ماده 352 - در صورتی که معامله به رضایت طرفین بابه واسطه یکی از خيارات قانوني فسخ بشود حق مطالبه دلکلي از دلال سلب نمي شود مشروط بر اینکه فسخ معامله مستند به دلال نباشد.

ماده 353 - دلکلي معاملات ممنوعه اجرت ندارد.

مواد 354 و 355 - باتوجه به ماده 13 قانون دلکلان مصوب سال

1317 و آئين نامه دلکلان معاملات ملكي مصوب سال 1319 با

اصلاحیه هاي بعدي ، نسخ گردید

فصل سوم - دفتر

ماده 356 - هر دلال باید دفتری داشته و کلیه معاملات را که به دلکلي او انجام گرفته به ترتیب ذیل در آن ثبت نماید -

1 - اسم متعاملین

2 - مالي که موضوع معامله است .

3 - نوع معامله .

4 - شرایط معامله باتشخیص به اینکه تسلیم موضوع معامله فوري است یا به وعده است .

5 - عوض مالي که باید پرداخته شود و تشخیص اینکه فوري است یا به وعده است وجه نقد است



یامال التجاره یابرات درصورتی که برات باشد به رویت است یا به وعده .

6 - امضاءطرفین معامله مطابق مقررات نظام نامه وزارت عدلیه .

دفتر دلکلی تابع کلیه مقررات راجع به دفاتر تجاری است .

باب هفتم

حق العمل کاری (کمسیون)

ماده 357 - حق العمل کار کسی است که به اسم خود ولی به حساب دیگری (آمر) معاملاتی

کرده و در مقابل حق العملی دریافت می دارد.

ماده 358 - جز در مواردی که بموجب مواد ذیل استثناء شده مقررات راجعه به و آلت در حق العمل

کاری نیز رعایت خواهد شد.

ماده 359 - حق العمل کار باید آمر را از جریان اقدامات خود مستحضر داشته و مخصوصاً در صورت انجام

ماموریت این نکته را به فوریت به او اطلاع دهد.

ماده 360 - حق العمل کار مکلف به بیمه کردن اموکی که موضوع معامله است نیست مگر اینکه

آمر دستور داده باشد.

ماده 361 - اگر مال التجاره ای که برای فروش نزد حق العمل کار ارسال شده دارای عیوب ظاهری

باشد حق العمل کار باید برای محفوظ داشتن حق رجوع بر علیه متصدی حمل و نقل و تعیین میزان

خسارت بحری (آواری) به وسائل مقتضیه و محافظت مال التجاره اقدامات لازمه بعمل آورده

و آمر را از اقدامات خود مستحضر کند و کلام مسئول خسارات ناشیه از این غفلت خواهد بود.

ماده 363 - اگر حق العمل کار مال التجاره را به کمتر از حداقل قیمتی که آمر معین کرده بفروش



رسکندمسئول تفاوت خواهد بود مگر اینکه ثابت نماید از ضرر بیشتری احتراز کرده و تحصیل اجازه
آمر در موقع مقدور نبوده است .

ماده 364 - اگر حق العمل کار تقصیر کرده باشد باید از عهده کلیه خساراتی نیز که از عدم رعایت
دستور آمر ناشی شده برآید.

ماده 365 - اگر حق العمل کار مال التجاره را به کمتر از قیمتی که آمر معین بخرد یا به بیشتر از قیمتی
که آمر تعیین نموده به فروش برسد حق استفاده از تفاوت نداشته و باید آن را در حساب آمر محسوب
دارد.

ماده 366 - اگر حق العمل کار بدون رضایت آمر مالی را به نسیه بفروشد یا پیش قسطی
دهد ضررهای ناشیه از آن متوجه خود او خواهد بود معذک اگر فروش نسیه داخل در عرف تجاری محل
باشد حق العمل کار ماذون به آن محسوب می شود مگر در صورت دستور مخالف آمر.

ماده 367 - حق العمل کار در مقابل آمر مسئول پرداخت وجوه و یا انجام سایر تعهدات طرف معامله
نیست مگر اینکه مجاز در معامله به اعتبار نبوده و یا شخصاً ضمانت طرف معامله را کرده و یا عرف تجاری
بلد او را مسئول قرار دهد.

ماده 368 - مخارجی که حق العمل کار کرده و برای انجام معامله و نفع آمر لازم بوده و همچنین
هر مساعدی که به نفع آمر داده باشد باید اصالاً و منفعه به حق العمل کار مسترد شود.
حق العمل کار می تواند مخارج انبارداری و حمل و نقل را نیز به حساب آمر گ ذکر د.

ماده 369 - وقتی حق العمل کار مستحق حق العمل می شود که معامله اجراء شده و یا عدم
اجرای آن مستند به فعل آمر باشد نسبت به اموری که در نتیجه علل دیگری انجام پذیر نشده حق



العمل کار برای اقدامات خود فقط مستحق اجرتی خواهد بود که عرف و عادت محل معین می نماید.

ماده 370 - اگر حق العمل کار نادرستی کرده و مخصوصاً موردی که به حساب آمر قیمتی علاوه

بر قیمت خرید و یا کمتر از قیمت فروش محسوب دارد مستحق حق العمل نخواهد بود علاوه در دو صورت

اخیراً آمر می توکند خود حق العمل کار را خریداری فروشنده محسوب کند.

تبصره - دستور فوق مانع از اجرای مجازاتی که برای خیانت در امانت مقرر است نیست .

ماده 371 - حق العمل کار در مقابل آمر برای وصول مطالبات خود از او نسبت به اموکی که موضوع

معامله بوده و یا نسبت به قیمتی که اخذ کرده حق حبس خواهد داشت .

ماده 372 - اگر فروش مال ممکن نشده و یا مرکز اجازه فروش رجوع کرده و مال التجاره را بیش

از حد متعارف نزد حق العمل کاریگ ذکر در حق العمل کار می توکند آنرا با نظارت مدعی العموم بدایت محل

یا نماینده و بطریق مزایده به فروش برسند. اگر آمر در محل نبوده و در آنجا نماینده نیز نداشته باشد فروش

بدون حضور او یا نماینده او بعمل خواهد آمد ولی در هر حال قبلاً باید به او اخطاریه رسمی ارسال

گردد مگر اینکه اموال از جمله اموال سریع الفساد باشد.

ماده 373 - اگر حق العمل کار مأمور به خرید یا فروش مال التجاره یا اسناد تجاری یا سایر اوراق

بهداری باشد که مظنه بورسی یا بازاری دارد می توکند چیزی را که مأمور به خرید آن بوده

خودش خصابه عنوان فروشنده تسلیم بکند و یا چیزی را که مأمور به فروش آن بوده شخصاً بعنوان

خریدار نگه دارد مگر اینکه آمر دستور مخالفی داده باشد.

ماده 374 - در مورد ماده فوق حق العمل کار باید قیمت را بر طبق مظنه بورسی یا نرخ بازار در روزی که

و آلت خود را انجام می دهد منظور دارد و حق خواهد داشت که هم حق العمل و هم مخارج عادیه حق



العمل کاري رابرداشت کند.

ماده 375 - درهرموردي که حق العمل کارشخصامي توکندخریداریافروشنده واقع شوداگرانجام معامله رابه آمربدون تعیین طرف معامله اطلاع دهدخود طرف معامله محسوب خواهدشد.

ماده 376 - اگرآ مرکزامرخودرجوع کرده وحق العمل کارقبل ازارسال خبر معامله ازاین رجوع مستحضرگردددیگرنمي توکندشخصاخریداریافروشنده واقع شود.

باب هشتم

قرارداد حمل ونقل

ماده 377 - متصدي حمل ونقل کسی است که درمقابل اجرت حمل اشیاءرابه عهده مي گیرد.

ماده 378 - قراردادحمل ونقل تابع مقررات وآلت خواهدبودمگر در مواردی که ذیلاستثناءشده باشد

ماده 379 - ارسال کننده بایدنکات ذیل رابه اطلاع متصدي حمل ونقل برسکند - آدرس صحیح

مرسل کلیه ، محل تسلیم مال ، عده عدل ، یابسته وطرز عدل بندي ، وزن ومحتوي عدلها ، مدتي

که مال باید درآن مدت تسلیم شودرکهي را که حمل بایدازآن رابعمل آید ، قیمت اشیائي که

گرانیهاست خسارات ناشیه ازعدم تعیین نکات فوق ویاازتعیین آنها به غلط متوجه ارسال کننده خواهد بود.

ماده 380 - ارسال کننده باید مواظبت نمایدکه مال التجاره بطرز منکسبي عدل بندي شود.

خسارات بحري (آواري) ناشي ازعیوب عدل بندي بعهدہ ارسال کننده است .

ماده 381 - اگرعدل بندي عیب طکھري داشته ومتصدي حمل ونقل مال را بدون قید عدم



مسئولیت قبول کرده باشد مسئول آواری خواهد بود.

ماده 382 - ارسال کننده می توکند مادام که مال التجاره دریدمتصدی حمل ونقل است آن را با پرداخت مخارجی که متصدی حمل ونقل کرده و خسارات او پس بگیرد.

ماده 383 - در موارد ذیل ارسال کننده نمی توکند از حق استرداد مذکور در ماده 382 استفاده کند :

1 - در صورتی که بارنامه ای توسط ارسال کننده تهیه و به وسیله متصدی حمل ونقل به مرسل کلیه تسلیم شده باشد.

2 - در صورتی که متصدی حمل ونقل رسیدی به ارسال کننده داده و ارسال - کننده نتو کند آن را پس دهد.

3 - در صورتی که متصدی حمل ونقل به مرسل کلیه اعلام کرده باشد که مال التجاره به مقصد رسیده و باید آنرا تحویل گیرد.

4 - در صورتی که پس از وصول مال التجاره به مقصد مرسل کلیه تسلیم آن را تقاضا کرده باشد.

در این موارد متصدی حمل ونقل باید مطابق دستور مرسل کلیه عمل کند. معذالک اگر متصدی حمل

ونقل رسیدی به ارسال کننده داده مادام که مال التجاره به مقصد نرسیده مکلف به رعایت

دستور مرسل کلیه نخواهد بود مگر اینکه رسید به مرسل کلیه تسلیم شده باشد.

ماده 384 - اگر مرسل کلیه مال التجاره را قبول نکند و یا مخارج و سایر مطالبات متصدی حمل ونقل

بابت مال التجاره تادیه نشود و یا به مرسل کلیه دسترسی نباشد متصدی حمل ونقل باید مراتب را به

اطلاع ارسال کننده رسانیده و مال التجاره را موقتاً نزد خود بطور امانت نگه داشته و یا نزد هر ثالثی

امانت گ ذکر و در هر دو صورت مخارج و هرنقص و عیب بعهدہ ارسال کننده خواهد بود. اگر ارسال کننده



ویا مرسل کلیه در مدت منکسبی تکلیف مال التجاره رامعین نکند متصدی حمل ونقل می توکند مطابق ماده 362 آن را بفروش رسکند.

حتی المقدور ارسال کننده و مرسل کلیه را باید از اینکه مال التجاره بفروش خواهد رسید مسبق نمود. ماده 386 - اگر مال التجاره تلف یا گم شود متصدی حمل و نقل مسئول قیمت آن خواهد بود مگر اینکه ثابت نماید تلف یا گم شدن مربوط به جنس خود مال التجاره یا مستند به تقصیر ارسال کننده یا مرسل کلیه و یا ناشی از تعلیماتی بوده که یکی از آنها داده کند و یا مربوط به حوادثی بوده که هیچ متصدی مواظبی نیز نمی توانست از آن جلوگیری نماید. قرارداد طرفین می توکند برای میزان خسارت مبلغی کمتر یا زیاد تر از قیمت کامل مال التجاره معین نماید.

ماده 387 - در مورد خسارات ناشیه از تاخیر تسلیم یا نقص یا خسارات بحری (آواری) (مال التجاره نیز متصدی حمل و نقل در حدود ماده فوق مسئول خواهد بود.

خسارات مزبور نمی توکند از خساراتی که ممکن بود در صورت تلف شدن تمام مال التجاره حکم به آن شود تجاوز نماید مگر اینکه قرارداد طرفین خلاف این ترتیب را مقرر داشته باشد.

ماده 388 - متصدی حمل و نقل مسئول حوادث و تقصیراتی است که در مدت حمل و نقل واقع شده اعم از اینکه خود مباشرت به حمل و نقل کرده و یا حمل و نقل کننده دیگری را مأمور کرده باشد. بدیهی است که در صورت اخیر حق رجوع او به متصدی حمل و نقلی که از جانب او مأمور شده محفوظ است .

ماده 389 - متصدی حمل و نقل باید به محض وصول مال التجاره مرسل کلیه را مستحضر نماید.

ماده 390 - اگر مرسل کلیه میزان مخارج و سایر وجوهی را که متصدی حمل و نقل بابت مال التجاره



مطالبه می نماید قبول نکند حق تقاضای تسلیم مال التجاره را نخواهد داشت مگر اینکه مبلغ متنازع
فیه را تاختم اختلاف در صندوق عدلیه امانت گ ذکر د.

ماده 391 - اگر مال التجاره بدون هیچ قیدی قبول و آرایه آن تادیه شود دیگر بر علیه متصدی حمل
و نقل دعوی پذیرفته نخواهد شد مگر در مورد تدلیس یا تقصیر عمده بعلاوه متصدی حمل و نقل
مسئول آواری غیر طکهر نیز خواهد بود در صورتی که مرسل کلیه آن آواری را در مدتی که مطابق اوضاع
و احوال رسیدگی مال التجاره ممکن بود بعمل آید و یا بایستی بعمل آمده باشد مشخصه کرده و فوراً
پس از مشخصه به متصدی حمل و نقل اطلاع دهد. در هر حال این اطلاع باید منتهاتاً هشت
روز بعد از تحویل گرفتن مال التجاره داده شود.

ماده 392 - در هر موردی که بین متصدی حمل و نقل و مرسل کلیه اختلاف باشد محکمه
صلاحیت دار محل می توکند به تقاضای یکی از طرفین امر دهد مال التجاره نزد ثالثی امانت گذ کرده
شده و یا لای کلاقتضاء فروخته شود. در صورت اخیر فروش باید پس از تنظیم صورت مجلسی
حاکمی از آنکه مال التجاره در چه حال بوده بعمل آید.

بوسیله پرداخت تمام مخارج و وجوهی که بابت مال التجاره ادعای شود و یا سپردن آن به صندوق
عدلیه از فروش مال التجاره می توان جلوگیری آرد.

ماده 393 - نسبت به دعوی خسارت بر علیه متصدی حمل و نقل مدت مرور زمان یک سال است
مبدء این مدت در صورت تلف یا گم شدن مال التجاره و یا تاخیر در تسلیم روزی است که تسلیم
بایستی در آن روز بعمل آمده باشد و در صورت خسارات بحری (آواری) روزی که مال به مرسل کلیه
تسلیم شده .



ماده 394 - حمل و نقل بوسیله پست تابع مقررات این باب نیست .

باب نهم

قائم مقام تجارتي وسایر نمایندگان تجارتي

ماده 395 - قائم مقام تجارتي کسی است که رئیس تجارتخانه اورا برای انجام کلیه امور مربوطه به تجارت خانه یا یکی از شعب آن نایب خود قرارداد داده و امضای او برای تجارتخانه الزام آوراست . سمت مزبور ممکن است کتباداده شود یا عملاً.

ماده 396 - تجدید اختیارات قائم مقام تجارتي در مقابل اشخاصی که از آن اطلاع نداشته کند معتبر نیست .

ماده 397 - قائم مقامی تجارتي ممکن است به چند نفر مجتمع داده شود یا قید اینکه تا تمام امضاء نکنند تجارتخانه ملزم نخواهد شد ولی در مقابل اشخاص ثالثی که از این قید اطلاع نداشته کند فقط در صورتی می توان از آن استفاده کرد که این قید مطابق مقررات وزارت عدلیه به ثبت رسیده و اعلان شده باشد.

ماده 398 - قائم مقام تجارتي بدون اذن رئیس تجارتخانه نمی تواند کسی را در کلیه کارهای تجارت خانه نایب خود قرار دهد.

ماده 399 - عزل قائم مقام تجارتي که و آالت او به ثبت رسیده و اعلان شده باید مطابق مقررات وزارت عدلیه به ثبت رسیده و اعلان شود و کلاً در مقابل ثالثی که از عزل مطلع نبوده و آالت باقی محسوب می شود.

ماده 400 - با فوت یا حجر رئیس تجارتخانه قائم مقام تجارتي منعزل نیست با انحلال شرکت قائم



مقام تجارتي منزّل است .

ماده 401 - وآلت سايرآساني كه درقسمتي ازامورتجارت خانه ياشعبه تجارخانه سمت

نمايندگي دارندتايع مقررات عمومي راجع به وآلت است .

باب دهم

ضمانت

ماده 402 - ضامن وقتي حق داردازمضمون له تقاضانمايدكه بدوايه مديون اصلي رجوع كرده

ودرصورتي عدم وصول طلب به اورجوع نمايدكه بين طرفين (خوكه ضمن قراردادمخصوص خوكه

درخودضمانت نامه (اين ترتيب مقررشده باشد.

ماده 403 - دركليّه مواردتي كه بموجب قوانين ياموافق قراردادهاي خصوصي ضمانت تضامني

باشد طلبكارمي توكنند به ضامن ومديون اصلي مجتمارجوع كرده ياپس از رجوع به يكي ازآنها و

عدم وصول طلب خودبراي تمام يا بقيه طلب به ديگري رجوع نمايد.

ماده 404 - حكم فوق درموردتي نيزجاري است كه چندنفره موجب قرارداد يا قانون متضامنا

مسئول انجام تعهدي باشند.

ماده 405 - قبل ازرسيدن اجل دين اصلي ضامن ملزم به تاديه نيست ولواين كه بواسطه

ورشكستگي يافوت مديون اصلي دين موجل احوال شده باشد.

ماده 406 - ضمان حال ازقاعده فوق مستثني است .

ماده 407 - اگرحق مطالبه دين اصلي مشروط به اخطارقبلي است اين اخطارنسبت به ضامن

نيزبايدبعمل آيد.



ماده 408 - همین که دین اصلی به نحوی از انحاء ساقط شد ضامن نیز بری می شود.

ماده 409 - همین که دین حال شد ضامن می توکند مضمون له را به دریافت طلب یا انصراف از ضامن ملزم کند و لو ضامن موجد باشد.

ماده 410 - استنکاف مضمون له از دریافت طلب یا امتناع از تسلیم وثیقه اگر دین با وثیقه بوده ضامن را فوراً و بخودی خود بری خواهد ساخت .

ماده 411 - پس از آنکه ضامن دین اصلی را پرداخت مضمون له باید تمام اسناد و مدارای را که برای رجوع ضامن به مضمون عنه لازم و مفید است به اوداده و اگر دین اصلی با وثیقه باشد آن را به ضامن تسلیم نماید ، اگر دین اصلی وثیقه غیر منقول داشته مضمون عنه مکلف به انجام تشریفات است که برای انتقال وثیقه به ضامن لازم است .

باب یازدهم - در ورشکستگی

فصل اول در کلیات

به قانون تصفیه امور ورشکستگی که بعداً تصویب شده مراجعه شود

ماده 412 - ورشکستگی تاجریا شرکت تجاری در نتیجه توقف از تادیه وجوهی که بر عهده او است حاصل می شود. حکم ورشکستگی تجاری را که حین الفوت در حال توقف بوده تا یک سال بعد از مرگ او نیز می توان صادر نمود.

فصل دوم

در اعلان ورشکستگی و اثرات آن

ماده 413 - تاجر باید در ظرف 3 روز از تاریخ وقفه که در تادیه قروض یا سایر تعهدات نقدی او حاصل



شده است توقف خود را به دفتر محکمه بدایت محل اقامت خود اظهار نموده صورت حساب دارائی و کلیه دفاتر تجاری خود را به دفتر محکمه مزبور تسلیم نماید.

ماده 414 - صورت حساب مذکور در ماده فوق باید مورخ بوده و به امضاء تاجر رسیده و متضمن مراتب ذیل باشد -

1 - تعداد و تقویم کلیه اموال منقول و غیر منقول تاجر متوقف بطور مشروح .

2 - صورت کلیه قروض و مطالبات .

3 - صورت نفع و ضرر و صورت مخارج شخصی .

در صورت توقف شرکتهای تضامنی ، مختلط یا نسبی اسامی و محل اقامت کلیه شرکاء ضامن نیز باید ضمیمه شود.

ماده 415 - ورشکستگی تاجر بحکم محکمه بدایت در موارد ذیل اعلام می شود -

الف - بر حسب اظهار خود تاجر.

ب - بموجب نقضای يك یا چند نفر از طلبکارها.

ج - بر حسب تقاضای مدعی العموم .

ماده 416 - محکمه باید در حکم خود تاریخ توقف تاجر را معین نماید و اگر در حکم معین نشد تاریخ توقف محسوب است .

ماده 417 - حکم ورشکستگی بطور موقت اجرامی شود.

ماده 418 - تاجر ورشکسته از تاریخ صدور حکم از مداخله در تمام اموال خود حتی آنچه که ممکن

است در مدت ورشکستگی عاید او گردد ممنوع است . در کلیه اختیارات و حقوق مالی ورشکسته که



استفاده از آن موثر در تادیه دیون اوباشد مدیر تصفیه قائم مقام قانونی ورشکسته بوده و حق دارد بجای اواز اختیارات و حقوق مزبوره استفاده کند.

ماده 419 - از تاریخ حکم ورشکستگی هرکس نسبت به تاجر ورشکسته دعوائی از منقول یا غیر منقول داشته باشد باید بر مدیر تصفیه اقامه یا بطرفیت او تعقیب کند ، کلیه اقدامات اجرائی نیز مشمول همین دستور خواهد بود.

ماده 420 - محکمه هر وقت صلاح بدکند می تواند ورشکسته را به عنوان شخص ثالث در دعوی مطرحه اجازه دهد.

ماده 421 - همین که حکم ورشکستگی صادر شد قروض موجل با رعایت تخفیفات مقتضیه نسبت به مدت قروض حال مبدل می شود.

ماده 422 - هرگاه تاجر ورشکسته فته طلبی داده یا براتی صادر کرده که قبول نشده یا براتی راقبولی نوشته سایر اشخاصی که مسئول تادیه وجه فته طلب یا برات می باشند باید با رعایت تخفیفات مقتضیه نسبت به مدت وجه آن را نقداً بپردازند تا تادیه آن را در سر وعده تامین نمایند.

ماده 423 - هرگاه تاجر بعد از توقف معاملات ذیل را بنماید باطل و بلا اثر خواهد بود -

1 - هر صلح محاباتی یکپه و بطور کلی هر نقل و انتقال بلاعوض اعم از این که راجع به منقول یا غیر منقول باشد.

2 - تادیه هر قرض اعم از حال یا موجل به وسیله که بعمل آمده باشد.

3 - هر معامله که مالی از اموال منقول یا غیر منقول تاجر را مقید نماید و بضرر طلبکاران تمام شود.

ماده 424 - هرگاه در نتیجه اقامه دعوی از طرف مدیر تصفیه یا طلبکاری بر اشخاصی که با تاجر طرف



معامله بوده یا برقائم مقام قانونی آنها ثابت شود تاجر متوقف قبل از تاریخ توقف خود برای فرار از ادای دین یا برای اضرار به طلبکارها معامله نموده که متضمن ضرری بیش از ربع قیمت حین معامله بوده است آن معامله قابل فسخ است مگر اینکه طرف معامله قبل از صدور حکم فسخ تفاوت قیمت را بپردازد دعوی فسخ در ظرف دو سال از تاریخ وقوع معامله در محکمه پذیرفته می شود.

ماده 425 - هرگاه محکمه بموجب ماده قبل حکم فسخ معامله را صادر نماید محکوم علیه باید پس از قطعی شدن حکم مالی را که موضوع معامله بوده است عیناً به مدیر تصفیه تسلیم و قیمت حین معامله آن را قبل از آنکه دارائی تاجر به غرامت تقسیم شود دریافت دارد و اگر عین مال مزبور در تصرف او نباشد تفاوت قیمت را خواهد داد.

ماده 426 - اگر در محکمه ثابت شود که معامله بطور صوری یا مسبوق به تبانی بوده است آن معامله خود بخود باطل و عین و منافع مالی که موضوع معامله بوده مسترد و طرف معامله اگر طلبکار شود جزو غرامت خواهد بود.

فصل سوم

در تعیین عضوناظر

ماده 427 - در حکمی که بموجب آن ورشکستگی تاجر اعلام می شود محکمه يك نفر را به سمت عضوناظر معین خواهد کرد.

ماده 428 - عضوناظر مکلف به نظارت در اداره امور راجعه به ورشکستگی و سرعت جریان آنست .

ماده 429 - تمام منازعات ناشیه از ورشکستگی را که حل آن از صلاحیت محکمه است عضوناظر به محکمه راپورت خواهد داد.



ماده 430 - شکایت از تصمیمات عضو ناظر فقط در مواردی ممکن است که این قانون معین نموده .

ماده 431 - مرجع شکایت محکمه است که عضو ناظر است رامعین کرده .

ماده 432 - محکمه همیشه می تواند عضو ناظر را تبدیل و دیگری را بجای او بگمارد.

فصل چهارم

در اقدام به مهر و موم و سایر اقدامات اولیه نسبت به ورشکسته

ماده 433 - محکمه در حکم ورشکستگی امر به مهر و موم را نیز میدهد.

ماده 434 - مهر و موم باید فوراً به توسط عضو ناظر بعمل آید مگر در صورتی که بعقیده

عضو مزبور برداشتن صورت دارائی تاجر در يك روز ممکن باشد در این صورت باید فوراً شروع به برداشتن صورت شود.

ماده 435 - اگر تاجر ورشکسته به مفاد ماده 413 و 414 عمل نکرده باشد محکمه در حکم

ورشکستگی قرار توقیف تاجر را خواهد داد.

ماده 436 - قرار توقیف ورشکسته در مواقعی نیز داده خواهد شد که معلوم گردد بواسطه اقدامات

خود از اداره و تسویه شدن عمل ورشکستگی می خواهد جلوگیری کند.

ماده 437 - در صورتی که تاجر مقروض فرار کرده یا تمام یا قسمتی از دارائی خود را مخفی نموده

باشد امین صلح می تواند بر حسب تقاضای يك یا چند نفر از طلبکاران فوراً اقدام به مهر و موم

نماید و باید بلافاصله این اقدام خود را به مدعی العموم اطلاع دهد.

ماده 438 - انبارها و حجره ها و صندوق و اسناد و دفاتر و نوشتجات و کسباب و اثاثیه تجارتخانه و منزل

تاجر باید مهر و موم شود.



ماده 439 - در صورت ورشکستگی شرکتهای تضامنی مختلط یا نسبی اموال شخصی شرکاء ضامن مهر و موم نخواهد شد مگر اینکه حکم ورشکستگی آنها نیز در ضمن حکم ورشکستگی شرکت یا بموجب حکم جداگانه صادر شده باشد.

تبصره - در مورد این ماده و ماده فوق مستثنیات دین از مهر و موم معاف است .

فصل پنجم

در مدیریت تصفیه

ماده 440 - محکمه در ضمن حکم ورشکستگی یا منتها در ظرف پنج روز پس از صدور حکم يك نفر را به سمت مدیریت تصفیه معین می کند.

ماده 441 - اقدامات مدیریت تصفیه برای تهیه صورت طلبکاران و اظهاریه آنها و مدتی که در آن مدت طلبکاران باید خود را معرفی نمایند و بطور کلی وظایف مدیریت تصفیه علاوه بر آن قسمتی که بموجب این قانون معین شده بر طبق نظامنامه ای که طرف وزارت عدلیه تنظیم می شود معین خواهد شد.

ماده 442 - میزان حق الزحمه مدیریت تصفیه را محکمه در حدود مقررات وزارت عدلیه معین خواهد کرد.

فصل ششم در وظایف مدیریت تصفیه

مبحث اول در کلیات

ماده 443 - اگر مهر و موم قبل از تعیین مدیریت تصفیه بعمل نیامده باشد مدیر مزبور تقاضای انجام آن را خواهد نمود.

ماده 444 - عضوانظر به تقاضای مدیریت تصفیه به اوازازه می دهد که اشیاء ذیل را از مهر و موم مستثنی کرده و اگر مهر و موم شده است از توقیف خارج نماید.



- 1 - البسه واثاثيه وكسبائي كه براي حوائج ضروري تاجرو رشكسته و خانواده اولازم است .
- 2 - اشيائي كه ممكن است قريبا ضايع شود يا آسرقيمت حاصل نمايد.
- 3 - اشيائي كه براي بكار كنداختن سرمايه تاجرو رشكسته واستفاده از آن لازم است در صورتي كه توقيف آنها موجب خسارت ارباب طلب باشد. اشياء مذكور در فقره ثانيه وثالثه بايد فوراً تقويم و صورت آن برداشته شود.
- ماده 445 - فروش اشيائي كه ممكن است قريبا ضايع شده يا آسرقيمت حاصل كند و اشيائي كه نگه داشتن آنها مفيد نيست و همچنين بكار كنداختن سرمايه تاجرو رشكسته با اجازه عضوناظر به توسط مدير تصفيه بعمل مي آيد.
- ماده 446 - دفتر دار محكمه دفاتر تاجرو رشكسته رابه اتفاق عضوناظر يا امين صلحي كه آنها را مهرو موم نموده است از توقيف خارج كرده پس از آنكه ذيل دفاتر را بست آنها را به مدير تصفيه تسليم مي نمايد.
- دفتر دار بايد در صورت مجلس آيفيت دفاتر را بطور خلاصه قيد كند ، اوراق هم كه وعده آنها نزديك است يا بايد قبولي آنها نوشته شود و يا نسبت به آنها بايد اقدامات تامينيه بعمل آيد از توقيف خارج شده در صورت مجلس ذكر وبه مدير تصفيه تحويل مي شود تا وجه آن را وصول نمايد و فهرستي كه از مدير تصفيه گرفته مي شود به عضوناظر تسليم مي گردد ، ساير مطالبات را مدير تصفيه در مقابل قبضي كه مي دهد وصول مي نمايد و مراسلاتي كه به اسم تاجرو رشكسته مي رسد به مدير تصفيه تسليم وبه توسط اوباز مي شود و اگر خود رشكسته حاضر باشد در باز كردن مراسلات مي تو كند شركت كند.



ماده 447 - تاجرورشکسته در صورتی که وسیله دیگری برای اعاشه نداشته باشد می تواند نفقه خود و خانواده اش را از دارائی خود درخواست کند. در این صورت عضو ناظر نفقه و مقدار آن را با تصویب محکمه معین می نماید.

ماده 448 - مدیر تصفیه تاجرورشکسته را برای بستن دفاتر احضار می نماید برای حضور او و منتهای چهل و هشت ساعت مهلت داده می شود در صورتی که تاجر حاضر نشد با حضور عضو ناظر اقدام بعمل خواهد آمد ، تاجرورشکسته می تواند در موقع کلیه عملیات تأمینیه حاضر باشد.

ماده 449 - در صورتی که تاجرورشکسته صورت دارائی خود را تسلیم ننموده باشد مدیر تصفیه آن را فوراً بوسیله دفاتر و اسناد مشارکلیه و سایر اطلاعاتی که تحصیل می نماید تنظیم می کند.

ماده 450 - عضو ناظر مجاز است که راجع به تنظیم صورت دارائی و نسبت به اوضاع و احوال ورشکستگی از تاجرورشکسته و شاگرد ها و مستخدمین او و همچنین از اشخاص دیگر توضیحات بخواهد و باید از تحقیقات مذکوره صورت مجلس ترتیب دهد.

مبحث دوم

در رفع توقیف و ترتیب صورت دارائی

ماده 451 - مدیر تصفیه پس از تقاضای رفع توقیف شروع به تنظیم صورت دارائی و تاجرورشکسته رکهم در این موقع احضار می کند ولی عدم حضور او مانع از عمل نیست .

ماده 452 - مدیر تصفیه به تدریجی که رفع توقیف می شود صورت دارائی را در دو نسخه تهیه می نماید.

یکی از نسختهین به دفتر محکمه تسلیم شده و دیگری در نزد او می ماند.



ماده 453 - مدیرتصفیه می توکند برای تهیه صورت دارائی و تقویم اموال از اشخاصی که لازم بدکند استمداد کند صورت اشیائی که موافق ماده 444 در تحت توقیف نیامده ولی قبلاً تقویم شده است ضمیمه صورت دارائی خواهد شد.

ماده 454 - مدیرتصفیه باید در ظرف پانزده روز از تاریخ ماموریت خود صورت خلاصه از وضعیت ورشکستگی و همچنین از علل و اوضاعی که موجب آن شده و نوع ورشکستگی که ظکهر بنظر می آید ترتیب داده عضو ناظر بدهد ، عضو ناظر صورت مزبور را فوراً به مدعی العموم ابتدائی محل تسلیم می نماید.

ماده 455 - صاحب منصبان پارکه می توانند فقط بعنوان نظارت بمنزل تاجر ورشکسته رفته و در حین برداشتن صورت دارائی حضور بهم رسانند مامورین پارکه در هر موقع حق دارند بدفاتر و اسناد و نوشتجات مربوط به ورشکستگی مراجعه کنند این مراجعه نباید باعث تعطیل جریان امر باشد.

مبحث سوم

درفروش اموال و وصول مطالبات

ماده 456 - پس از تهیه شدن صورت دارائی تمام مال التجاره و وجه نقد و اسناد طلب و دفاتر و نوشتجات و اثاثیه (بغیر از مستثنیات دین) و اشیاء تاجر ورشکسته به مدیرتصفیه تسلیم میشود.

ماده 457 - مدیرتصفیه بانظارت عضو ناظر به وصول مطالبات مداومت می نماید و همچنین می توکند با اجازه مدعی العموم و نظارت عضو ناظر به فروش اثاث البیت و مال التجاره تاجر مباشرت نماید لیکن قبلاً باید اظهارات تاجر ورشکسته را استماع یکلا اقل مشارکلیه را برای دادن توضیحات



احضار کند ترتیب فروش بموجب نظامنامه وزارت عدلیه معین خواهد شد.

ماده 458 - نسبت به تمام دعاوی که هیئت طلبکارها در آن ذینفع می باشند مدیریت تصفیه با اجازه

عضو ناظر می تواند دعوی را به صلح خاتمه دهد اگرچه دعاوی مزبوره راجع به اموال غیر منقول

باشد و در این مورد تاجر ورشکسته باید احضار شده باشد.

ماده 459 - اگر موضوع صلح قابل تقویم نبوده یا بیش از پنج هزار ریال باشد صلح لازم

کلاجران خواهد بود مگر اینکه محکمه آن صلح را تصدیق نماید در موقع تصدیق صلح نامه تاجر ورشکسته

احضار می شود و در هر صورت مشارکلیه حق دارد که به صلح اعتراض کند ، اعتراض ورشکسته

در صورتی که صلح راجع به اموال غیر منقول باشد برای جلوگیری از صلح کافی خواهد بود تا محکمه

تکلیف صلح را معین نماید.

ماده 460 - وجوهی که به توسط مدیریت تصفیه دریافت می شود باید فوراً به صندوق عدلیه محل

تسلیم گردد. صندوق مزبور حساب مخصوصی برای عمل ورشکسته اعم از عایدات و مخارج بازمی

کند و جوه مزبور از صندوق مسترد نمی گردد مگر به حواله عضو ناظر و تصدیق مدیریت تصفیه .

مبحث چهارم

در اقدامات تأمینیه

ماده 461 - مدیریت تصفیه مکلف است از روز شروع به مأموریت اقدامات تأمینیه برای حفظ حقوق

تاجر ورشکسته نسبت به مدیونین او بعمل آورد.

مبحث پنجم

در تشخیص مطالبات طلبکارها



ماده 462 - پس از صدور حکم ورشکستگی طلبکارها مکلفند در مدتی که به موجب اخطار مدیر تصفیه در حدود نظامنامه وزارت عدلیه معین شده ، اسناد طلب خود یا سواد مصدق آن را به انضمام فهرستی که کلیه مطالبات آنها را معین می نماید به دفتر دار محکمه تسلیم کرده قبض دریافت دارند.

ماده 463 - تشخیص مطالبات طلبکارها در ظرف سه روز از تاریخ انقضای مهلت مذکور در ماده قبل شروع شده بدون وقفه در محل و روز و ساعاتی که از طرف عضو ناظر معین می گردد به ترتیبی که در نظامنامه معین خواهد شد تعقیب می شود. ماده 464 - هر طلبکاری که طلب او تشخیص یا جزء صورت حساب داری منظور شده می تواند در حین تشخیص مطالبات سایر طلبکارها حضور بهم رسانیده و نسبت به طلبهایی که سابقاً تشخیص شده یا فعلاً در تحت رسیدگی است اعتراض نماید ، همین حق را خود تاجر ورشکسته هم خواهد داشت .

ماده 465 - محل اقامت طلبکارها و وکلای آنها در صورت مجلس تشخیص مطالبات معین و بعلاوه توصیف مختصری از سند داده می شود و تعیین قلم خوردگی یا تراشیدگی یا الحاقات بین السطور نیز باید در صورت مجلس قید و این نکته مسلم شود که طلب مسلم یا متنازع فیه است .

ماده 466 - عضو ناظر می تواند به نظر خود امر به ابراز دفاتر طلبکارها دهد یا از محکمه محل تقاضا نماید صورتی از دفاتر طلبکارها استخراج کرده و نزد او بفرستد.

ماده 467 - اگر طلب مسلم و قبول شد مدیر تصفیه در روی سند عبارت ذیل را نوشته امضاء می نماید و عضو ناظر نیز آن را تصدیق می کند.

“ جز و قروض ... مبلغ ... قبول شده تاریخ ”

هر طلبکار باید در ظرف مدت و به ترتیبی که بموجب نظامنامه وزارت عدلیه معین می شود التزام



بدهد طلبی را که اظهار کرده طلب حقیقی وبدون قصد استفاده نامشروع است .

ماده 468 - اگر طلب متنازع فيه واقع شد عضو ناظر می تواند محل قضیه را به محکمه رجوع ومحکمه باید فوراً از روی راپورت عضو ناظر رسیدگی نماید محکمه می تواند امر دهد که با حضور عضو ناظر تحقیق در امر بعمل آید و اشخاصی را که می توانند راجع به این طلب اطلاعاتی دهند عضو ناظر احضار یا از آنها کسب اطلاع کند.

ماده 469 - در موقعی که اختلاف راجع به تشخیص طلبی به محکمه رجوع شده و قضیه طوری باشد که محکمه نتواند در ظرف پانزده روز حکم صادر کند باید بر حسب اوضاع امر دهد که انعقاد مجلس هیئت طلبکارها برای ترتیب قرارداد ارفاقی به تاخیر افتد و یا اینکه منتظر نتیجه رسیدگی نشده و مجلس مزبور منعقد شود. ماده 470 - محکمه می تواند در صورت تصمیم به انعقاد مجلس قرا دهد که صاحب طلب متنازع فيه معادل مبلغی که محکمه در قرار مزبور معین می کند موقتاً طلبکار شناخته شده در مذاکرات هیئت طلبکارها برای مبلغ مذکور شرکت نماید.

ماده 471 - در صورتی که طلبی مورد تعقیب جزائی واقع شده باشد محکمه می تواند قرار تاخیر مجلس را بدهد ولی اگر تصمیم به عدم تاخیر مجلس نمود نمی تواند صاحب آن طلب را موقتاً جزو طلبکاران قبول نماید و مادام که محاکم خود را ننهادند کند طلبکار مزبور نمی تواند بهیچ وجه در عملیات راجعه به ورشکستگی شرکت کند.

ماده 472 - پس از انقضای مهلت های معین در مواد 462 و 467 به ترتیب قرارداد ارفاقی و به سایر عملیات راجعه به ورشکستگی مداومت می شود.

ماده 473 - طلبکارهایی که در مواعد معینه حاضر نشده و مطابق ماده 462 عمل نکرده نسبت به



عملیات و تشخیصات و تصمیماتی که راجع به تقسیم وجوه قبل از آمدن آنها بعمل آمده حق هیچگونه اعتراضی ندارند ولی در تقسیماتی که ممکن است بعد از عمل آید جزء غرما حساب می شود بدون اینکه حق داشته باشند حصه را که در تقسیمات سابق به آنها تعلق می گرفت از مالک می گیرند. که هنوز تقسیم نشده مطالبه نمایند.

ماده 474 - اگر اشخاصی نسبت به اموال متصرفی تاجر ورشکسته دعوی خیراتی دارند و صرف نظر از آن نمی کنند باید آن را در حین تصفیه عمل ورشکستگی ثابت نمود و بموقع اجراء گ ذکرند.

ماده 475 - حکم فوق درباره دعوی خیراتی نیز مجری خواهد بود که تاجر ورشکسته نسبت به اموال متصرفی خود یا دیگران دارد مشروط بر اینکه ضرر طلبکاران نباشد.

فصل هفتم

در قرارداد ارفاقی و تصفیه حساب تاجر ورشکسته

مبحث اول

در دعوت طلبکارها و مجمع عمومی آنها

ماده 476 - عضوناظر در ظرف هشت روز از تاریخ موعدی که بموجب نظامنامه مذکور در ماده

467 معین شده به توسط دفتر دار محکمه کلیه طلبکارهایی را که طلب آنها تشخیص و تصدیق

یا موافقت قبول شده است برای مشاوره در انعقاد قرارداد ارفاقی دعوت می نماید ، موضوع دعوت

مجمع طلبکارها در رقعہ های دعوت و اعلانات مندرجه درجرا باید تصریح شود.

ماده 477 - مجمع عمومی مزبور در محل و روز و ساعتی که از طرف عضوناظر معین شده است



در تحت ریاست مشارکلیه منعقد می شود. طلبکارهائی که طلب آنها موقتاً قبول گردیده یا وایل ثابت الوآله آنها حاضر می شوند تاجر ورشکسته نیزه این مجمع احضار می شود مشارکلیه باید شخصاً حاضر گردد و فقط وقتی می توکند اعزام وایل نماید که عذر موجه داشته و صحت آن به تصدیق عضو ناظر رسیده باشد.

ماده 478 - مدیر تصفیه به مجمع طلبکارها راپورتي از وضعیت ورشکستگی و اقداماتی که بعمل آمده و عملیاتی که با استحضار تاجر ورشکسته شده است می دهد راپورت مزبور به امضاء مدیر تصفیه رسیده به عضو ناظر تقدیم می شود و عضو ناظر باید از کلیه مذاکرات و تصمیمات مجمع طلبکارها صورت مجلس ترتیب دهد.

مبحث دوم در قرارداد ارفاقی

فقره اول در ترتیب قرارداد ارفاقی

ماده 479 - قرارداد ارفاقی بین تاجر ورشکسته و طلبکارهائی او منعقد نمی شود مگر پس از اجرای مراسمی که در فوق مقرر شده است .

ماده 480 - قرارداد ارفاقی فقط وقتی منعقد می شود که لا اقل نصف بعلاوه يك

نفر از طلبکارها با داشتن لا اقل سه ربع از کلیه مطالباتی که مطابق مبحث پنجم از فصل ششم

تشخیص و تصدیق شده یا موقتاً قبول گشته است در آن قرارداد شرکت نموده

باشند و کلاً بلا اثر خواهد بود.

ماده 481 - هرگاه در مجلس قرارداد ارفاقی اکثریت طلبکارها عدداً حاضر شوند ولی از حیث مبلغ

دارای سه ربع از مطالبات نباشند یا آنکه دارای سه ربع از مطالبات باشند ولی اکثریت عددی



راحائزباشدنتیجه حاصله از آن مجلس معلق وقرارانعقادمجلس ثاني براي يك هفته بعدداده مي شود.

ماده 482 - طلبکارهائي که درمجلس اول خودياوآيل ثابت الوآله آنها حاضر بوده وصورث مجلس راامضاءنموده کندمجبورنیستنددرمجلس ثاني حاضر شوندمگرآنکه بخواهنددرتصميم خودتغییري دهندولي اگر حاضر نشدند تصمیمات سابق آنها به اعتبار خودباقي است ، اگر درجلسه ثاني اکثریت عددي ومبلغی مطابق ماده 480 تکمیل شودقراردادارفاقي قطعی خواهدبود.

ماده 483 - اگر تاجر بعنوان ورشکسته به تقلب محکوم شده باشد قرار داد ارفاقي منعقد نمی شود در موقعی که تاجر بعنوان ورشکسته به تقلب تعقیب می شود لازم است طلبکارها دعوت شوند و معلوم کنند که آیا با احتمال حصول براءة تاجر و انعقاد قرار داد ارفاقي تصمیم خود را در امر مشارکلیه به زمان حصول نتیجه رسیدگی به تقلب موآول خواهند آرد یا تصمیم فوری خواهند گرفت اگر بخواهند تصمیم را موآول به زمان بعد نمایند باید طلبکارهاي حاضر از حیث عده ومبلغ اکثریت معین در ماده 480 راحائزباشد چنانچه در انقضای مدت و حصول نتیجه رسیدگی به تقلب بنای انعقاد قرار داد ارفاقي شود قواعدي که به موجب مواد قبل مقرر است در این موقع نیز باید معمول گردد.

ماده 484 - اگر تاجر بعنوان ورشکستگی به تقصیر محکوم شود انعقاد قرار داد ارفاقي ممکن است لیکن در صورتی که تعقیب تاجر شروع شده باشد طلبکارهاي توانستند حصول نتیجه تعقیب و بارعایت مقررات ماده قبل تصمیم در قرار داد را به تاخیر بیکندازند.

ماده 485 - کلیه طلبکارها که حق شرکت در انعقاد قرار داد ارفاقي داشته کندی توانند راجع به قرار داد اعتراض کنند ، اعتراض باید موجه بوده و در ظرف يك هفته از تاریخ قرار داد به مدیر تصفیه



و خود تاجر ورشکسته ابلاغ شود و کلاً از درجه اعتبار ساقط خواهد بود مدیر تصفیه و تاجر ورشکسته به

اولین جلسه محکمه که بعمل ورشکستگی رسیدگی می کند احضار می شوند.

ماده 486 - قرارداد ارفاقی باید به تصدیق محکمه برسد و هر یک از طرفین قرارداد می توانند تصدیق آن

را از محکمه تقاضا نمایند محکمه نمی تواند قبل از انقضای مدت یک هفته مذکور در ماده قبل تصمیمی

راجع به تصدیق اتخاذ نماید هرگاه در طرف این مدت از طرف طلبکارهائی که حق اعتراض

دارند اعتراضاتی بعمل آمده باشد محکمه باید در موضوع اعتراضات و تصدیق قرارداد ارفاقی حکم

واحد صادر کند اگر اعتراضات تصدیق شود نسبت به تمام اشخاص ذینفع بلا اثر می شود.

ماده 487 - قبل از آنکه محکمه در باب تصدیق قرارداد ارفاقی دهد عضو ناظر باید راپورتی که متضمن

آیفیت ورشکستگی و امکان قبول قرارداد باشد به محکمه تقدیم نماید.

ماده 488 - در صورت عدم رعایت قواعد مقرر محکمه از تصدیق قرارداد ارفاقی امتناع خواهد نمود.

فقره دوم

در اثرات قرارداد ارفاقی

ماده 489 - همین که قرارداد ارفاقی تصدیق شدن نسبت به طلبکارهائی که در اکثریت بوده

کند یا در ظرف ده روز از تاریخ تصدیق آن را امضاء نموده کند قطعی خواهد بود و ولی طلبکارهائی که

جزو اکثریت نبوده و قرارداد رکهم امضاء نکرده کنند می توانند سهم خود را موافق آنچه از دارائی تاجر به

طلب کارها می رسد دریافت نمایند لیکن حق ندارند در آئیه از دارائی تاجر ورشکسته بقیه طلب

خود را مطالبه کنند مگر پس از تادیه تمام طلب آسانی که در قرارداد ارفاقی شرکت داشته یا آن

را در ظرف ده روز مزبور امضاء نموده کند.



ماده 490 - پس از تصدیق شدن قرارداد ارفاقی دعوی بطلان نسبت به آن قبول نمی شود مگر اینکه پس از تصدیق مکشوف شود که در میزان دارائی یا مقدار قروض حيله بکار رفته و قدر حقیقی قلمداد نشده است .

ماده 491 - همین که حکم محکمه راجع به تصدیق قرارداد قطعی شد مدیریت تصفیه صورت حساب آملی با حضور عضو ناظر به تاجر ورشکسته می دهد که در صورت عدم اختلاف بسته می شود. مدیریت تصفیه کلیه دفاتر و اسناد و نوشتجات و همچنین دارائی ورشکسته را به استثنای آنچه که باید به طلبکارانی که قرارداد ارفاقی را امضاء نکرده کند داده شود به مشارکلیه رد کرده رسید می گیرد و پس از آنکه قرار تادیه سهم طلبکاران مذکور را دماموریت مدیریت تصفیه ختم می شود ، از تمام این مراتب عضو ناظر صورت مجلس تهیه می نماید و ماموریتش خاتمه می یابد. در صورت تولید اختلاف محکمه رسیدگی کرده حکم مقتضی خواهد داد.

فقره سوم

در ابطال یا فسخ قرارداد ارفاقی

ماده 492 - در موارد ذیل قرارداد ارفاقی باطل است -

1 - در مورد محکومیت تاجر به ورشکستگی به تقلب .

2 - در مورد ماده 490

ماده 493 - اگر محکمه حکم بطلان قرارداد ارفاقی را بدهد ضمانت ضامن یا ضامن ها (در صورتی که باشد) بخودی خود ملغی می شود.

ماده 494 - اگر تاجر ورشکسته شرایط قرارداد ارفاقی را اجراء نکرد. ممکن است برای فسخ



قرارداد مزبور بر علیه او اقامه دعوی نمود.

ماده 495 - در صورتی که اجرای تمام یا قسمتی از قرارداد را یک یا چند نفر ضمانت کرده باشند طلب کارهایی توانند اجرای تمام یا قسمتی از قرارداد را که ضامن دارد از او بخواهند و در مورد اخیر آن قسمت از قرارداد که ضامن نداشته فسخ می شود ، در صورت تعدد ضامن مسئولیت آنها تضامنی است .

ماده 496 - اگر تاجر ورشکسته پس از تصدیق قرارداد بعنوان ورشکستگی به تقلب تعقیب شده در تحت توقیف یا حبس در آید محکمه می تواند هر قسم وسائل تأمینیه را که مقتضی

بدکند اتخاذ کند ولی به محض صدور قرار منع تعقیب یا حکم تبرئه وسائل مزبوره مرتفع می شود.

ماده 497 - پس از صدور حکم ورشکستگی به تقلب یا حکم ابطال یا فسخ قرارداد ارفاقی محکمه یک عضو ناظر و یک مدیر تصفیه معین می کند.

ماده 498 - مدیر تصفیه می تواند دارائی تاجر را توقیف و مهر و موم نماید مدیر تصفیه فوراً از روی صورت دارائی سابق اقدام به رسیدگی اسناد و نوشتجات نموده و اگر لازم باشد متممی برای صورت دارائی ترتیب می دهد ، مدیر تصفیه باید فوراً به وسیله اعلان در روزنامه طلبکارهای جدید را اگر باشند دعوت نماید که در ظرف یکماه اسناد مطالبات خود را برای رسیدگی ابراز کنند ، در اعلان مزبور مفاد قرار محکمه که بموجب آن مدیر تصفیه معین شده است باید درج شود.

ماده 499 - بدون فوت وقت به اسنادی که مطابق ماده قبل ابراز شده رسیدگی می شود ، نسبت به مطالباتی که سابقاً تشخیص یا تصدیق شده است رسیدگی جدید بعمل نمی آید ، مطالباتی که تمام یا قسمتی از آنها بعد از تصدیق پرداخته شده است موضوع می شود.

ماده 500 - معاملاتی که تاجر ورشکسته پس از صدور حکم راجع به تصدیق قرارداد ارفاقی



تأصویر حکم بطلان یا فسخ قرارداد مزبور نموده باطل نمی شود مگر در صورتی که معلوم شود به قصد اضرائیبه و به ضرر طلبکاران هم باشد.

ماده 501 - در صورت فسخ یا ابطال قرارداد ارفاقی دارای تاجرین طلبکاران ارفاقی و اشخاصی که بعد از قرارداد ارفاقی طلبکار شده کذباً غماً تقسیم می شود.

ماده 502 - اگر طلبکاران ارفاقی بعد از توقف تاجر تا زمان فسخ یا ابطال چیزی گرفته کند ما خودی آنها از وجهی که به ترتیب غمابه آنها می رسد آسیر خواهد شد.

ماده 503 - هرگاه تاجر ورشکست و امرش منتهی به قرارداد ارفاقی گردید و ثانیاً بدون اینکه قرارداد مزبور ابطال یا فسخ شود ورشکست شد مقررات دو ماده قبل در ورشکستگی ثانوی لازم کلاً اجراست .

مبحث سوم

در تفریغ حساب و ختم عمل ورشکستگی

ماده 504 - اگر قرارداد ارفاقی منعقد نشد مدیر تصفیه فوراً به عملیات تصفیه و تفریغ عمل ورشکستگی شروع خواهد کرد.

ماده 505 - در صورتی که اکثریت مذکور در ماده 480 موافقت نماید محکمه مبلغی را برای اعاشه ورشکسته در حدود مقررات ماده 447 معین خواهد کرد.

ماده 506 - اگر شرکت تضامنی ، مختلط یا نسبت ورشکست شود طلبکارها می

توانند قرارداد ارفاقی را با شرکت یا منحصراً بایک یا چند نفر از شرکاء ضامن منعقد نمایند در صورت ثانی

دارائی شرکت تابع مقررات این مبحث و به غمما تقسیم می شود ولی دارائی شخصی شرآئی که



بآنها قرارداد ارفاقی منعقد شده است به غرما تقسیم نخواهد شد شریک یا شرکاء ضامن که
بآنها قرارداد خصوصی منعقد شده نمی توکنند تعهد حصه نمایند مگر از اموال شخصی خودشان شریکی
که با او قرارداد مخصوص منعقد شده از مسئولیت تضامنی مبرا است .

ماده 507 - اگر طلبکارها بخواهند تجارت تاجر ورشکسته را ادامه دهند می توانند برای این امر و آیل
یا عامل مخصوصی انتخاب نموده یا بخود مدیر تصفیه این ماموریت را بدهند.

ماده 508 - در ضمن تصمیمی که و آلت مذکور در ماده فوق مقرری دارد باید مدت و حدود و آلت
و همچنین میزان وجهی که و آیل می توکنند برای مخارج لازمه پیش خود نگه داردمعین گردد ، تصمیم
مذکور اتخاذ نمی شود مگر با حضور عضو ناظر و با اکثریت سه ربع

از طلبکارها عدد و مبلغ خود تاجر ورشکسته و همچنین طلبکارهای مخالف (با رعایت ماده 473) می
توانند نسبت به این تصمیم در محکمه اعتراض نمایند این اعتراض اجرای تصمیم را به تاخیر نمی
کند از د.

ماده 509 - اگر از معاملات و آیل یا عاملی که تجارت ورشکسته را ادامه میدهد تعهداتی حاصل
شود که بیش از حد دارائی تاجر ورشکسته است فقط طلبکارهایی که آن اجازه راداده
کنند شخصا علاوه بر حصه که در دارائی مزبور دارند به نسبت طلبشان در حدود اختیاراتی که داده
کنند مسئول تعهدات مذکوره می باشند.

ماده 510 - در صورتی که عمل تاجر ورشکسته منجر به تفریغ حساب شود مدیر تصفیه مکلف است
تمام اموال منقول و غیر منقول تاجر ورشکسته را به فروش رسانیده مطالبات و دیون و حقوق او را صلح
و مصالحه و وصول و تفریغ کند تمام این مراتب در تحت نظر عضو ناظر و با حضور تاجر ورشکسته بعمل می



آید اگر تاجر ورشکسته از حضور استنکاف نمود استحضار مدعی العموم کافی است .

فروش اموال مطابق نظامنامه وزارت عدلیه بعمل خواهد آمد.

ماده 511 - همین که تفریغ عمل تاجر به اتمام رسید عضو ناظر طلبکارها و تاجر ورشکسته را دعوت می نماید در این جلسه مدیر تصفیه حساب خود را خواهد داد.

ماده 512 - هرگاه اموکی در اجاره تاجر ورشکسته باشد مدیر تصفیه در فسخ یا ابقاء اجاره به نحوی که موافق منافع طلبکارها باشد اتخاذ تصمیم می کند اگر تصمیم بر فسخ اجاره شده صاحبان اموال مستاجر از بابت مال کلاجره که تا آن تاریخ مستحق شده کند جزء غرما منظور می شوند ، اگر تصمیم بر ابقاء اجاره بوده و تأمیناتی هم سابقاً بموجب اجاره نامه بموثر داده شده باشد آن تأمینات

ابقاء خواهد شد و کلاً تأمیناتی که پس از ورشکستگی داده می شود باید کافی باشد ، در صورتی که باتصمیم مدیر تصفیه بر فسخ اجاره موثر راضی به فسخ نشود حق مطالبه تأمین را نخواهد داشت .

ماده 513 - مدیر تصفیه می تواند با اجازه عضو ناظر اجاره را برای بقیه مدت به دیگری تفویض نماید (مشروط بر اینکه بموجب قرارداد آتی طرفین این حق منع نشده باشد) و در صورت تفویض به غیر باید وثیقه کافی که تأمین پرداخت مال کلاجره را بنماید به مالک اموال مستاجر داده و کلیه شرایط و مقررات اجاره نامه را بموقع خود اجرا کند.

فصل هشتم

در اقسام مختلفه طلبکارها و حقوق هر یک از آنها

مبحث اول

در طلبکارهایی که رهنه منقول دارند



ماده 514 - طلبکارهائی که رهنه در دست دارند فقط در صورت غمابرای یادداشت قید می شوند.

ماده 515 - مدیر تصفیه می تواند در هر موقع با اجازه عضو ناظر طلب طلبکارها را داده و شیئی مرهون را از رهن خارج و جزء دارائی تاجر ورشکسته منظور دارد.

ماده 516 - اگر وثیقه فک نشود مدیر تصفیه باید با نظارت مدعی العموم آن را بفروش برسد و مرتبه

نیز در آن موقع باید دعوت شود. اگر قیمت فروش وثیقه پس از وضع مخارج بیش از طلب

طلبکارها باشد مازاد به مدیر تصفیه تسلیم می شود و اگر قیمت فروش کمتر شد مرتبه برای بقیه طلب خود در جزء طلبکارهای عادی غمابمنطور خواهد شد.

ماده 517 - مدیر تصفیه صورت طلبکارهائی را که ادعای وثیقه می نمایند به عضو ناظر تقدیم می

کند ، عضو مزبور در صورت لزوم اجازه می دهد طلب آنها را از اولین وجوهی که تهیه می شود پرداخته

گردد. در صورتی که نسبت به حق وثیقه طلبکارها اعتراضی داشته باشند به محکمه رجوع می

شود.

مبحث دوم

در طلبکارهائی که نسبت به اموال غیر منقول حق تقدم دارند

ماده 518 - اگر تقسیم وجوهی که از فروش اموال غیر منقول حاصل شده قبل از تقسیم دارائی

منقول یا در همان حین بعمل آمده باشد طلبکارهائی که نسبت به اموال غیر منقول حقوقی

دارند و حاصل فروش اموال مزبوره آفایت طلب آنها را ننموده است نسبت به بقیه طلب

خود جزء غماب معمولی منظور و از وجوهی که برای غماب مزبور مقرر است حصه می برند مشروط بر این

که طلب آنها بطوری که قبلاً مذکور شده است تصدیق شده باشد.



ماده 519 - اگر قبل از تقسیم وجوهی که از فروش اموال غیر منقول حاصل شده وجهی از بابت دارائی منقول تقسیم شود طلبکارهایی که نسبت به اموال غیر منقول حقوقی دارند و طلب آنها تصدیق و اعتراف شده است به میزان کلیه طلب خود جزء سایر غرما و اورد و از وجوه حصه می برند ولی عند کلاقتضاء مبلغ دریافتی در موقع تقسیم حاصل اموال غیر منقول از طلب آنها موضوع می شود.

ماده 520 - در مورد طلبکارهایی که نسبت به اموال غیر منقول حقوقی دارند ولی به واسطه مقدم بودن سایر طلبکاران نمی توانند در حین تقسیم قیمت اموال غیر منقول طلب خود را تمام وصول کنند ترتیب ذیل مرعی خواهد بود.

اگر طلبکارهای مزبور قبل از تقسیم حاصل اموال غیر منقول از بابت طلب خود وجهی دریافت داشته باشند این مبلغ از حصه که از بابت اموال غیر منقول به آنها تعلق می گیرد موضوع وبه حصه که باید بین طلبکارهای معمولی تقسیم شود اضافه می گردد و بقیه طلبکارهایی که در اموال غیر منقول ذیحق بوده کن برای بقیه طلب خود به نسبت آن بقیه جزء غرما محسوب شده حصه می برند

ماده 521 - اگر بواسطه مقدم بودن طلبکارهای دیگر بعضی از طلبکارهایی که نسبت به اموال غیر منقول حقوقی دارند وجهی دریافت نکنند طلب آنها جزء غرما محسوب و بدین سمت هر معامله که از بابت قرارداد ارفاقی و غیره با غرما می شود با آنها نیز عمل خواهد آمد.

فصل نهم

در تقسیم بین طلبکارها و فروش اموال منقول

ماده 522 - پس از وضع مخارج اداره امور ورشکستگی و اعانه که ممکن است به تاجر ورشکسته



داده شده باشد و جوهی که بایده صاحبان مطالبات ممتاز تادیه گردد مجموع دارائی منقول بین طلبکارها به نسبت طلب آنها که قبلا تشخیص و تصدیق شده است تقسیم خواهد شد.

ماده 523 - مدیر تصفیه برای اجرای مقصود مذکور در ماده فوق ماهی یک مرتبه صورت حساب عمل ورشکستگی راباعتین وجوه موجوده به عضوناظر می دهد. عضو مذکور در صورت لزوم امر به تقسیم وجوه مزبور بین طلبکارها داده مبلغ آن رامعین ومواطبت می نماید که به تمام طلبکارها اطلاع داده شود.

ماده 524 - در موقع تقسیم وجوه بین طلبکارها حصه طلبکارهای مقیم ممالک خارجه به نسبت طلب آنها که در صورت دارائی وقروض منظور شده است موضوع می گردد. چنانچه مطالبات مزبور صحیحادر صورت دارائی وقروض منظور نشده باشد عضوناظر می توکند حصه موضوعی رازید کند برای مطالباتی که هنوز در باب آنها تصمیم قطعی اتخاذ نشده است باید مبلغی موضوع گردد.

ماده 525 - وجوهی که برای طلبکارهای مقیم خارجه موضوع شده است تا مدتی که قانون برای آنها معین کرده بطور امانت به صندوق عدلیه سپرده خواهد شد. اگر طلبکارهای مذکور مطابق این قانون مطالبات خود را به تصدیق نرسانند مبلغ مزبور بین طلبکارهایی که طلب آنها به تصدیق رسیده تقسیم می گردد و جوهی که برای مطالبات تصدیق نشده موضوع گردیده در صورت عدم تصدیق آن مطالبات بین طلبکارهایی که طلب آنها تصدیق شده تقسیم می شود.

ماده 526 - هیچ طلبی رامدیر تصفیه نمی پردازد مگر آنکه مدارک واسناد آن راقبلا ملاحظه کرده باشد مدیر تصفیه مبلغی را که پرداخته در روی سند قید می کند عضوناظر در صورت عدم امکان



ابرازسندمي توکنداجازه دهدکه بموجب صورت مجلسي که طلب درآن تصدیق شده وجهي پرداخته شوددرهرحال باید طلبکارهارسیدوجه رادرذیل صورت تقسیم ذکرآند.

ماده 527 - ممکن است هیئت طلبکارهابه استحضارتاجرورشکسته از محکمه تحصیل اجازه نمایندکه تمام یاقسمتي ازحقوق ومطالبات تاجرورشکسته راکه هنوزوصول نشده بطوري که صرفه وصلاح تاجرورشکسته هم منظورشودخودشان قبول وموردمعامله قרכردهندراین صورت مدیرتصفیه اقدامات مقتضیه را بعمل خواهدآورددراین خصوص هرطلبکاری توکندبه عضوناظرمرآعه کرده تقاضانمایدکه طلبکارهاي دیگرراعوت نمایدتاتصمیم خودرااتخاذ بنمایند.

فصل دهم

دردعوي استرداد

ماده 528 - اگرقبل از ورشکستگی تاجرکسي اوراق تجارتي به اوداده باشد که وجه آن راوصول وبه حساب صاحب سندنگهداردوبابه مصرف معيني برسکندو وجه اوراق مزبوروصول یاتادیه نگشته واسنادعینادرجین ورشکستگی درنزد تاجرورشکسته موجودباشدصاحبان آن مي توانندعین اسنادرااستردادآند.

ماده 529 - مال التجاره هائي که درنزدتاجرورشکسته امانت بوده یابه مشارکلیه داده شده است که به حساب صاحب مال التجاره بفروش برسکندمادام که عین آنهاکلاياجزعاندتاجرورشکسته موجودیانزدشخص دیگری ازطرف تاجر مزبورامانت یابرای فروش گذکرده شده وموجودباشدقابل استرداداست .

ماده 530 - مال التجاره هائي که تاجرورشکسته به حساب دیگری خریداري کرده وعین آن



موجود است اگر قیمت آن پرداخته نشده باشد از طرف فروشنده و کلاً از طرف کسی که به حساب او آن مال خریداری شده قابل استرداد است .

ماده 531 - هرگاه تمام یا قسمتی از مال التجاره که برای فروش به تاجر ورشکسته داده شده بود معامله شده و به هیچ نحوی بین خریدار و تاجر ورشکسته احتساب نشد باشد از طرف صاحب مال قابل استرداد است اعم از اینکه نزد تاجر ورشکسته یا خریدار باشد و بطور کلی عین هر مال متعلق به دیگری که در نزد تاجر ورشکسته موجود باشد قابل استرداد است .

ماده 532 - اگر مال التجاره که برای تاجر ورشکسته حمل شده قبل از وصول از از روی صورت حساب یا بارنامه که دارای امضاء ارسال کننده است به فروش رسیده و فروش صوری نباشد دعوی استرداد پذیرفته نمی شود و کلاً موافق ماده 529 قابل استرداد است و استرداد آننده باید وجوهی را که بطور علی الحساب گرفته یا مساعدت از بابت آرایه حمل و حق کمیسیون و بیمه و غیره تادیه شده یا از این بابت ها باید تادیه بشود به طلبکارها بپردازند.

ماده 533 - هرگاه کسی مال التجاره به تاجر ورشکسته فروخته ولیکن هنوز آن جنس نه بخود تاجر ورشکسته تسلیم شده و نه به کسی دیگر که به حساب او بیاورد آن آس می توکند به اندازه که وجه آن را نگرفته از تسلیم مال التجاره امتناع کند.

ماده 534 - در مورد دو ماده قبل مدیر تصفیه می توکند با اجازه عضو ناظر تسلیم مال التجاره را تقاضا نماید ولی باید قیمتی را که بین فروشنده و تاجر ورشکسته مقرر شده است بپردازد.

ماده 535 - مدیر تصفیه می توکند با تصویب عضو ناظر تقاضای استرداد را قبول نماید و در صورت اختلاف محکمه پس از استماع عقیده ناظر حکم مقتضی را میدهد.



فصل یازدهم

در طرق شکایت از احکام صادره راجع به ورشکستگی

ماده 536 - حکم اعلان ورشکستگی و همچنین حکمی که بموجب آن تاریخ توقف تاجر در زمانی قبل از اعلان ورشکستگی تشخیص شود قابل اعتراض است .

ماده 537 - اعتراض باید از طرف تاجر ورشکسته در ظرف ده روز از طرف اشخاص ذینفع که در ایران مقیمند در ظرف یکماه و از طرف آنهایی که در خارج اقامت دارند در ظرف دوماه بعمل آید ابتدای مدتهای مزبور از تاریخی است که احکام مذکوره اعلان می شود.

ماده 538 - پس از انقضای مهلتی که برای تشخیص و تصدیق مطالبات طلبکارها راجع به تعیین تاریخ توقف به غیر آن تاریخی که بموجب حکم ورشکستگی یا حکم دیگری که در این باب صادر شده قبول نخواهد شد ، همین که مهلت های مزبور منقضی شد تاریخ توقف نسبت به طلبکارها قطعی و غیر قابل تغییر خواهد بود.

ماده 539 - مهلت استیناف از حکم ورشکستگی ده روز از تاریخ ابلاغ است به این مدت برای آسانی که محل اقامت آنها از مقر محکمه بیش از شش فرسخ فاصله دارد از قرار هر شش فرسخ يك روز اضافه می شود.

ماده 540 - قرارهایی ذیل قابل اعتراض و استیناف تمیز نیست .

- 1 - قرارهای راجعه به تعیین یا تغییر عضو ناظر یا مدیر تصفیه .
- 2 - قرارهای راجعه به تقاضای اعانه به جهت تاجر ورشکسته یا خانواده او.
- 3 - قرارهای فروش کسباب یا مال التجاره که متعلق به ورشکسته است .



- 4 - قراردادهایی که قراردادارفاقی را موقتاً موقوف یا قبول موقتی مطالبات متنازع فیہ را مقرر می دارد.
- 5 - قراردادهای صادره در خصوص شکایت از اوامری که عضو ناظر در حدود صلاحیت خود صادر کرده است .

باب دوازدهم

در ورشکستگی به تقصیر و ورشکستگی به تقلب

فصل اول

در ورشکستگی به تقصیر

ماده 541 - تاجر در موارد ذیل ورشکسته به تقصیر اعلان می شود.

- 1 - در صورتی که محقق شود مخارج شخصی یا مخارج خانه مشارکلیه در ایام عادی بالنسبه به عایدی اوفوق العاده بوده است .
 - 2 - در صورتی که محقق شود که تاجر نسبت به سرمایه خود مبالغ عمده صرف معاملاتی کرده که در عرف تجارت موهوم یا نفع آن منوط به اتفاق محض است .
 - 3 - اگر به قصد تاخیر کنداختن ورشکستگی خود خریدی بکلاتریا فروشی نازلتر از مظنه روز کرده باشد یا اگر به همان قصد وسائلی که دوران صرفه است بکار برده تا تحصیل وجهی نماید اعم از اینکه از رکه استقراض یا صدور برات یا بطریق دیگر باشد.
 - 4 - اگر یکی از طلبکارها راپس از تاریخ توقف بر سایرین ترجیح داده و طلب او را پرداخته باشد.
- ماده 542 - در موارد ذیل هر تاجر ورشکسته ممکن است ورشکسته به تقصیر اعلان شود -
- 1 - اگر به حساب دیگری وبدون آنکه در مقابل عوضی دریافت نماید تعهداتی کرده باشد که نظریه وضعیت مالی او در حین انجام آنها آن تعهدات فوق العاده باشد.



- 2 - اگر عملیات تجارتي اومتوقف شده ومطابق ماده 413 این قانون رفتار نکرده باشد.
- 3 - اگر از تاریخ اجرای قانون تجارت مصوب 25 دلو 1303 و 12 فروردین و 12 خرداد 1304 دفتر نداشته
- یادفاتر اوناقص یابی ترتیب بوده یادرصورت دارائی وضعیت حقیقی خودرا اعم از قروض ومطالبات بطور صریح معین نکرده باشد (مشروط بر اینکه در این موارد مرتکب تقلبی نشده باشد).
- ماده 543 - ورشکستگی به تقصیر جنحه محسوب ومجازات آن از 6 ماه تا سه سال حبس تادیبی است .
- ماده 544 - رسیدگی به جرم فوق بر حسب تقاضای مدیر تصفیه یکهریک از طلبکارها یا تعقیب مدعی العموم در محکمه جنحه بعمل می آید.
- ماده 545 - در صورتی که تعقیب تاجر ورشکسته به تقصیر از طرف مدعی العموم به عمل آمده باشد مخارج آن را به هیچوجه نمی توان به هیئت طلبکارها تحمیل نمود. در صورت انعقاد قرارداد ارفاقی مامورین اجرا نمی توانند اقدام به وصول این مخارج کنند مگر پس از انقضای مدت های معینه در قرارداد.
- ماده 546 - مخارج تعقیبی که از طرف مدیر تصفیه بنام طلبکارها می شود در صورت برائت تاجر به عهده هیئت طلبکارها و در صورتی که محکوم شده به عهده دولت است لیکن دولت حق دارد مطابق ماده قبل به تاجر ورشکسته مراجعه نماید
- ماده 547 - مدیر تصفیه نمی تواند تاجر ورشکسته را بعنوان ورشکستگی به تقصیر تعقیب کند یا از طرف هیئت طلبکارها مدعی خصوصی واقع شود مگر پس از تصویب اکثریت طلبکارهای حاضر.
- ماده 548 - مخارج تعقیبی که از طرف یکی از طلبکارها بعمل می آید در صورت محکومیت



تاجرو رشکسته بعهدہ دولت و در صورت برائت ذمہ بعهدہ تعقیب کننده است .

فصل دوم

در ورشکستگی به تقلب

ماده 549 - هرتاجرو رشکسته که دفاتر خود را مفقود نموده یا قسمتی از دارائی خود را مخفی کرده و با بطریق مواضعه و معاملات صوری از میان برده و هم چنین هرتاجرو رشکسته که خود را به وسیله اسنادیابه وسیله صورت دارائی و قروض بطور تقلب به میزانی که در حقیقت مدیون نمی باشد مدیون قلمداد نموده است ورشکسته به تقلب اعلام و مطابق قانون جزا مجازات می شود.

ماده 550 - راجع به تقاضای تعقیب و مخارج آن در موارد ماده قبل مفاد مواد 545 تا 548 لازم الرعایه است .

فصل سوم

درجنحه و جانیاتی که اشخاص غیر از تاجر ورشکسته در امر ورشکستگی مرتکب می شوند

ماده 551 - در مورد ورشکستگی اشخاص ذیل مجرم محسوب و مطابق قانون جزا به مجازات ورشکسته به تقلب محکوم خواهند شد :

۱ - اشخاصی که عالما به نفع تاجرو رشکسته تمام یا قسمتی از دارائی منقول یا غیر منقول او را از میان ببرند یا پیش خود نگه دارند یا مخفی نمایند.

2 - اشخاصی که به قصد تقلب به اسم خود یا به اسم دیگری طلب غیر واقعی را قلمداد کرده و مطابق ماده 467 التزام داده باشند.

ماده 552 - اشخاصی که به اسم دیگری یا به اسم موهومی تجارت نموده و و اعمال مندرجه در



ماده 549 رامرتکب شده کذب مجازاتی که برای ورشکسته به تقلب مقرراست محکوم می باشند.

ماده 553 - اگر اقوام شخص ورشکسته بدون شرکت مشارکلیه اموال او را از میان ببرند یا مخفی نمایند یا پیش خودنگه دارند به مجازاتی که برای سرقت معین است محکوم خواهند شد.

ماده 554 - در موارد معینه در مواد قبل محکمه که رسیدگی می کند باید در خصوص مسائل ذیل ولو اینکه متهم تبرئه شده باشد حکم بدهد -

1 - راجع به رد کلیه اموال و حقوقی که موضوع جرم بوده است به هیئت طلبکارها ، این حکم را محکمه در صورتی که مدعی خصوصی هم نباشد باید صادر کند.

2 - راجع به ضرر و خساراتی که ادعا شده است .

ماده 555 - اگر مدیر تصفیه در حین تصدی به امور تاجر ورشکسته وجهی را حیف و میل کرده باشد به مجازات خیانت در امانت محکوم خواهد شد.

ماده 556 - هرگاه مدیر تصفیه اعم از این که طلبکار باشد یا نباشد در مذاکرات راجعه به ورشکستگی باشخص ورشکسته یا بادیگری تبانی نماید یا قرارداد خصوصی منعقد کند که آن تبانی یا قرارداد بنفع مرتکب و به ضرر طلبکارها یا بعضی از آنها باشد در محکمه جنحه به حبس تادیبی از شش ماه تا دو سال محکوم می شود.

ماده 557 - کلیه قرارهایی که پس از تاریخ توقف تاجر منعقد شده باشد نسبت به هر کس حتی خود تاجر ورشکسته محکوم به بطلان است . طرف قرارداد مجبور است که وجوه یا اموکی را که بموجب قرارداد باطل شده دریافت کرده است به اشخاص ذیحق مسترد دارد.



ماده 558 - هر حکم محکومیتی که بموجب این فصل یا به موجب فصول سابق صادر شود باید به خرج محکوم علیه اعلان گردد.

فصل چهارم

در اداره کردن اموال تاجر ورشکسته در صورت

ورشکستگی به تقصیر یا به تقلب

ماده 559 - در تمام مواردی که کسی بواسطه ورشکستگی به تقصیر یا به تقلب تعقیب و محکوم می شود رسیدگی به کلیه دعاوی حقوقی به غیر از آنچه در ماده 554 مذکور است از صلاحیت محکمه جزا خارج خواهد بود.

ماده 560 - مدیر تصفیه مکلف است در صورت تقاضای مدعی العموم بدایت کلیه اسناد و نوشتجات و اوراق و اطلاعات لازمه و رابه او بدهد.

باب سیزدهم

در اعاده اعتبار

ماده 561 - هر تاجر ورشکسته که کلیه دیون خود را بامتفرعات و مخارجی که به آن تعلق گرفته است کاملاً بپردازد حق اعاده اعتبار می نماید.

ماده 562 - طلبکار هانمی توانند از جهت تاخیری که در اداء طلب آنها شده است برای بیش از پنج سال مطالبات متفرعات و خسارات نمایند و در هر حال متفرعاتی که مطالبه می شود در سال نباید بیش از صدی هفت طلب شد.

ماده 563 - برای آنکه شریک ضامن يك شرکت ورشکسته که حکم ورشکستگی او نیز صادر شده



بتوکنده حق اعاده اعتبار حاصل کند باید ثابت نماید که به ترتیب فوق تمام دیون شرکت را پرداخته است و لو اینکه نسبت به شخص اوقرار داد ارفاقي مخصوصي وجود داشته باشد.

ماده 564 - در صورتی که يك یا چند نفر از طلبکارها مفقود کلاثر باغایب بوده یا این که از دریافت وجه امتناع نمایند تا جرورشکسته باید و جوهی را که به آنها مدیون است به اطلاع مدعی العموم در صندوق عدلیه بسپارد و همینکه تاجر معلوم آرد این وجوه را سپرده است برای الذمه محسوب است .

ماده 565 - تاجرورشکسته در دو مورد ذیل پس از اثبات صحت عمل در مدت پنج سال از تاریخ اعلان ورشکستگی می تواند اعتبار خود را اعاده نماید -

1 - تاجرورشکسته که تحصیل قرارداد ارفاقي نموده و تمام وجوهی را که به موجب قرارداد بعهده گرفته است پرداخته باشد ، این ترتیب در مورد شریك شرکت ورشکسته که شخص تحصیل قرارداد ارفاقي جداگانه نموده است نیز رعایت می شود.

2 - تاجرورشکسته که کلیه طلبکاران ذمه او را بری کرده یا به اعاده اعتبار او رضایین داده کند.

ماده 566 - عرض حال اعاده اعتبار باید به انضمام اسناد مثبت آن به مدعی العموم حوزه ابتدائی داده شود که اعلان ورشکستگی در آن حوزه واقع شده است .

ماده 567 - سواد این عرض حال در مدت یکماه در اطاق جلسه محکمه ابتدائی و همچنین در اداره

مدعی العموم بدایت الصاق و اعلان می شود و علاوه دفتر دار محکمه باید عرض حال مزبور را به کلیه

طلبکارهائی که مطالبات آنها در حین تصفیه عمل تاجرورشکسته یا بعد از آن تصدیق شده و هنوز طلب

خود را بر طبق مواد 561 و 562 کامل دریافت نکرده کذب و وسیله مکتوب سفارشی اعلام دارد.



ماده 568 - هر طلبکاری که مطابق مقررات مواد 561 و 562 طلب خود را کامل دریافت نکرده می توکند در مدت یکماه از تاریخ اعلام مذکور در ماده قبل به عرض حال اعاده اعتبار اعتراض کند.

ماده 569 - اعتراض به وسیله اظهارنامه که به ضمیمه اسناد مثبته به دفتر محکمه بدایت داده می شود بعمل می آید. طلبکار معترض می توکند بموجب عرض حال در حین رسیدگی به دعوی اعاده اعتبار بطور شخص ثالث ورود کند.

ماده 570 - پس از انقضای موعده نتیجه تحقیقاتی که به توسط مدعی العموم بعمل آمده است به انضمام عرایض اعتراض به رئیس محکمه داده می شود رئیس مزبور در صورت لزوم مدعی و معترضین را به جلسه خصوصی محکمه احضار می کند.

ماده 571 - در مورد ماده 561 محکمه فقط صحت مدارک راسنجیده در صورت موافقت آنها با قانون حکم اعاده اعتبار می دهد و در مورد ماده 565 محکمه اوضاع و احوال راسنجیده بطوری که مقتضی عدل و انصاف بدکند حکم می دهد و در هر صورت حکم باید در جلسه علنی صادر گردد.

ماده 572 - مدعی اعاده اعتبار و همچنین مدعی عمومی و طلبکارهای معترض می توانند در طرف ده روز از تاریخ اعلام حکم به وسیله مکتوب سفارشی از حکمی که در خصوص اعاده اعتبار صادر شده استیناف بخواهند ، محکمه استیناف پس از رسیدگی بر حسب مقررات ماده 571 حکم صادر می کند.

ماده 573 - اگر عرض حال اعاده اعتبار رد شود تجدید ممکن نیست مگر پس از انقضای شش ماه .

ماده 754 - اگر عرض حال قبول شود حکمی که صادر می گردد در دفتر مخصوصی که در محکمه بدایت محل اقامت تاجر برای اینکار مقرر است ثبت خواهد شد اگر محل اقامت تاجر در حوزه محکمه که حکم



می دهد نباشد درستون ملاحظات دفتر ثبت اسامی ورشکستگان که در دایره ثبت اسناد محل موجود است مقابل اسم تاجر ورشکسته با مرآب قرمزیه حکم مزبور اشاره می شود.

ماده 575 - ورشکسته به تقلب و هم چنین اشخاصی که برای سرقت یا آلودگی یا خیانت در امانت محکوم شده کند مادی که از جنبه جزائی اعاده حیثیت نکرده کندنمی توانند از جنبه تجارتي اعاده اعتبار آند.

باب چهاردهم

اسم تجارتي

- ماده 576 - ثبت اسم تجارتي اختیاري است مگر در مواردی که وزارت عدلیه ثبت آن را الزامی کند.
- ماده 577 - صاحب تجارت خانه که شریک در تجارتخانه نکر دنمی تو کند اسمی برای تجارتخانه خود انتخاب کند که موهم وجود شریک باشد.
- ماده 578 - اسم تجارتي ثبت شده رکهیچ شخص دیگری در همان محل نمی تو کند اسم تجارتي خود کر دهد و لو اینکه اسم تجارتي ثبت شده با اسم خانوادگی او یکی باشد.
- ماده 579 - اسم تجارتي قابل انتقال است .
- ماده 580 - مدت اعتبار ثبت اسم تجارتي پنج سال است .
- ماده 581 - در مواردی که ثبت اسم تجارتي الزامی شده و در موعد مقرر ثبت بعمل نیاید اداره ثبت اقدام به ثبت کرده و سه برابر حق الثبت ماخوذ خواهد داشت .
- ماده 582 - وزارت عدلیه بموجب نظامنامه ترتیب اسم تجارتي و اعلان آن و اصول محاکمات در دعاوی مربوط به اسم تجارتي رامعین خواهد کرد.



باب پانزدهم - شخصیت حقوقی

فصل اول اشخاص حقوقی

ماده 583 - کلیه شرکتهای تجارتی مذکور در این قانون شخصیت حقوقی دارند.

ماده 584 - تشکیلات ومؤسساتی که برای مقاصد غیر تجارتی تاسیس یا بشوند از تاریخ ثبت

در دفتر ثبت مخصوصی که وزارت عدلیه معین خواهد کرد شخصیت حقوقی پیدامی کنند.

ماده 585 - شرایط ثبت مؤسسات وتشکیلات مذکور در ماده فوق به موجب نظامنامه وزارت عدلیه

معین خواهد شد. حق الثبت مؤسسات وتشکیلات مطابق نظامنامه ازینج ریال طلا تا پنج پهلوی

وبعلاوه مشمول ماده 135 قانون ثبت اسناد املاک است .

ماده 586 - مؤسسات وتشکیلاتی را که مقاصد آنها مخالف با انتظامات عمومی یا نامشروع است

نمی توان ثبت آرد.

ماده 587 - مؤسسات وتشکیلات دولتی ولدی به محض ایجاد وبدون احتیاج به ثبت دارای

شخصیت حقوقی می شوند.

فصل دوم

حقوق ووظایف واقامتگاه وتابعیت شخص حقوقی

ماده 588 - شخص حقوقی می تواند دارای کلیه حقوق وتکالیفی شود که قانون برای افراد قائل

است مگر حقوق ووظایفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن باشد مانند حقوق ووظایف

ابوت نبوت وامثال ذلك .

ماده 589 - تصمیمات شخص حقوقی به وسیله مقاماتی که بموجب قانون یا اساسنامه



صلاحیت اتخاذتصمیم دارندگرفته می شود.

ماده 590 - اقامتگاه شخص حقوقی محلی است که اداره شخص حقوقی در آنجا است .

ماده 591 - اشخاص حقوقی تابعیت مملکتی را دارند که اقامتگاه آنها در آن مملکت است .

باب شانزدهم

مقررات نهائی

ماده 592 - در مورد معاملاتی که سابقاً تجاریاً شرکتها و موسسات تجاری به اعتباری از یک

امضاء کرده اند و که بعضی از امضاء کنندگان بعنوان ضامن امضاء کرده باشند و که بعنوان

دیگر طلبکار می توکنند به امضاء کنندگان مجتمعیاً منفر دارجوع نمایند.

ماده 593 - در مورد ماده فوق مطالبه از هر یک از اشخاصی که طلبکار حق رجوع به آنها دارد قاطع

مرور زمان نسبت به دیگران نیز هست .

ماده 594 - به استثنای شرکتهای سهامی و شرکتهای مختلط سهامی به کلیه شرکتهای

ایرانی موجود که به امور تجاری اشتغال دارند تا اول تیرماه 1311 مهلت داده می شود که

خود را با مقررات یکی از شرکت های مذکور در این قانون وفق داده و تقاضای ثبت نمایند و کلاً نسبت به

شرکت های متخلف مطابق ماده دوم قانون ثبت شرکتها مصوب خردادماه 1310 رفتار خواهد شد.

ماده 595 - هرگاه مدت مذکور در ماده فوق برای تهیه مقدمات ثبت کافی نباشد ممکن است

تا شش ماه دیگر از طرف محکمه صلاحیتدار مهلت کافی اضافی داده شود مشروط بر این که در موقع

تقاضای تمدید نصف حق الثبت شرکت پرداخته شود.

ماده 596 - تاریخ اجرای ماده 15 این قانون در آن قسمتی که مربوط به جزای نقدی است و تاریخ



اجرای ماده 201 و تبصره آن و قسمت اخیر ماده 220 اول فروردین 1312 خواهد بود.

ماده 597 - شرکتهای مختلط سهامی موجود مکلف هستند که در ظرف شش ماه از تاریخ اجرای

این قانون هیئت نظاری مطابق مقررات این قانون تشکیل دهند و الکهر صاحب سهمی حق

دارد انحلال شرکت را تقاضا کند.

ماده 598 - طلبکاران تاجر متوقفی که قبل از تاریخ اجرای این قانون طلب خود را مطالبه کرده کند

مشمول مقررات ماده 473 نبوده و از حقی که بموجب قانون سابق برای آنها مقرر بوده استفاده

خواهند آورد.

ماده 599 - نسبت به طلبکارانی که در امور ورشکستگی های سابق قبل از تاریخ اجرای این

قانون طلب خود را مطالبه نکرده کنند مدیر تصفیه هر ورشکسته اعلانی منتشر کرده و یکماه به آنها

مهلت خواهد داد که مطابق ماده 462 این قانون رفتار کنند و کلاً مشمول مقررات ماده 473 خواهند شد.

ماده 600 - قوانین ذیل قانون تجارت مصوبه بیست و پنجم دلو 1303 دوازدهم فروردین و دوازدهم

خرداد 1304 قانون اصلاح ماده 206 قانون تجارت راجع به اعتراض عدم تادیه مصوب دوم تیرماه

1307 قانون اجازه عدم رعایت ماده 270 قسمتی از ماده 44 قانون تجارت نسبت به تشکیلات و

اساسنامه شرکت سهامی بانک ملی و شرکت سهامی بانک پهلوی مصوب 30 تیرماه 1307 از

تاریخ مزبور به موقع اجرا گذاشته می شود.

[1] ماده 10 قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجراء سیاستهای کلی اصل چهل و چهارم (44) قانون اساسی (... معاملات مدیران شرکتهای تعاونی و اتحادیه های تعاونی مشمول ماده (129) قانون تجارت خواهد بود.)

